

مرده ده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

ابوالحسن بنی صدر
میزان عدالت در قلمرو اقتصاد - ۳

رابطه مستقیم انسان با واقعیتها

انقلاب اسلامی

در هجرت

شماره ۶۶۹ از ۲۷ فروردین تا ۹ اردیبهشت ۱۳۸۶

وبال گردن

◀ خالی شدن از درون و انزوا، خامنه ای را نیازمند خالی بندها کرده است: ص ۱

◀ آنها که کشور را به خطر انداخته اند؟ - احضار احمدی نژاد به مجلس

- انشعاب - با آتش بازی نکنید! و...: ص ۴

◀ از دستگیری تا آزاد سازی ۱۵ انگلیسی: چرا بحران نتوانست طولانی

و بزرگ شود؟ و...: ص ۵

◀ نسیم آرامش بر خاورمیانه می وزد؟ - آیا حکومت امریکا آماده گفتگوی

مستقیم با رژیم می شود؟ ص ۷

◀ امریکا اقتصاد ایران را خفه می کند - اقتصاد ایران در حال تلاشی است

- نقدینگی و تورم از مهار خارج می شوند و...: ص ۹

◀ گلزار: سال تورم انفجاری با بودجه ۸۶: ص ۱۰

◀ گزارش خبری از ایران شامل مجموعه ای از خبرهای گویای وضعیت: ص ۱۱

◀ معلمان و دانشجویان و روزنامه نگاران و زنان، قربانیان تجاوز

به حقوق انسان: ص ۱۲

تحقیق در ایران پیرامون

گروگانگیری، خیانتی که خمینی آن را

« انقلاب دوم » خواند - ۴

*نیاز به تسخیر سفارت در ایران

در مورد تسخیر سفارت امریکا تا به حال مطالب بسیاری نگاشته شده است اما مطالعه گترده ابوالحسن بنی صدر در باره گروگانگیری، ما را بر آن داشت در حد توان، با این موضوع از بدهای دیگری بنگریم:

با آنکه از آن عملیات ویرانگر تا به حال حدود بیش از بیست و هفت سال می گذرد، تاثیر آن ویرانگری هنوز باقی است. در داخل، کمتر کسی تلاش گسترده ای نموده است تا این خیانت بزرگ را افشا کند و به آگاهی ملت ایران برساند تا مردم بدانند که این عملیات تحت چه پوششی انجام گرفتند.

با توجه به گذشت زمان، کسانی که در اجرای طرح گروگانگیری دست داشته اند به چند دسته تقسیم شده اند:

- برخی از دانشجویان طلب بخشش کرده اند یا می خواهند بکنند و حتی تصمیم دارند از کارتر بابت گروگانگیری عذر خواهی کنند. جالب اینجاست که این عده که می توان گفت تقریبا از گردانندگان این حرکت نابودگر بوده اند، هرگز مردم ایران را به حساب نمی آورند و نمی گویند می خواهند از مردم ایران بابت این خیانتی که در حق آنان و کشور کرده اند عذر خواهی کنند. از آن جمله است ابراهیم اصغرزاده.

با وجودی که مردم ایران بیشتر از هر کس دیگر، از این خیانت، دچار آسیب شده اند کسی نمی خواهد از این مردم بپوشد. زیانهای گروگانگیری را پیش از این بر شمرده ایم. در این جا، زیانهای را می آوریم که به استقلال و آزادی و تجربه مردم سالاری وارد شده اند:

۱- کودتا برضد حکومت مهندس مهدی بازرگان: دانشجویان فریب خورده تحت تاثیر تبلیغات برخی از روحانیون و امریکایی ها که از وجود حکومت مهندس بازرگان که به نوعی خود را وفادار به راه و رسم دکتر محمد مصدق می دانست، قرار گرفتند و ناشیانه کاری را کردند که گردانندگان اصلی طرح و اجرای گروگانگیری، به دنبال آن بودند. یعنی خمینی و دار و دسته او و امریکاییان و سران بحران ساز آن کشور.

در صفحه ۱۳

انقلاب اسلامی: حکومت احمدی نژاد وبال گردن خامنه ای شده است. بی کفایتی بیش از حد این حکومت خامنه ای را بر آن داشته است که توسط نمایندگان خود در سازمانهای حساس، اداره امور را در دست بگیرد. اما دو و چند دستگی در مدیریت که جانشین یکدست شدن مدیریت گشته است، هرج و مرج اداری را بیشتر و فلج و فساد را افزون تر کرده است. در فصل اول، مجموعه ای از اطلاع ها و خبرها را می خوانید گویای گیتی روز افزون رژیم، وبال گردن خامنه ای شدن دولت (حکومت و مجلس و دستگاه قضائی).

اما وبال گردن خامنه ای شدن دولت، پی آمدهایی دارد: جدائی و تقابل روحانیان با رژیم، که خامنه ای را مسئول اوضاع کنونی می دانند، همچنین تضعیف احمدی نژاد و صف بندیها در برابر یکدیگر.

فصل دوم را به نظرها و اطلاعاتی اختصاص می دهیم گویای تلاشی رژیم از درون و وضعیتی است که در آنست. در فصل سوم خبرهای گویای روابط ایران و امریکا را می یابید. بنا بر این اطلاعات و خبرها، انزوا ایران در سطح منطقه تشدید می شود.

در فصل چهارم گزارشها و داده هایی در باره وضعیت اسفبار اقتصادی را از نظر خوانندگان می گذرانیم.

در فصل پنجم نوشته گلزار در باره بودجه ۸۶ را می خوانید

در فصل ششم گزارشی خبری از ایران را نقل می کنیم که بر فصلهای پیشین پرتو می افکند و ما را از تشدید سرکوبها آگاه می کند و از این نظر ربط مستقیم پیدا می کند به فصل هفتم.

در فصل هفتم، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را به اطلاع خوانندگان خود می رسانیم

خالی شدن از درون و انزوا، خامنه ای را نیازمند خالی بندها کرده است:

*ترس از آلترناتیو دموکرات اطلاعاتی از درون ایران

◀ سقوط: رژیم پوشالی شده است. این رژیم رفتنی است:

۱- اگر جوانان بهمن ۵۷ باشند سرنگون کردن رژیم بسادگی قابل انجام است.

۲- اگر رادیو تلویزیون تصرف شود و منتظری برای جوانان بسیجی صحبت کند، دست اندر کاران خود فرار را بر قرار ترجیح میدهند.

در صفحه ۳



• اگر بنا را بر توحید بگذاریم، رابطه با واقعیتها، سازگاری جستن و سازگار شدن و سازگار کردن می شود و محیط زندگی هر فرد فراخانی توحید و نظام اجتماعی بطور کامل باز و از راهگذر رشد، تحول پذیر می شود.

چند و چون فعالیتهای انسان ها در این دو محیط اجتماعی، چند و چون فعالیت های ویرانگر (بر اصل تضاد) و یا چند و چون فعالیتهای سازنده (بر اصل توحید) می شوند.

بدین قرار، راست راه رشد - تنها وقتی انسان به حق عمل می کند، این راست راه را بر می گزیند زیرا خط یا میزان عدالت است - راهی که انسانها چون در آن می شوند با خدا، و به یمن آن، با واقعیتها رابطه مستقیم برقرار می کنند و بنا بر این، نیروهای محرکه را در رشد بکار می اندازند، این راه است.

و نیز، اگر زمان و مکان اجتماعی - طبیعی را محدود بدانیم، استعدادها، در فعالیتهای خود، از این حکم پیروی خواهند کرد. و اگر این زمان و مکان را نامحدود بدانیم، استعدادها، با فعالیتهای خود، از این حکم پیروی خواهند کرد. و اگر این زمان و مکان را نامحدود سازگار خواهند کرد. و چون های این دو نوع فعالیتها را نمی توان متفاوت خواند. زیرا متضاد هستند. توضیح این که فعالیتهایی که در تابعیت از زمان و مکان محدود انجام می گیرند، غیر آزاد و قدرت فرموده، بنا بر این، ویرانگر می شوند. حال آنکه فعالیتهای بر وفق زمان و مکان نامحدود، آزاد از محدود کننده ها، بنا بر این، سازنده می شوند. پس، عدالت میزانی است که بدان، آدمی را از باز و بسته بودن زمان و مکان اندیشه و عمل او، آگاه می کند. اقتضای عمل به عدالت اینست که زمان و مکان هر فعالیت نامحدود فرض شود.

اینک تجربه را پیشنهاد می کنم. این تجربه را از آن رو پیشنهاد می کنم که فعالیت اقتصادی اول انسان، تنظیم رابطه با واقعیتها به ترتیبی است که استعدادها، او در فعالیت خود، آزاد باشد و این فعالیتها با یکدیگر هماهنگ باشد.

• استعداد تعقل و خلق اندیشه نیاز به نامحدود شمردن هستی دارد. زیرا عقل از رهگذر اینهمانی جستن با هستی هوشمند است که آزاد می شود و می تواند اندیشه را خلق کند. نه تنها لحظه اندیشیدن، لحظه ایست که در آن، عقل از زمان و مکان محدود رها است، بلکه هر گاه عقل کسی بخواهد خود را به زمان و مکان محدود پایبند کند، توان تعقل را از دست داده و خویش را از خلق اندیشه ناتوان کرده است. بنا بر این، محدود کردن زمان و مکان، عقل، این مرغ تیز پرواز را از افقی محروم می کند که بی کران هستی است. این محرومیت سرانجام از پرواز ناتوان و نازایش می سازد.

بسا اگر انسانها این آزمایش را کرده بودند، چرخ زندگیشان بر راست راه رشد، شتاب می گرفت. باری، اگر تجربه گر بپذیرد که نه تنها نگاه اندیشیدن و خلق اندیشه، آدمی با هستی اینهمانی می جوید،

بلکه فعالیت طبیعی استعداد او ایجاب می کند هستی را بی پایان بداند. زیرا در این فراخانی بی کران است که استعدادها، انسانها آزاد می شوند. در اقتصاد، تولید محور و تولید تابع نیازهای انسان در جریان رشد می شود. بدین سان، حالتی را که، در آن، این استعداد فعالیت آزاد می یابد را حالت آزاد و این حالت را میزان عدالت می خوانیم.

• استعداد علم آموختن، به اعتبارهای گوناگون، نیازمند آنست که رشد علمی را نامحدود بداند. از آن جمله اند این سه اعتبار که از نظر فعالیتهای انسان مهمند:

یک - اگر بنا را بر محدود بودن رشد علم بگذاریم، همواره همان خطر وجود دارد که در طول تاریخ وجود داشت و در قرن بیستم جمعیتی عظیم را بکام مرگ برد و ویرانی های بزرگ ببار آورد:

علم الیقین یکی است و این یکی همانست که من یا ما بدان دست یافته ایم. (ایسمهای قرن ما و بنیادگرایی ها) و «پاک دینی» (انگریسم) ها) دو - علم محدود است و من یا ما به آخر آن رسیده ام یا رسیده ایم. در تاریخ، ملت هایی بوده اند که این حکم را صادر و بدان دلنشاط شدند، اما از رشد مانده اند. چون رشد نکرده اند، در پیراهه ویرانگری افتاده اند و بسا تا نابودی رفته اند. آیا جامعه های مسلمان، از جمله به خاطر جبر این حکم، از رشد نماندند و همچنان در پیراهه ویرانگری نماندند؟

سه - برای آنکه عقل بر روی علم باز باشد و سانسور در کار نیاید، اصل راهنمایی لازم است که هیچ حدی ایجاد نکند و عقل را گرفتار محدودده ای نگرداند. اطلاع ها، داده ها، اندیشه ها، بدون مانع و بی کم و کاست، به اندیشه راه پیدا کنند.

چنانکه عقل از جبر منطبق کردن واقعیت با دلخواه قدرت رها باشد و واقعیت را چنانکه هست ببیند و بشناسد. اصلی که عقل را از هر حد و مرزی رها می کند و هستی بیکران را فضای او می گرداند، از بندگی قدرت آزاد او می ماند و جامعه ای با عقل جمعی آزاد، رابطه مستقیم با اقتصاد برقرار می کند و در این رابطه، اقتصاد در خدمت انسان است. موازنه عدلی این اصل راهنما است.

بدین قرار، هم رشد انسان و هم آزادی او (پرهیز از اسطوره کردن علم و چماق کردن آن)، اقتضای می کند آدمی رشد علمی را پایان ناپذیر بشمارد.

اگر تجربه را پی بگیریم، متوجه می شویم حالت یادگیری، حالت احاطه محدود، توسط نا محدود است. توضیح این که، هر چند به حافظه سپردن، علم جستن نیست، اما برای این که ما موضوعی را، خوب و زود، به حافظه بسپاریم، نیازمند آنیم که آن احاطه را پیدا کنیم. یعنی آن را بفهمیم. این تجربه - هر کس فراوان انجامش داده است - انسانها را به این صرافت نینداخته است که کودکان و نوجوانان و جوانانی که می آموزند،

رابطه مستقیم انسان با واقعیتها

می باید ابتکار عمل داشته باشند، تجربه گر بشوند تا این معرفت نخستین را بیابند که رابطه اشان با دانش، رابطه احاطه یابنده (جویای علم) با احاطه شونده (موضوع علم) است. حال آنکه والدین و سپس معلمان، دانشجو را ظرفی تلقی می کنند که باید از علم پر کرد یا مصرف کننده ای می انگارند که باید علم مصرف کند. این جانب، تا آن روز که به این غلط پی بردم و رابطه خود با علمی که باید جست را تغییر دادم، زمان و کارمایه های بسیاری را تباها کرده بودم. در ایران ما، همچنان، دانش آموزان و دانشجویان گرفتار نظام آموزش و پرورش هستند که حاضر نیست به دانش آموز و دانشجو میدان ابتکار بدهد. در نتیجه، دانش آموز و دانشجو در استعدادهایش بجای عقل، حافظه را بیش از اندازه بکار می برد. اما به حافظه سپردن، نیازمند احاطه پیدا کردن بر موضوعی است که به حافظه می سپاریم. از این زمان مانده، موضوع های بخاطر سپرده شده، بستگی به میزان فهمیده شدنش دارد. فردای امتحان یا در زمانی کم و بیش دیرتر، فراموش می شود.

در کشورهایی که نظام اجتماعی آنها باز نیست و رابطه ها، رابطه های آمر و امربر است، بابت روش آموزش و پرورش غلط، هزینه های بس سنگین را تحمل می کنند و زمانی را از دست می دهند که طول عمر نسلا است.

از این تجربه نیز به این نتیجه می رسیم که وضعیت، وضعیتی که در آن، استعداد علم و فن آموختن و بیشتر از آن، جستن و یافتن دانش و فن جدید، خود جوش و طبیعی، انجام می گیرد.

بدین قرار، میزان عدالت، خودجوشی و آزادی استعدادهای انسان در فعالیتهای خویش است. قلمرو اقتصاد، دیگر عرصه قدرت سرمایه نیست که در آن، انسان خودجوشی و آزادی در انواع کارهای خود را باز یابد.

• تأسی را انسان شدن و انسان فرهنگ ساز معنا کرده اند. بنا بر فطرت، انسان انس می گیرد و محبت و دوستی و صلح را حقوق خویش می شمارد. اما عشق نیز، از جمله فعالیتهای است که بمحض حد یافتن و تعین پذیرفتن، و دیگری را بخاطر خود خواستن، از خود بیگانه می شود. برای مثال، اگر کسی به دیگری گفت با او دوست است اما در دل می دانست بخاطر مقصود معینی اظهار دوستی کرده است و با رسیدن به مقصود، به دوستی پایان می بخشد، فریبکار است.

بدین قرار، انسان برای آنکه بتواند با دیگری انس بگیرد، نخست می باید برخورد و دیگری، بعنوان انسان، معرفت بجوید. به قول سعدی، بداند انسانها «از یک گوهرند». حتی برای این که از رهگذر رشد هویت بجوید، بر او است که پاسخی برای پرسش «انسان کیست؟» داشته باشد. هر گاه پاسخ او به پرسش این باشد که انسان حقوقمند، صاحب استعدادهای پرشمار، بنا بر این چند بعدی، از جمله

استعداد انس گرفتن دارد، و فرهنگ ساز است، اگر راه رشد در پیش گیرد، به خود هویت سازندگی می بخشد و اگر پیراهه قدرت سازی و ویرانگری در پیش گرفت، هویت ویرانگری می جوید، و رابطه ها با یکدیگر را، رابطه قوا می کند و به فرمان قدرت ستمگستر، این مرزها را پدید می آورد:

مرز نژادی، مرز ملی، مرز قومی، مرز جنسی، مرز طبقاتی، مرز قشری، مرز گروهی، مرز خانوادگی، مرز دینی و مرامی، مرز فرد (اصالت فرد و تقدم آن بر اجتماع) و مرز اجتماعی (تقدم اجتماع بر فرد) و... این مرزها را قدرت (= زور) به دست انسانها، در جریان ویرانگری، بوجود آورده است. آنها که خود را در این مرزها محدود می کنند، نخستین قربانیان ویرانگری خود می شوند. زیرا ناگزیر هستند آزادی خویش را از دست بدهند و استعدادهای خود را به بردگی قدرت درآورند. عصر ما، عصر قربانیان مرز سازهی و مرزبندیها است. اما واقعیتی که جمهور انسانها از آن غافلند، اینست که حتی بندگان قدرت نیز، ناگزیر هستند تصویری از «نژاد برتر»، «مسلمان مکتبی»، «جامعه بی طبقه» و ... داشته باشند تا بتوانند قدرتمنداری و خشونت مرگ آور و ویران ساز را توجیه کنند.

آگاهی از این غفلت، به ما می آموزد که توجه دادن انسانهایی که خود را در این مرزها زندانی کرده اند، به آزادی که از دست می دهند و استعدادهایی که تخریب می کنند و محیط اجتماعی که بسته یا نیمه باز نگاه می دارند، نیروهای محرکه ای که تخریب می کنند و محیط زیستی که آلوده می کنند و... اما با ایجاد نظام اجتماعی خالی از این مرزبندیها، باز تحول پذیر ممکن میشود و این خود تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی است.

باری، حالت انس، محبت، دوستی و صلح اجتماعی، حالت رهائی از تضادها، باز جستن توحید و آزادی است. فعالیت اقتصادی در این آزادی، فعالیت انسان در خدمت قدرت سرمایه نیست و انسان موجودی که در شئی (نیروی کار) و مصرف کننده ناچیز شده است، نمی ماند. آزاد می شود و اختیار خود را از نو به دست می آورد.

استعداد انس و عشق ورزی انسان به ما می گوید:

برنامه رشد اقتصادی که بر کاهش روابط قوا و از میان برداشتن تضادها و افزایش رابطه های خالی از زور و پر از انس و دوستی، همراه نباشند، دروغهای بزرگ هستند.

• فعالیتهای ششگانه انسانها، در محیطهای اجتماعی و طبیعی که می سازند، و در بطن رابطه با هستی، فرهنگ و نیز ضد فرهنگ (فرآورده های قدرت) هر جامعه را پدید می آورند. این فرهنگهای در رشد یا در انحطاط که، بدان ها، هر جامعه هویت پیدا می کند، مشترکات دارند. این اشتراکات را فرهنگ جهانی می

خوانیم. اگر رابطه با هستی نبود، فرهنگها نیز نبودند، مشترکات آنها که، در واقع، مشترک اول و پایه، همان رابطه با هستی است، هم نبودند و فرهنگ جهانی نیز وجود نمی داشت.

اما در این جا، مقصود از فعالیت فرهنگی که به «هنر و ادبیات» اصطلاح شده، هم هست و هم نیست: برای این که فعالیت را هنر بخوانیم، می باید فعالیتهای مرزهای ممکن را درنوردیده و در فراخانی ناممکن، انجام گرفته باشد. بدین قرار، هر ابتکار، ابداع و خلقی که مرزهایی را در می نوردد که عقل جمعی و عقلهای افراد عبور از آنها را ناممکن می انگارد، هنر است. بنا بر این تعریف، هنر نه تنها نیاز به رابطه ای با زمان و مکانی فراختر از زمان و مکانی زندگی های فردی و اجتماعی دارد، بلکه از آنجا که خود بیرون رفتن از این دو محدوده است، بنفسه آزاد کننده است. از این رو، «هنر و ادبیات» وقتی هنر نیستند، محدود کننده اند و چون هنر می شوند، آزاد کننده می شوند:

هنر انسان ها را به یاد آزادی ذاتی خویش می اندازد و به آنها جرأت رها شدن از جبرهای اجتماعی را می بخشد.

از لحاظ رشد که در «هنر و ادبیات» بنگریم، صاحب دو نقش تعیین کننده شان می یابیم: یک - جریان اندیشه های باز کننده افق زمانی و مکانی و بنا بر این، باز کردن افق دید و آشکار کردن امکانهای جدید.

دو - بسط دادن فراخانی آزادی، در نتیجه، رشد پذیر کردن انسانها و جامعه های آنها.

در جامعه ای که قدرت (= زور) رابطه ها را تنظیم می کند و آغاز و فرجام فعالیتها است، «هنر و ادبیات» ی پیدا می شود که ستایش قدرت، بیانگر ترسها و راهبر آدمیان به فعالیتهای ویرانگر هستند. سرشار از خشونت و ضد ابتکار و ابداع و خلق، ضد هنر، هستند. در این جامعه ها ابعاد ویرانگریها هستند که رشد می کنند و ضد فرهنگ است که گسترش می یابد.

• از استعدادهای آن استعداد که موضوع فعالیتش، اقتصاد است، کارش تنظیم رابطه ایست که می توانیم آن را رابطه آزاد و مستقیم انسان با زمان و مکان، دقیق تر بخواهیم، با هستی محدود، عرصه فعالیتهای استعدادهای انسان بگردد و وضعیت انسان، وضعیت انسان آزاد باشد. تنظیم رابطه با هستی، ضابطه ای می شود برای یک رشته تنظیم ها میان:

- انسان و طبیعتی که در آن زندگی می کند،

- انسان و جامعه ای که در آن زندگی می کند،

- انسان و طبیعت بزرگ (منظومه شمسی و منظومه های دیگر)

عدالت را میزان کردن در اقتصاد بدین انقلاب واقعیت پیدا می کند. بدین قرار، برای آنکه الگوی اقتصادی دیگری پیشنهاد کردنی شود، در صفحه ۱۶



۳ - سانسور شدید در باره آلترناتیوی عمل می آید که مطلوب مردم است. در نتیجه، جوانان آلترناتیو دموکرات را در صحنه حاضر نمی بینند. و این امر یکی از مهمترین دلایل برنخاستن موجهای اعتراض است.

برای رژیم جلوگیری از انتشار افکار بنی صدر خیلی مهم است. زیرا در حال حاضر، تنها آلترناتیو مطرح نزد مردم، آلترناتیو دموکرات است. یک دوره بود که خیال رژیم آسوده بود. زیرا مردم را از بدتر از خود (بازگشت پهلویها یا آمدن مجاهدین) می ترساند. در آن دوره سانسور اندیشه بنی صدر کامل بود. زیرا مردم را از وجود آلترناتیو دیگری آگاه می کرد. حالا سانسور تشدید شده است زیرا آن دو دسته از اعتبار افتاده اند. و آلترناتیو دموکرات روز به روز در قوت است. حاکمان حاضرند دست به هر کاری بزنند تا مانع از انتشار این اندیشه، افشای ناجوانمردی های خود در حق بنی صدر و آگاه شدن مردم از وجود آلترناتیو دموکرات شوند. به همین دلیل تقلا می کنند مانع انتشار آثار بنی صدر شوند. به آنها اکتفا نمی کنند با ساختن و پخش دروغ در مخدوش کردن چهره او می کوشند.

قبل از عید بود که با ترتیب دادن مصاحبه هایی با امثال مهدوی کنی و ناطق نوری و ... سعی کردند از بنی صدر فردی مخالف و ضد «امام» بسازند. می شود گفت بیشتر مصاحبه های آنان در باره بنی صدر بود. اینگونه تبلیغات برای سپاه و بسیج است. در مردم اثر مثبت دارد. زیرا مردم با شنیدن اینگونه مصاحبه ها می گویند: پس او اینها را خوب شناخته بود. با آنکه در سپاه و بسیج فضا بسته است اما در دراز مدت آنها را نیز باید به این فکر بیاندازد چرا بنی صدر مخالف «امام» و ملاسلارازان بود.

در اینجا در خور یادآوری است که روزی یکی از دوستان و یاران بنی صدر قرار شد در اجتماعی شرکت کند. سر راه به نزد یکی از مسئولین دانشجویی رفت و گفت: می خواهد در جمعی از یاران بنی صدر شرکت کند. از او دعوت می کند با او همراه شود. او پاسخ می دهد: اگر من را با لنین و استالین و بوش بگیرند من به راحتی می توانم از زندان خارج شوم ولی اگر من را در جمعی از هواداران بنی صدر بگیرند، نه!

*** درماندگی خامنه ای و توسل به وحدت ملی:**

اعلام سال وحدت ملی و انسجام اسلامی از سوی خامنه ای موجب خنده مردم شده است. مردم می گویند بنی ملی بودن و مسلمان بودن مگر چقدر فاصله است که خامنه ای بر آن، تاکید می کند؟ در مورد حرکت های مردمی باید به این نکته اشاره کرد که نظام و سران آن با سرکوب ها دارند کم کم گروهها را به هم نزدیک می کنند سرکوب دانشجویان و زنان و معلمان و کارگران موجب شده است که حرکتی از سوی برخی از نمایندگان این گروهها به وجود آید تا در حرکات بعدی از یکدیگر حمایت کنند. همبستگی آنان شاید در آینده

نتیجه خوبی را ببار آورد. البته در مورد معلمان باید به این نکته اشاره کرد که آنها در چند سال گذشته و در زمان خاتمی به خوبی عمل کردند اما خیانتهای برخی از «اصلاح طلبان با ایجاد گروه رهبری موازی برای معلمان، موجب شد آن حرکت عظیم ادامه نیابد. زیرا جنبش معلمان گرفتار چند دستگی شد. و چند سال آن حرکت به تاخیر بیفتد. اما امسال گویا حرکت منسجم تر شده است.

*** خامنه ای و خالی بندهای دور و بر او رژیم را ورشکسته و ایران را در معرض خطر قرار داده است:**

کروبی در جلسه ای که از روحانیون وابسته به اعتماد ملی برگزار شده است گفته است: این آقای خامنه ای فکر می کند که مستقیماً از سوی ولی عصر دستور می گیرد که اینقدر تند روی می کند او نمی داند که اطلاعاتی که به او داده می شود بیشتر خالی بندی است و مسئولینی که از سوی او بر سر کار گذاشته می شوند از خالی بندهای معروف کشور هستند و در این میان به نام احمدی نژاد و پورمحمدی و ذوالقدر و صفوی اشاره کرده است. به نظر می رسد که کروبی در جلسات مخفی و غیر علنی خود حرفهای تندی بر ضد مسئولین می زند و این باعث شده است که پرونده احمد خمینی و بلایی که بر سر او آوردند برای او نیز ترتیب داده شود. یکی از مقامات واواک گفته است: ایران در چند ماه گذشته به شدت رو به ضعف نهاده است و بسیاری از برتری های خود در میان کشورهای اسلامی را با به صحنه آمدن و قدرت گیری عربستان و مصر و اردن از دست داده است و به شدت به سوی انزوا پیش می رود. عن قریب دستمان از کلیه کشورها حتی سوریه کوتاه خواهد شد و این نتیجه سیاستهای اشتباه رهبری و احمدی نژاد است. نیروهای راست در حال سرمایه گذاری بر روی قالبیاف برای دور آینده ریاست جمهوری هستند. برای گروه اصلاح طلب در ایران دیگر هیچ جانی و امیدی، مشاهده نمی شود. تنها روی خاتمی می توان حساب کرد. البته اگر مانند گذشته ضعف به خرج ندهد.

به نظر او، ایران در حال خارج شدن از عراق است. زیرا با لجاجت خود، در عراق کلیه امتیازات خود را از دست داده است و کار به جایی رسیده است که حتی شیعیان عراقی از ایران خواسته اند این کشور را ترک کند و کاری به حضور امریکا در عراق نداشته باشد. سران عراق در نامه هایی از خامنه ای خواسته اند کاری به دین و تکرش شیعی آنها در عراق نداشته باشد و بهتر است که نیروهای وابسته به خود را از عراق خارج کند تا عراق روی آرامش به خود ببیند.

بنا بر اطلاعی که او می دهد، عربستان در حال اوگیری در منطقه است و اگر به همین منوال کار ادامه یابد ایران به سوی کره شمالی شدن به پیش می رود. رژیم ایران در حال از هم پاشیدن است اما هیچ نیرویی در داخل و خارج از کشور وجود ندارد که در صورتی که اتفاقی در ایران

وبال گردن

بیفتد بتوانند زمام امور را به دست گیرند.

عقیم شدن حکومت: بواسطه سین جیم های اخیر در مسائل مالی، عدم لیاقت و کارائی در همه موارد مدیریت و سمت مشاوره به سلک یاد شده، هیچکاری از پیش نمی رود.

رهبری و رئیس جمهوری: مخالف شدن جناح هائی که قبلاً موافق بودند و آشکار شدن ناتوان احمدی نژاد و حکومت او، سبب شده است رهبری در بسیار سازمان ها توسط عوامل خود کارها را اداره می کند.

گفته می شود که در گیری میان نیروهای سپاه در میان طرفداران احمدی نژاد و مخالفین آنها شروع شده است. این در گیری ها از روزهای بعد از دستگیری انگلیسی ها به تحریک محسن رضایی و هاشمی رفسنجانی وسعت گرفته اند.

*** ترس از دانشجویان: سرکوب و فریب:**

دانشجویان تک ستاره دانشجویانی هستند که تنها از سوی برخی در دانشگاهها برای آنها پرونده ساخته اند و دانشجویان دو ستاره کسانی هستند که علاوه بر پرونده سازی برایشان در دانشگاهها در تحقیقات محلی برای آنها مشکلات سیاسی ببار آورده اند. و دانشجویان سه ستاره کسانی هستند که علاوه بر پرونده سازی در دانشگاهها و تحقیقات محلی از سوی واواک یا سپاه پاسداران نیز دارای پرونده شده اند.

تعداد دانشجویان تک ستاره بیش از ۴۰۰ نفر هستند که در زیر تیغ اخراج در حال گذراندن تحصیل می باشند و از ترس اخراج شدن کوچکترین حرکتی را انجام نمی دهند.

اخیراً لو رفته است که برخی از حرکات نیروهای چپ دانشجویی از سوی سران سپاه و بسیج دانشجویی براه انداخته شده اند. پروژه کمونیست سازی آنها از نوع تند رو آن توسط سپاه پاسداران و واواک و بسیج دانشجویی، تکرار دام گستری های ساواک در دوران شاه برای بدام انداختن دانشجویانی است که چه چپ و چه غیر چپ در مبارزه خود صادق هستند.

*** تروریسم: بسط شبکه و تعقیب تروریستهای رژیم:**

رژیم با انتقال پولهای کلان به کشورهای خلیج فارس، حال سازماندهی برخی از شیعیان کشورهای عربی برای انجام عملیات تروریستی در برخی از کشورها از جمله عربستان و کویت و امارات متحده عربی میباشد. پولهایی که به این افراد از سوی برخی از نیروهای سپاه پاسداران و افراد مستقر در سفارت خانه های ایران در امارات پرداخت می شوند، نقد پرداخت می شوند. همچنین هزینه نگهداری این نیروها در ماه حدود ۱۰ میلیون دلار می باشد که به صورت نقد از ایران برای آنها برده می شود.

محسن ربانی که بخاطر انفجار مرکز فرهنگی یهودیان در بوئیس آیرس، تحت تعقیب پلیس بین المللی است و آن زمان، «وابسته فرهنگی» سفارت

ایران در آرژانتین بوده است، اینک در قم دفتر و دستکی دارد. او از نوجه های حجازی رابط خامنه ای با سازمانهای تروریستی و واواک و... است.

انقلاب اسلامی: خبر منتشره در ۵ آوریل را نیز همین جا می آوریم:

۱ - دادستان بوئیس آیرس همچنان در پی توقیف ۶ نفر زیر است:

عماد مقبیه معاون حسن نصرالله و رئیس دایره امنیت خارجی حزب الله لبنان.

۲ - محسن ربانی وابسته فرهنگی ایران در زمان انفجار.

۳ - احمد رضا اصغری (با نام مستعار محسن رنجبران) دبیر سوم سفارت ایران در واشنگتن بهنگام وقوع انفجار.

۴ - احمد وحیدی فرمانده پیشین سپاه قدس در زمان ایجاد انفجار.

۵ - محسن رضائی، فرمانده وقت سپاه پاسداران و دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت.

۶ - علی فلاحیان، وزیر واواک بهنگام ایجاد انفجار و مشاور کنونی خامنه ای در امور امنیتی.

دستور توقیف این عده (بعلاوه هاشمی رفسنجانی) در ۱۰ نوامبر ۲۰۰۶ صادر شده است.

هاشمی رفسنجانی و ۸ تن در ایجاد انفجار نقش داشته اند. دادستان خواستار توقیف ۹ تن شد که ۸ تن آنها ایرانی هستند.

هیات مدیره اینتر پل به این نتیجه رسید که برابر مقرراتش، ۶ تن از ۹ تن را که اسامیشان در بالا آمده اند، می تواند برای توقیف تحت تعقیب قرار دهد.

رجبی برادر زن الهام در آلمان وابسته فرهنگی بود. اینک او جای خود را به همتی می دهد که وابسته به اطلاعات سپاه است و چند سالی است که با زرغامی رئیس صدا و سیما کار می کند.

دبکا نیوز (۲ آوریل) به استناد منابع اطلاعاتی، گزارش می کند که چند هفته اخیر، فرودگاه بین المللی دمشق محل نقل و انتقال دادن «تورریستهای فلسطینی و لبنانی» به پایگاه سپاه پاسداران در ایران گشته است. رئیس اطلاعات ارتش اسرائیل، بهنگام توجه هیات وزیران اسرائیل، این اطلاع را به آنها داده است. بنا بر این اطلاع، کمیته مشترکی از سوریه و ایرانها تنظیم این نقل و انتقال را بر عهده دارد.

هدف از تعلیم این افراد ایجاد یک جنگ تروریستی در سطح منطقه از لبنان و فلسطین گرفته تا عراق و حتی مصر است.

انقلاب اسلامی: با توجه به منابع اسرائیلی دبکا نیوز، این اطلاع به ضد اطلاع می ماند. از جمله به این دلیل که با اطلاعاتی دیگر خوانائی ندارد. قرار است که «حجت الاسلام» کریمیان از نیروهای سپاه قدس به مسئولیت رایزنی فرهنگی ایران در عراق منسوب شود و البته شده است اما ایران به خاطر شرایطی که امریکا در عراق به وجود آورده است از فرستادن او به آن کشور خودداری کرده است و از آن می ترسد که او لو رفته باشد و توسط نیروهای امریکایی دستگیر شود و مانند دیگر سپاهیان به اسارت در آید

*** چرا نباید قطعنامه شورای**

امنیت را پذیرفت و چه وقت

با امریکا باید وارد معامله شد؟:

برخی از مسئولین جنایتکار نظام در آخرین روزهای سال ۸۵، در جلسه ای که برخی از سران سپاه و روحانی شرکت داشته اند گفته اند: ما چاره ای به جز رد پیشنهادات و قطعنامه های شورای امنیت را نداریم. از آنجا که در این مورد، مردم از ما حمایت نمی کنند باید قاطعانه بر همین موضع بمانیم. و اگر قرار است غرق شویم مردم را هم با خودمان غرق می کنیم. حسین شریعتمداری گفته است: مردم باید بفهمند که دفاع از انرژی هسته ای یعنی دفاع از اسلام و برای این دفاع حاضریم به جنگ هم تن بدهیم و مردم باید این را بپذیرند.

در این جلسه، گویا فرماندهانی از سپاه که نامهایشان در دو قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، آمده اند، نیز حاضر بوده و گفته اند: باید به مردم بگوییم که جان ما اهمیت ندارد اما اگر قطعنامه را بپذیریم از اسلام چیزی بر جای نخواهد ماند.

همچنین در این جلسه تصمیماتی برای برخورد با برخی افراد که به نحوی با انرژی هسته ای مخالفت می کنند گرفته شده است. در پی آن، به آنها اخطارهایی شده اند. گفته می شود که برخی از مسئولین سپاه برخی از نیروهای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را تهدید کرده اند در صورتی که بار دیگر اطلاعیه در این باره صادر نمایند به سختی با آنها برخورد خواهد شد.

خبر خوش هسته ای که قرار است رئیس جمهور در سخنرانی حافظیه شیراز اعلام کند شروع به کار چرخه ۳۰۰۰ سانترفوز است و وی در این سخنرانی خواهد گفت که ایران بعد از موفقیت در ایجاد دو چرخه سوخت ۱۶۴ عددی حال می خواهد که چرخه سوخت ۳۰۰۰ عددی را که می تواند تولید سوخت صنعتی نماید را شروع کند.

سازش با آمریکا: خط کلی که باید رعایت شود، اینست: مسئله ای بهیچ عنوان پیش نیاید. وقتی زمینه آماده شد، سازش خواهد شد.

*** لجبازی احمدی نژاد. او از**

خط قرمز عبور کرده است و

باید برود:

جناح های مختلف در حال ستیز با یکدیگرند، خامنه ای، احمدی نژاد، رفسنجانی و تندروتر از احمدی نژاد. احمدی نژاد بواسطه عبور از خط قرمز برخی ها، ناگزیر به پرداخت بها است که میتواند برایش بسیار گران تمام شود. او در هر صورت باید برود. تا آنجا که بتوانند او را ضعیف می کنند. چوب لای چرخش می گذارند. در ضمن، در بسیار موارد او منافع مافیائی را از بین برده است که او را بقدرت رسانده است.

یکی از طرح ها نیز از بین بردن فیزیکی احمدی نژاد بصورت اتفاقی است. تاچند وقت پیش نیز، حادثه ها در صفحه ۴



بصورت های گوناگون اتفاق افتاده اند.

◀ تغییر وزیر نفت : قرار است همامانه وزیر عوض شود و به جای او علی اصغر زارعی معاونت حراست وزارت علوم یا آقای علی کردان مسئول مالی صدا و سیما در زمان لاریجانی و یا سردار محصولی و یا غلامحسین نوذری از مسئولین سازمان زندانها به جای وی آورده شود.

◀ با وجودی که وزیر امور اقتصاد و دارایی گفته است تغییر ندادن ساعت برای ایران زبانی حدود ۴۵۰ میلیارد و حدود ۶۲۲ لیتر گازوییل در روز و ... را موجب می شود اما احمدی نژاد باز هم دست از لجابت بر نمی دارد و می گوید : مرغ یک پا دارد . مخالفت او با تغییر ساعت نه از روی مطالعه که بلحاظ صفت زشت لجبازی است.

وزیر نیرو در جمع معاونین خود گفته است : تغییر ندادن ساعت حدود ۳۰۰ میلیون دلار خسارت برای وزارت نیرو بیار می آورد . اما احمدی نژاد که به لجابت معروف است حرف دوست خود را هم نپذیرفت .

* هر کس می خواهد با فساد مبارزه کند، خود دست اندر کار فساد می شود ! :

◀ یارانه ها و کمکها : یارانه ها و وام ها برای کمک به اقتصاد و صنعت حیث و میل می شوند . به جیب دوستان و آشنایانی ریخته می شوند .

◀ فساد اندر فساد : در ابتدا همه میخواهند با فساد مبارزه کنند و چون شروع بکار می کنند ، می بینند خود نیز از مفسدین و از جمع مفسدان هستند . لذا، مبارزه با فساد از امروز به فردا می افتد و فسادها بیشتر می شوند . رشوه و نقشی آن در توازن قوا :

وقتی رشوه ستانی از توتال، شب عیدی رو شد، در دستگاه دولت کسی نگفت این همه فساد از چه رو است ؟ دیگران گفتند : چرا ما از این فرصتها بدست نمی آوریم ! تازه دوریالی ها افتاد و گفتند: پس اینهمه تبلیغ برای توتالی بی علت نبوده است ! باند های مافیاهائی قدرت خود را به موقعیت سیاسی و پولی اندازه می گیرند که از ممر رانت بدست می آورند .

◀ از قرار مسموع جریان فرار شهرام جزایری تنها یک نمایش برای ترساندن بسیاری از کادر های رژیم بوده است که میداد فکر فرار به کله شان بزند . در این نمایش، واواک توانائی خود را به نمایش گذاشت و یک متهم فرازی را در یک کشور خارجی دستگیر و به زندان آورد .

همچنین حذف الیاس محمودی : برخی می گویند که اطلاعات داده شده در این مورد نشان می دهد که این جریان با اطلاع خود واواک بوده است .

انقلاب اسلامی : اطلاعاتی که در مطبوعات داخل و خارج انتشار می یابند نیز حاکی از آنند که گروه بندیهای درون رژیم سعی در منسحب کردن یکدیگر دارند. اما این احمدی نژاد است که زیر شدید ترین حمله ها است : به خطر افتادن کشور، احضار احمدی نژاد به مجلس ، اخطار ملک عبدالله به احمدی نژاد و انشعاب در جبهه « پیروان امام و رهبری » ...

آنها که کشور را به خطر انداخته اند ؟ - احضار احمدی نژاد به مجلس - انشعاب - با آتش بازی کنید!..

* صانعی به روزنامه نگاری سوئدی می گوید : ایران در خطر است، دموکراسی نیست، حقوق انسان رعایت نمی شوند و وضعیت اقتصادی وخامت بار است و روش حکومت در مسئله اتمی نادرست است :

◀ مایکل وینارسکی ، خبرنگار روزنامه سوئدی Dagens Nyheter به رقم رفته و گزارشی شامل مصاحبه با صانعی در این روزنامه (۷ آوریل ۲۰۰۷) انتشار داده است . گزارش واجد این نکات است :

• در شهری که موسیقی حرام است بخصوص برای زنان، دخترانی را می توان دید که با میکروفون در گوش، به موسیقی گوش میدهند و در خیابانها راه می روند .

• همه ججره های اطراف ضریح حضرت معصومه ، محل بحث های پر شور است .

نظرهای روحانیان حاکم بسیار باهم فرق دارند . از پیشرو تا متحجر .

• خط قرمز وجود دارد . از جمله ممنوعیت ها ، ممنوعیت انتقاد از قانون اساسی و ممنوعیت انتقاد از نظرهای آیه الله خمینی است .

آیه الله منتظری مزه تلخ این انتقاد را چشیده است . او که بنا بود جانشین خمینی بشود و یکی از پایه گذاران انقلاب خوانده می شد، در ۱۹۸۹، بعد از این که به اعدام زندانیان سیاسی اعتراض کرد و حاضر نشد دستور قتل سلمان رشدی را تأیید کند ، مورد غضب آیه الله خمینی قرار گرفت و برکنار شد .

چند سال بعد، علی خامنه ای جانشین خمینی ، منتظری را در خانه خود بمدت ۵ سال زندانی کرد . امروز ، منتظری ۸۵ ساله است . گاهی انتقادهائی از او شنیده می شود . آخرین آن در ماه ژانویه از احمدی نژاد بخاطر روش او در مسئله اتمی و اداره اقتصاد کشور بود .

• در طرف مقابل او، مصباح یزدی ، رهبر روحانی احمدی نژاد قرار دارد . کارائی او این اواخر بسیار کم شده است . رقیب او ، رفسنجانی که یک پراگماتیست است ، انتخابات مجلس خبرگان را برد .

• آیه الله صانعی همسنگر رفسنجانی است . من او را در خانه اش که در همسایگی خانه آیه الله منتظری است ، ملاقات کردم . صانعی که آیه الله بزرگ است در سه موضوع به حکومت احمدی نژاد بشدت اعتراض دارد : فقدان دموکراسی و فقدان حقوق انسان و وضعیت وخامت بار اقتصاد

وبال گردن

کشور . بحران هسته ای که بر آن سه موضوع اضافه می شود .

او خواستار برابری زنان در حقوق با مردان است . او می گوید :

۱ - در زمان ما شورای نگهبان تشکیل می شد از چند عضو . اما الان خود سازمانی شده است با چند هزار کارمند و همانند یک حکومت جدا عمل می کند و این درست نیست . شورای نگهبان فقط باید نظارت بر قوانین داشته باشد که با اسلام همخوانی داشته باشند .

۲ - او حاضر نیست مخالفت واضح خود را با برنامه اتمی رژیم ابراز کند اما می پرسد : اینها بنزین برای خودروها نمی توانند تهیه کنند چطور می توانند مقابل دنیا بایستند ؟

او فکر نمی کند امریکا به ایران حمله کند و براینست که دو طرف بالاخره با هم کنار می آیند . او نیز می گوید از دید اسلام، بمب اتمی حرام است . باید چنان عمل کرد که از دید جهانیان ، محلی برای شک باقی نماند . البته دولت نتوانسته است چنین عمل کند .

۳ - تنها راه اینست که رفسنجانی بیاید و کشور را نجات بدهد اما آنها نمی گذارند او این کار را بکند ؟

از او می پرسم : آنها چه کسانی هستند ؟ پاسخ می دهد : گروه ضربت و فشار هستند که می زنند و خراب می کنند .

صانعی حاضر نیست اسم ببرد اما حالی می کند که منظورش سپاه و بسیج هستند .

از او می پرسم : آیا در میان سران رژیم شکافی حاصل شده است و یا این که امروز راحت تر می توانید مخالفت های خود را ابراز کنید ؟

صانعی پاسخ می دهد : این مطالب را که من به شما گفتم ، به یک خبرنگار داخلی نمی توانم بگویم . زیرا او را همین جلوی خانه دستگیر می کردند . او به خود دلداری می دهد که سرانجام نظر او پیروز می شود زیرا جوانان دانشگاهها بیشتر و بیشتر همانند او فکر می کنند .

انقلاب اسلامی : نظرهای صانعی واجد چند نکته مهم است :

• کشور در خطر است . اما اگر در کشور در خطر است و هاشمی رفسنجانی باید بیاید آن را نجات بدهد، یک کس و گروههایی آن را گرفتار این خطر کرده اند. آن کس خامنه ای و آن گروههای سپاه و بسیج هستند . می دانیم که پیش از انتخابات قلابی مجلس و ریاست جمهوری به خامنه ای هشدار دادند یکدست کردن دولت نتیجه ای جز آلت فعل پاسدار و بسیج شدن او ببار نمی آورد . از این رو، خامنه ای نه تنها قادر به نجات کشور نیست بلکه خود آن را به خطر انداخته است. وگرنه با وجود او در

مقام رهبری، محلی برای توسل به هاشمی رفسنجانی بعنوان ناجی نبود. اما به قول صانعی ، سپاه و بسیج نمی گذارند هاشمی رفسنجانی بیاید و کشور را نجات بدهد . به سخن دیگر، سلطه واقعی بر دولت را سپاه و بسیج دارند و کشور را دچار خطر کرده اند .

• اما امید بستن صانعی به هاشمی رفسنجانی در محدود رژیم راه حل جستن است که کشور را به خطر انداخته است . آیا او نمی داند یک تن نمی تواند در نظامی عمل کند و توسط نظامی کشور را نجات بدهد که خودکشور را به پرتگاه خطر برده است؟ آیا هاشمی

رفسنجانی از معماران این نظام نبوده است؟ او اهل فساد نبوده و نیست؟

موضعگیری او حاکی از اینست که بجای بطور شفاف در باب اساسی ترین حق از حقوق انسان که حق هر انسان بر رهبری جامعه خویش است (ولایت جمهور مردم) ، بسود ملاسالاری در برابر مافیاهای نظامی - مالی ، موضع بگیرد .

* احضار احمدی نژاد به مجلس برای پاسخ به پرسشهای نمایندگان :

◀ در ۱۵ فروردین ، آفتاب قول اکبر اعلمی را بدین شرح انتشار داده است : احتمالاً تا هفته آینده اسامی تعدادی از نمایندگان که اطمینان داریم امضای خود را برای احضار و سؤال از رئیس جمهور پس نمی گیرند، منتشر می کنیم تا شاید دیگران نیز تشویق شوند که این طرح را امضا کنند .

وی انتشار اسامی را یک نوع آزمون تلقی کرد و در خصوص تعداد کنونی امضاکنندگان سؤال از احمدی نژاد پاسخی نداد .

گفتنی است این طرح در واکنش به نارضایتی برخی از نمایندگان مجلس در مورد اقدامات احمدی نژاد تدوین شده است. طرح سؤال از رئیس جمهور چند ماه است که در دست بررسی است و برخی از نمایندگان مجلس خواستار حضور وی در مجلس و ارائه توضیحاتی در مورد مسایل گوناگون، هستند .

* ملک عبدالله به احمدی نژاد هشدار داده است : با آتش بازی نکنید . اگر شیعه ها در عراق اکثریت دارند در بقیه دنیای اسلام اقلیت هستند و...:

◀ در ۱۱ فروردین ۸۶ ، آفتاب گزارش کرده است: با آن که افشای اظهارات سران کشورها در مذاکرات محرمانه دوجانبه امری متعارف و معمول نیست، با این حال وزیر خارجه عربستان در مصاحبه با یک نشریه آمریکایی مواضع مطرح شده توسط پادشاه عربستان در دیدار چندی قبل او با محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران را بی پرده علنی کرد. سعود الفیصل با اشاره به سفر یک روزه رئیس جمهور ایران به عربستان و همچنین سایر مذاکرات ملک عبدالله و احمدی نژاد، به بیان برخی انتقادات صریحی پرداخت که عبدالله از احمدی نژاد داشته و صراحتاً به او گوشزد کرده است!

«سعود الفیصل» وزیر خارجه عربستان در مصاحبه ای با مجله آمریکایی نیوزویک اظهار داشت که ملک عبدالله، پادشاه عربستان به محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری ایران در خصوص دست کم گرفتن تهدید نظامی آمریکا هشدار داده است. بنابر اظهارات فیصل، پادشاه عربستان در موضوع هسته ای حتی به احمدی نژاد هشدار داده است که «با آتش بازی نکنند».

فیصل همچنین با اشاره به اینکه پادشاه کشورش خیلی رک صحبت

می کند گفت که ملک عبدالله بدون پرده به احمدی نژاد گفته است که او در موضوعات مربوط به اعراب دخالت می کند.

به گزارش خبرگزاری رسمی فرانسه، وزیر خارجه عربستان در مصاحبه با مجله نیوزویک گفت: در موضوع هسته ای ما به او (احمدی نژاد) هشدار دادیم که با آتش بازی نکند و فکر نکند که خطر حمله نظامی آمریکا به ایران خطری غیر محتمل است.

وی در ادامه با اشاره به اینکه سران عربستان از احمدی نژاد خواسته اند که تهدید آمریکا را جدی بگیرد، یادآور شد که پادشاه عربستان به احمدی نژاد به صراحت گفته است: چرا شما می خواهید ریسک کنید و به کشورتان آسیب وارد کنید، چه عجله ای دارید؟ چرا شما باید غنی سازی را امسال و نه سال بعد یا سال های دیگر انجام دهید؟

فیصل با اشاره به اینکه احمدی نژاد، به اظهارات پادشاه عربستان گوش کرده و در عین حال اظهارات او در خصوص مداخله ایران در مسائل اعراب را رد کرده افزود: ما به او گفتیم که چه شما این مساله را انکار بکنید یا خیر، این موضوع در حال ایجاد احساسات بدی درباره ایران است و ما فکر می کنیم که شما باید متوقف شوید.

وزیر خارجه عربستان در این مصاحبه همچنین با ادعای اینکه ایران در عراق دخالت می کند در خصوص بحث شیعه و سنی گفت: ما به او (احمدی نژاد) گفتیم : شما ممکن است فکر کنید که شیعیان در عراق اکثریت هستند ولی آنها در جاهای دیگر اقلیت هستند. آنها اقلیتی هستند که در حال رسیدن به تساوی و برابری در کشورهای سنی هستند.

وی افزود: در کشورهایی مثل عربستان سعودی، شیعیان در همه بخش های دولت، ارتش و همچنین وزارت خارجه در همه موضوعات امنیتی مشغول به کار هستند. آنها مثل هر شهروند دیگری حقوق و وظایف یکسان دارند اما اگر فرقه گرایی در عراق ادامه یابد و به بیرون درز کند بدون شک جوامع شیعه تمام جهان را تهدید می کند؛ این چیزی است که ایرانی ها نگران آن هستند.

◀ به قرار اطلاع از ایران همراهان احمدی نژاد از این که از سکوت خاضعانه او در برابر تندروی های شاه عربستان ، متعجب شده و از خود می پرسیدند: او چرا حاضر شده است این رفتار را تحمل کند . مگر او نبود که مدعی شد دست غیبی پادشاه عربستان را بر آن داشت که به سراغ او بیاید و بهنگام ورود به سالن کنفرانس سران عرب، او را با خود همراه کند. آیا این بار، دست غیبی را سیاستی دگر آمد ؟ بهر حال، پس از این سفر، پشم و پیله احمدی نژاد نزد همکارانش نیز ریخت .

در این جلسه احمدی نژاد سعی می کند به شاه عربستان بفهماند که اگر عربها از فلسطینی ها در مقابل اسرائیل حمایت کنند ایران دخالت نخواهد کرد . شاه عربستان گفته است که مسئله صلح خاورمیانه میان کشورهای عربی و اسرائیلی است و به ایران هیچ ربطی ندارد . همانگونه که ما درمسائل مربوط به شما دخالت نمی کنیم به ایرانی هم اجازه نمی دهیم در این امور دخالت کند .

در صفحه ۵



* حکومت احمدی نژاد بقای خود را در منشعب و منحل کردن « اصول گرایان » رقیب می بینید :

◀ در ۱۷ فروردین ۸۶ ، آفتاب گزارش کرده است : در روزهای آغازین سال ۸۶ شایعه‌ای توسط رسانه‌ها و سایت‌های خبری حامیان حکومت احمدی نژاد منتشر شد حاکی از جدایی ۱۰ تشکل از گروه‌های تشکیل دهنده جبهه پیروان خط امام و رهبری (ائتلاف گروه‌های راست سنتی). خبری که می‌توان آن را یکی از جدی‌ترین واکنش‌ها به اعلام گسترش تشکیلاتی جبهه پیروان دانست که در واپسین روزهای سال گذشته از سوی مسئولین آن اعلام شده بود. گسترشی که توأمان به صورت «افزایش احزاب و گروه‌های عضو این جبهه» و «گسترش دفاتر استانی» آن با هدف شرکت در انتخابات مجلس هشتم صورت می‌گیرد.

این در حالی است که جدایی و انشعاب ۱۰ حزب از مجموع ۱۴ حزب عضو در جبهه پیروان خط امام و رهبری، نمی‌تواند نتیجه‌ای جز انحلال آن را به بار آورد. مسئله‌ای که البته چندان برای گروه‌های حامی حکومت - که بارها به صورت پیدای و پنهان از «پایان عمر سیاسی نیروهای سنتی جناح راست و بزرگان آن» سخن گفته‌اند - به هیچ عنوان نامطلوب تلقی نمی‌شود. با این حال، این «سید کمال سجادی» سخنگوی جبهه پیروان خط امام بود که در نخستین واکنش به این خبر با تکذیب آن این قبیل اخبار را «اکاذیبی» دانست که برخی افراد و نشریات سعی در انتشار آن دارند.

انقلاب اسلامی : اسیر گرفتن ۱۵ ملوان و تفنگدار دریائی انگلیس و آزاد کردن آنها پیش از پایان التیماتوم ۴۸ ساعته تونی بلر ، موجب ارزیابی های گوناگون از رفتار رژیم مافیاه گشت . الا این که همگان اتفاق نظر دارند که بحرانی شد که نتوانست دیر پاید :

از دستگیری تا آزاد سازی ۱۵ انگلیسی : چرا بحران نتوانست طولانی و بزرگ شود؟! و... :

انقلاب اسلامی : در قسمت اول این فصل گزارشی را می‌خواند از ایران و در قسمت دوم ارزیابی های غرب را از به اسارت گرفتن ۱۵ ملوان و تفنگدار انگلیسی :

گزارش از ایران : طرفداران « دیپلماسی در لبه پرتگاه جنگ » جا نمی‌زدند اگر در رژیم تنها نمی‌ماندند و مردم قاطعانه دست زدند به سینه آنها نمی‌زدند :

وبال گردن

آوردند به ناگاه متوجه شدند که خود به دام افتاده اند .

توجهی که برای آزاد کردن و بدرقه رسمی « جاسوسان » انگلیسی ساخته اند، خود می‌گوید عملشان بیرون آمدن از دام بوده است. می‌گویند : امام خمینی گروگانهای امریکائی را به اناری تشبیه فرمود که آب لمبو شده و آتش مکیده و تفاله اش مانده شده باشد . دیگر باید رهایشان کرد . نگاهداری اسیران انگلیسی نیز دیگر فایده نداشت ممکن بود مثل گروگانگیری کار را به امضای قرارداد الجزایر دیگری بکشاند . این بود که حکومت احمدی نژاد با هوشیاری آنها را آزاد کرد . پرسیدنی است چه شد که از امروز به فردا احمدی نژاد هوشیاری بدست آورد؟! :

اما چرا خامنه ای و حکومت یکدست او طعمه را، ناگرفته، رها کردند و از «جاسوسان» بدرقه رسمی نیز بعمل آوردند؟ :

۱ - جنگ طلبان سپاه و حکومتیان همدستان استحکام رابطه انگلستان با برخی از روحانیان حاکم را تا این اندازه نمی‌دانستند . یک عامل از عوامل عقیم شدن بحران و ناتوان شدن بحران سازان از بازی با آن و پیش بردن آن ، پایگاه انگلستان در رژیم مرکب از « روحانی » و غیر روحانی بود .

یک چند از خانواده های روحانی و بازاریان ایران در حال حاضر در انگلستان و کانادا دارای سرمایه هایی کلان می باشند. نزدیکی و ارتباط دیرینه مهدوی کنی و حسن روحانی و ناطق نوری و فاضل لنکرانی و ... با انگلیسها سبب شده است انگلستان از موقعیتی خوب در رژیم برخوردار باشد ۲ - از آنجا در رژیم، اکثریت با اسیر گرفتن و بردن ایران به لبه پرتگاه جنگ موافق نبودند ، گروه حامی احمدی نژاد نتوانست تظاهرات گسترده ای را بر پا کند . تظاهراتی که به راه انداخت، موجب بی اعتباری محض او و حکومت او شد . انزوای او در خود رژیم و در جامعه ایرانی ، بر همگان عیان گشت . احمدی نژاد و باند او متوجه شدند که نمی‌توان از این پارچه برای خود پیراهن دوخت. به همین دلیل سعی نمودند با استفاده از برخی روابط سر و ته ماجرا را بهم بیاورند .

۳ - احمدی نژاد که خود از امور دنیا سر در نمی‌آورد. مشاورانی هم دارد - وی که مدعی است که مشاورانش از برجسته ترین مشاوران و تحلیل گران هستند - چون او از امور دنیا سر در نمی‌آورد . این جمع به این نتیجه رسیده بودند که با گرفتن انگلیسی ها می‌توانند امتیازاتی به دست آورند. اما وقتی متوجه شدند در دام افتاده اند که دیگر دیر بود . تلاش کردند اگر شد امتیاز کوچکی بگیرند و به سرعت از دام خارج شوند . اما بسیار بیشتر از آنچه بگیرند دادند.

۳ - حکومت احمدی نژاد با موافقت خامنه ای و خالی بندهای دور و بر خامنه ای برآن شدند از اسیران انگلیسی استفاده کنند . از جمله فکر می‌کردند در شرایطی که تونی بلر در آن قرار دارد، می‌توانند ضعف حکومت بلر را تشدید کنند . اما غافل از این که انگلستان در رژیم چنان پایگاه قوی دارد که گرفتن و آزاد کردن ملوانان و تفنگداران انگلیسی را مایه قوت و اعتبار بخشیدن به حکومت بلر می‌کنند . بخصوص با کار بهت آور احمدی نژاد و وزیران او که در بدرقه رسمی از اسیرانی شرکت کردند که آنها را جاسوس می‌خواندند و بعد از آزادیشان ، اسکای نیوز نیز مصاحبه ای از فرمانده آنها پیش از دستگیری انتشار داد که معلوم می‌کرد مأمور جاسوسی بوده اند .

اما نظر سنجی ها نشان می‌دهد که سران طرفدار سیاست « در لبه پرتگاه جنگ » رژیم ، از رهگذر این ماجرا، موجب حمایت مردم انگلستان از بلر و حکومت او شده اند . ماهها بود که مخالفان تونی بلر توانسته بودند با افشای برخی از مدارک موجب بی اعتباری او شوند. اما شاهکار وابستگان به احمدی نژاد و استفاده بموقع و بایسته پایگاه انگلستان در رژیم موجب شدند تا نظر مردم انگلستان نسبت به تونی بلر تغییر یابد به گونه ای که در آخرین نظرسنجی حدود ۴۳ در صد از مردم انگلستان موافق حمله نظامی بعنوان واپسین اقدام برای آزادی اسیران انگلیسی بوده اند .

۴ - اما گرفتن ۱۵ انگلیسی سبب حمایت کلیه کشورهای اروپایی از انگلستان بود . حتی یک کشور نبود که از ایران حمایت کند . حتی سازمان ملل اگر بخواهد تحقیق کند آیا آنها وارد آبهای ایران شده بودند یا خیر و مأموریت واقعیشان چه بوده است .

۵ - این ماجرا آزمونی شد برای نقش تعیین کننده مردم ایران : سران رژیم می‌پنداشتند اگر نمایش ملی گرانی بدهند، مردم از آنها حمایت می‌کنند . اما مردم ایران فرصت را مغتنم شمردند برای آنکه به مردم دنیا بگویند با ماجراجوییهای رژیم موافق نیستند . این کار مردم عامل تعیین کننده خاتمه بحرانی شد که بنا داشتند بدان دامن زنند و نیز سخن گفتنی بود صریح با جامعه بین المللی که روشی را برنگزینید که ما مردم دم فرو بندیم و عمر استبداد ادامه بیابد . این معنی از نظر رسانه های غرب نیز پوشیده نماند .

مردم ایران مردمی هستند بسیار صبور و حرکات آنها بسیار بطئی اما دقیق است . این مردم با رفتار خود به رژیم اخطار کردند در بحران سازیه و خطر تراشیه از آنها حمایت نمی‌کنند و هرگاه بحران سازیه کار را به جنگ بکشاند، این حاکمان هستند که میان دو سنگ آسیاب خرد خواهند شد .

۶ - رفتار مردم سخت حکومت احمدی نژاد را عصبانی کرده است . چنانکه هاشمی ثمره ، در جلسه ای، گفته است : این مردم لیاقت ظهور امام زمان را ندارند . امام زمان در

زمانی غیبت کرده است که مردم از این قماش مردم بوده اند . البته در زمانی و با وجود این نوع مردم ظهور نمی‌کند . ما هر چه هم تلاش کنیم تا این مردم تغییر نکنند و لیاقت پیدا نکنند امام ظهور نخواهد کرد .

۷ - در جریان دستگیری نیروهای انگلیسی، امر مهمی که بروز کرد اختلاف شدید نیروهای نظامی در سپاه با یکدیگر بود. گفته می‌شود محسن رضایی و برخی از سران سپاه در جلسه ای گفتگو داشته اند از نوشتن نامه ای به رهبری و خواستن از او که در ماجرا دخالت کند و قبل از اینکه دیر شود، از رییس جمهور بخواهد که مسئله را حل کند. آنها در این جلسه به شدت به احمدی نژاد و یاران او حمله کرده و گفته اند که گویا اصلا در این دنیا زندگی نمی‌کنند . در حالی که ما می‌دانیم اوضاع به شدت وخیم است و کلیه اطلاعات حاکی هستند و همسایگان و دوستان ما هم این مسئله را مطرح می‌کنند گویا رییس جمهور اصلا در این جهان زندگی نمی‌کند .

بعد از آزاد شدن اسیران انگلیسی ، سایت بازتاب به روش احمدی نژاد (بدرقه رسمی جاسوسان انگلیسی بزعم خود) که موجب تحقیر دولت ایران شد ، طرفداران احمدی نژاد قول و رویه محسن رضائی را پیش از آزاد شدن اسیران به رخ او کشیدند : شما گمان می‌بردید به ایران حمله نظامی می‌شود حالا که نشده است، حرص می‌خورید!

• بنا به اطلاع در این روزها و در کنار این جریان محسن رضایی با برخی از سران و سرداران سپاه صحبت هایی در مورد آوردن فشار بیشتر به احمدی نژاد را نیز انجام داده است . یکی از سرداران می‌گفت که با توجه به اطلاعات آقای محسن رضایی باید گفت که ایران در شرایط جنگی قرار دارد و باید به سرعت مردم را روشن ساخت که در زمان حمله چه کار باید بکنند .

۸ - فیلم خبری که در سراسر جهان منتشر شد، نخست احمدی نژاد را نشان می‌دهد که دارد به فرمانده عملیات دستگیری ملوانان و تفنگداران انگلیسی نشان شجاعت می‌دهد و سپس او را در حال بدرقه رسمی اسیرانی می‌دهد که به خاطر دستگیر شدنشان، پیش از مراسم بدرقه ، به افسر پاسدار نشان داده بود . این رفتار و پیش از آن، پخش فیلمهای اعتراف اسیران ، موجب این ارزیابی شد که با گذشت ۲۸ سال، دولتیان ایران هنوز در دوران کودکی و گرفتار هیجانهای کودکانه است و به بلوغ نرسیده اند. افزون بر این، فیلم به دنیا می‌گفت : مسئول دستگیری انگلیسی ها و هم بدرقه کننده آنها احمدی نژاد است . آیا این کاریک نوع بازی تبلیغاتی بقصد شکستن کاسه کوسه ها بر سر او بود و یا نوعی صحنه آرائی بدان قصد بود که احمدی نژاد را مرد قوی ایران در نظر غرب جلوه دهد ؟ بهر تقدیر، در نظر غرب ، او معرف ماجرا سازی و بحران تراشی و تند روی و سخت سری گشته است.



سپاه پاسداران در قلب بحران با غرب ؟ نه سپاه برای ایران که ایران برای سپاه !! و...:

* رژیم نفسهای آخر خود را می کشد و تلاش برای اعاده اعتبار و آمریت احمدی نژاد شکست خورده است:

◀ فیکارو (۳۱ مارس) در باره اسیر کردن ۱۵ انگلیسی و هدفهای آن سرمقاله ای نوشته است واجد این نکات:

• بردن نظامیان اسیر به تلویزیون و وادار کردن آنها به اعتراف و پوزش، عملی سخت زشت و ناپذیرفتنی است. اروپا می باید با انگلستان همبستگی قطعانه ای ابراز کند.

• این اقدام از آن روی بعمل آمده است تا مگر اعتبار و آمریت زیر سؤال رفته احمدی نژاد را اعاده کند.

• از لحاظ رابطه با دنیای خارج، پاسداران یک رشته ضربه ها خورده بودند: نخست دستگیری ۵ تن از آنها در اربیل و ربوده شدن علی رضا عسگری در ترکیه و مجازاتهای مقرر توسط دو قطعنامه اخیر شورای امنیت.

• هدف اول از به اسارت گرفتن نظامیان انگلیسی، به گروگان گرفتن مجموع دولت ایران است. بخصوص که این مجموعه در برابر فشارهای بین المللی روز افزون، رویه حکومت احمدی نژاد را خطا ارزیابی می کند.

• هدف دوم فشار وارد کردن به غرب و وادار کردنش به واکنشی است که سخت سران می پندارند بسود آنها تمام می شود. غافل از این که اولاً ما می دانیم این رژیم به نفس نفس افتاده است.

و نیز می دانیم که نباید واکنش تحریکهای سپاه پاسداران شویم. مجازاتهای ما سخت سران رژیم را هدف می گیرد و نه مردم ایران را.

سیاست خونسردانه انگلیسی ها می باید از حمایت کامل برخوردار شود و مجازاتها تدریجی و هدف دار می باید بر قرار شوند.

◀ در ۳ آوریل، لوموند در باره علت اسیر کردن نظامیان انگلیسی، قول ایندپندنت، روزنامه انگلیسی را آورده و اطلاع جدیدی را در اختیار می گذارد:

• ایندپندنت در ۲۶ مارس ۲۰۰۷، می نویسد: به اسارت گرفتن ملوانان و تفنگداران انگلیسی پاسخ دستگیری ۵ پاسدار در اربیل در ۱۱ ژانویه توسط آمریکا است.

• در ۳ آوریل، ایندپندنت اطلاع جدید تری را در اختیار می گذارد:

امریکائیا در صدد توقیف دو مقام مهم ایرانی بودند. یکی از آنها محمد جعفری، نایب رئیس شورای امنیت ملی ایران و دیگری ژنرال منوچهر فروزنده، رئیس اطلاعات سپاه پاسداران بودند. این دو در حال دیدار رسمی از کردستان عراق بودند و با جلال طالبانی و رئیس منطقه خومختار، مسعود بارزانی نیز دیدار کرده بودند. اما پیش از اقدام امریکائیا به دستگیری این دو، آنها به ایران باز گشته بودند.

فتواد حسین، رئیس دفتر مسعود بارزانی می گوید: در واقع امریکائی

ها می خواستند جعفری را دستگیر کنند.

• از لحاظ دیپلماتیک، هرگاه دستگیری این دو انجام می گرفت به توقیف رئیس سیا یا رئیس انتلیجنت سرویس می مانست.

* به ادعای فاینشال تایمز (۵ آوریل) بدین خاطر که سپاه پاسداران زیر حمله بود (

قطعنامه های شورای امنیت و دستگیریها در عراق و...) و روحیه باخته بود، خامنه ای دو روز پیش از دستگیری نظامیان

انگلیسی گفت: در برابر بی قانونی ها ما هم بی قانونی می کنیم و دست پاسداران را باز گذاشت:

◀ عمل ایران در گرفتن و آزاد کردن نظامیان انگلیسی، بعد از ۱۳ روز، یادآور گروگانگیری اعضای سفارت امریکا در تهران در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ است.

سپاه پاسداران ایران که خود را زیر فشار می دید، در عراق توسط قوای امریکا و در قطعنامه های شورای امنیت، بطور روز افزون روحیه خود را از دست می داد.

سپاه پاسداران ایران که خود را زیر فشار می دید، در عراق توسط قوای امریکا و در قطعنامه های شورای امنیت، بطور روز افزون روحیه خود را از دست می داد.

توقیف ملوانان و تفنگداران دریائی انگلیس در ۲۳ مارس، یک چاره جونی تاکتیکی بود. دو روز پیش از آن، رهبر عالی رژیم، آیه الله علی خامنه ای تهدید کرد که هرگاه اقدامات غیر قانونی بر ضد ایران ادامه یابند، ایران نیز دست اعمال غیر قانونی خواهد زد.

اینک رژیم ایران احساس پیروزی می کند. آزادی جلال شرفی و اجازه ملاقات دادن با ۵ مقام ایرانی که امریکا در اربیل توقیف کرده بود، این احساس تقویت نیک می کند.

جلال شرفی یک دیپلمات ایرانی است که دو ماه پیش، توسط کسانی که بونیفورم نظامی داشتند، ربوده شد. ایران گفت او را امریکائیان ربوده اند. انقلاب اسلامی: جلال شرفی بهنگام ورود به تهران گفت: در اسارت امریکائیان و تحت شکنجه آنان بوده است.

بنا بر قول یک مقام پیشین ایران و استاد دانشگاه، این باور تقویت شده است که از این پس، هرگاه امریکائیا و انگلیسیها تنش ایجاد کردند ما نیز تنش را با تنش پاسخ خواهیم داد. در قلمرو اتمی نیز ممکن است همین رویه اتخاذ شود. تا این زمان علامتی از واپس زدن ایران دیده نمی شود.

ایران خواستار پوزش انگلستان شد اما واپس زد. صحبت از آزاد شدن ۵ زندانی ایران از زندان امریکائیا در عراق است. اما بطور رسمی امریکا و انگلیس تکذیب می کنند معامله ای انجام گرفته باشد.

انقلاب اسلامی: در ۷ آوریل، متکی، وزیر « خارجه رژیم گفت: هیچگونه معامله ای انجام نگرفته است و ایران به ابتکار خود اسیران انگلیسی را آزاد کرده است.

یک مقام ارشد از اصلاح طلبان ایران می گوید: دو طرف می باید از این تجربه درس

وبال گردن

بگیرند که در عراق، معامله ای که یک طرف زیان و یک طرف سود برد، میسر نیست. یا دو طرف بدون برد و باخت به بحران پایان میدهند و یا به ترتیبی رفتار میکنند که هر دو برنده و یا هر دو بازنده شوند.

* لوموند (۷ آوریل) : پاسداران ایران در قلب بحران با غرب:

◀ در بحرانی که، در آن، ایران در برابر غرب قرار گرفته است، با توقیف افراد نیروی دریائی انگلیس بمدت نزدیک به دو هفته، ایران دست به حمله متقابلی زد. این پاسداران بودند که با دستگیر کردن نظامیان انگلیسی در آبهای خلیج فارس دست به این حمله زدند. بنا بر قول دیپلماتها، پاسدارها به دستگیری افراد خود در عراق و قطعنامه های شورای امنیت نیز پاسخ می دادند.

مجازاتهای مقرر در قطعنامه شورای امنیت، صراحت دارد بر این که دیگر جلوگیری از اجرای برنامه های اتمی و موشکی تنها هدف نیست جلوگیری از ایفای نقش بی ثبات کردن توسط رژیم ایران در خاورمیانه نیز هدف مجازاتهای شورای امنیت است.

افزایش ظرفیت بی ثبات کردن و بکار انداختن این ظرفیت در بطن فعالیتهای سپاه پاسداران قرار دارد. این گروه ایرانی از لحاظ توسعه طلبی و « انقلابی گری » رادیکال ترین بشمار است. سپاه دارای نیروئی است بنام سپاه قدس که در عراق و لبنان واحد ها دارد و از رهگذر روابطش با

جهد اسلامی فلسطین حمایت می کند. متن قطعنامه ۱۷۴۷ به « دکتترین جنگ نامتقارن » سپاه نظر دارد.

پاسداران همچنین بخشهای مهمی از اقتصاد دولتی یا شبه دولتی را در مهار خود دارند. این امر دست آویز وزارت خزانه داری امریکا در برانگیختن بانکها و مؤسسات اعتباری به قطع معاملات خود با ایران شده است.

مجازاتهای شورای امنیت نیز نشان می دهد که آن شورا نیز کنترل اقتصاد ایران توسط سپاه پاسداران را عامل مهم در طرح و اجرای طرحهای توسعه طلبانه می داند. قطعنامه از دولتها و مؤسسات مالی بین المللی می خواهد از امداد به دولت جمهوری اسلامی خود داری کنند. بانک سپه

که مورد تحریم قرار گرفته است، یکی از بانکهای عمده ایران است. تنگ کردن حلقه محاصره اقتصادی ایران توسط امریکا سخت مؤثر از کار درآمده است. دیگر هیچ بانک اروپائی برای طرحهای بزرگ سرمایه گذاری در ایران اعتبار باز نمی کنند.

در برابر ایران، حکومت بوش در دو قلمرو عمل می کند و استراتژیش سد کردن راه بر ایران است:

• از نظر نظامی (سیاست حذف یا دستگیری عوامل ایران در خاورمیانه و افغانستان، استقرار ناوگانها در خلیج فارس).

• از نظر مالی (تدابیر یک طرفه و مجازاتها از محدوده شورای امنیت).

رئیس جمهوری ایران از اعضای سپاه پاسداران بوده است. وقتی در ۴ آوریل اعلان کرد گروگانها را آزاد می کند اینطور توضیح و تهدید کرد: اگر (قدرتهای بزرگ) بخواهند در

برخی زمینه های اقتصاد ما، مثلاً بانکها، برای ما مشکلات بوجود بیاورند، ما در همان زمینه ها یا زمینه های دیگر، حمله متقابل می کنیم. این نخستین بار بود که یک مسئول ایرانی این سان روشن از فشار مالی و اراده تلافی سخن می گفت. تلافی که می تواند اشکال گوناگون به خود بگیرد.

افراد نیروی دریائی انگلیس، در ۲۳ مارس، یک روز پیش از صدور قطعنامه ۱۷۴۷ توسط شورای امنیت، توسط پاسداران دستگیر شدند. با توجه به

مهم بودن طرز کار چرخ و دنده های رژیم ایران، مشکل می توان میان این دو ارتباط علت و معلولی برقرار کرد. اما همانطور که بررسی یک دیپلمات غربی نشان می دهد: ممکن نیست این پرسش را طرح کرد که میان این دستگیری و آن قطعنامه چه رابطه ای وجود دارد؟ فرانسه و امریکا، در شورای امنیت، موافق شدند که باید پاسداران مجازات شوند. ۷ تن از

سران سپاه در فهرست مجازات شوندهگان قرار گرفتند. بنا بر قطعنامه ۱۷۴۷، هرگاه یکی از کسانی که اسم او در فهرست مجازات شوندهگان است، از دولتی تقاضای ویزا کند، آن دولت می باید به کمیته مجازات سازمان ملل متحد اطلاع دهد. در ۳۰ مارس، در اقدامی بنظر می رسد قصد از آن

نشان دادن استقلال عمل روسیه از غرب است، این کشور به کمیته اطلاع داد که ژنرال ذوالقدر، قائم مقام پیشین سپاه پاسداران را به مسکو دعوت کرده است. مقصود از این دعوت، مبادله تجربیات در باره حمایت از مرزهای زمینی و دریائی است.

یکی از هدفهای غربیان از مجازات سپاه، وارد کردن فشار به رادیکال ترین جناح رژیم ایران است تا مگر جریان عمل گرا و میانه رو دست بالا را پیدا کنند. برخی از دیپلماتها بر این نظر هستند که چون در زور آزمائی در درون رژیم شکست خورد و ناگزیر از عقب نشستن شد، احمدی نژاد آزادی

نظامیان انگلیسی را اعلان کرد. روز ۹ آوریل، احمدی نژاد به نطنز می رود و قرار است در محل تأسیسات اتمی ایران، خبرهای جدید از برنامه اتمی ایران بدهد.

• سپاه پاسداران در ۱۹۷۹ ایجاد شده است و در حال حاضر، حدود ۳۵۰ هزار پرسنل دارد و تحت فرماندهی مستقیم آیه الله علی خامنه، رهبری جمهوری اسلامی است.

پاسداران صنایع موشکی ایران را در اختیار دارند و بخش وسیعی از اقتصاد کشور را کنترل می کنند. بیشترین کادרהای رژیم از افراد سپاه پاسداران هستند. از آن جمله اند احمدی نژاد و علی لاریجانی.

انقلاب اسلامی: در نظرها و اطلاع های منتشره که تأمل کنی می بینی سخنی از مردم ایران و حقوق ملی آنها بمیان نیست. آنچه سپاه می کند بخاطر خود و به حساب خود می کند. تنها هزینه ها را به پای مردم ایران می نویسد. بدین سان، رابطه سپاه با مردم ایران، رابطه یک نیروی نظامی در خدمت استقلال ملی ایران نیست. بلکه رابطه یک سازمانی است که خود را هدف خویش، بمثابة قدرت توسعه طلب و ایران و مردمش را وسیله دستیابی به این هدف کرده است.

سرانجام هر استبدادی همین است. و چون رژیم بدین مرحله تحول کرد، مرام و کشور و حتی گروه یا حزب حاکم

نیز نقش تابع را پیدا می کنند: خلافت عباسیان، خلافت عثمانی، قاجار و قشون قزاق، حزب کمونیست و ارتش سرخ و اینک ملاتاریا و سپاه پاسداران.

این در مسئولیت افراد صادق سپاه و مردم ایران است که مانع از ویران شدن ایران بخاطر هدفهایی که ولو دست یافتنی باشند، ویرانی بر ویرانی می افزایند.

* نظامیان انگلیسی در چه مأموریتی بوده اند؟ - دستگیری آنها ضعفهای ارتش امپراطوری را آشکار کردند:

◀ اسکای نیوز (۵ آوریل)، با آزاد شدن نظامیان انگلیسی، مصاحبه خود را با فرمانده این ۱۵ ملوان و تفنگدار انتشار داد. این مصاحبه پیش از دستگیری این گروه انجام گرفته بود اما این فرستنده تلویزیونی نخواسته بود پیش از آزاد شدنشان پخش کند

مبادا دلیل بگردد در اختیار ایران. در این مصاحبه، که ۵ روز پیش از دستگیر شدن ملوانان و تفنگداران، انجام گرفته است، سر گروه کریس ایر گفته است مأموریت آنها جمع آوری اطلاعات از فعالیتهای ایرانیها بوده است.

مأموریت آنها این بوده است مراقب حمل اسلحه به عراق و عبور و مرور تروریستها بوده است. و نیز می باید از فعالیتهای ایرانیها اطلاع کسب کنند.

کار اول ما اینست که با زورق بانان و ملوانان صحبت کنیم و به آنها حالی کنیم ما اینجا هستیم تا از آنها حمایت کنیم. از کار آنها که ماهیگیری است حمایت کنیم و جوی تروریسم و دزدی دریائی را بگیریم.

کار دوم ما اینست که آنها را متقاعد کنیم هرگونه اطلاعی بدست می آورند در اختیار ما بگذارند. وزیر دفاع انگلستان، دس برون، به اسکای نیوز توضیح داده است تحصیل اطلاعات برای آنکه سلامت افراد خود را تأمین کنیم، اهمیت دارد.

◀ دستگیری نظامیان انگلیسی و مصاحبه های تلویزیونی آنها در تهران، به گزارش رویتر (۷ آوریل ۲۰۰۷) ضعفهای نیروی دریائی انگلستان را آشکار کرد:

• در یک کنفرانس مطبوعاتی که در ۶ آوریل، در یک پایگاه دریائی دون Devon، در جنوب شرقی این کشور، برپا شد، ۶ تن از ۱۵ ملوان و تفنگدار شرایط اسارت خود را شرح دادند: « چشمها و دسته ها بسته، منزوی از همقطارهای خود و تحت فشارهای روانی مداوم » قرار داشتیم.

آنها آمده بودند به انتقادهائی پاسخ بدهند که بخاطر تن دادن به اعتراف و آسان تسلیم شدنشان بعمل آمده اند.

کاپیتن کری س ایر در پاسخ به این انتقادهای گفت: کاملاً مطمئنم که اگر با آنها براه مقابله می رفتیم، رویه دیگری در پیش گرفته بودیم، بسیار از ما زنده نمانده بودیم.

• اما سرهنگ بوب رفتار آنها را خفت آور توصیف می کند: اعتراف تلویزیونی و خوش بش با زندانبان خود با علم به این که حق نداشته اند اطلاعات خود را باز گویند.

پاسخ وزارت دفاع به این انتقاد این شد که این افراد تعلیم لازم را دریافت کرده بودند. تنها افراد نیروهای ویژه در صفحه ۷



و خلبانهای نیروی هوایی تعلیمات لازم را برای مقابله با وضعیت در صورت به گروگان گرفته شدن، دریافت می کنند.

با توجه به تشدید تنش در خلیج فارس، ضعفها که بروز کرده اند، بهیچرو اطمینان بخش نیستند: از جمله ضعفها، یکی فاصله کشتی پایگاه با دو قایق این ۱۵ ملوان و تفتقدار بوده است. ضعف دوم: کشتی جنگی ساحلی مناسب آبهای کم عمق خلیج فارس نیست. کشتی از نرس این که به گل بنشیند، از جلو آمدن خودداری کرده است. ضعف سوم: بلحاظ کاستن های مکرر از بودجه ارتش، از افراد نیروی دریایی کاسته شده است. ضعف چهارم: دو هلی کوپتر نیز مأمور حمایت از مأموریت این گروه بوده اند. از این دو، تنها یکی بر کشتی بوده و آنهم برای بنزین گیری رفته بوده است.

• تایمز لندن قول یک مقام نیروی دریایی، ضعف پنجمی را لو می دهد: چند روز پیش از دستگیری نظامیان، وزارت دفاع تقاضای فرمانده کشتی را برای در اختیار گذاشتن یک اکیپ از تک تیراندازان، رد کرده بود. و بالاخره، سرهنگ باب استوارت ضعف ششمی آشکار می کند: می باید راداری می داشته اند که آنها را از حضور دشمن در نزدیکی آگاه می کرد. و فاقد این رادار بوده اند. ملوانان و تفتقداران غافلگیر شده اند حال این که هرگز نمی باید در چنین وضعیتی قرار می گرفتند.

با توجه به این ضعفها و سئوالها در باره فقدان امنیت نظامیان انگلیس در خلیج فارس وزارت دفاع انگلستان عملیات دریایی هرگونه عملیات را تا به نتیجه رسیدن تحقیقات عمیق، در این منطقه متوقف کرده است

انقلاب اسلامی: وقتی یک واحد کوچک این ضعفها را داشته است، می توان بزرگی ضعفهایی را اندر یافت که امپراطوری منحل شده انگلستان گرفتار آنها است. شگفت آور وجود این ضعفها نیستند تعجب آور باور اندست از ایرانیان معتاد به بزرگ بینی انگلیس و آمریکا هستند که هنوز می پندارند انگلیسها نقشه ۱۰۰ بعد دنیا را نیز کشیده اند و آماده کرده اند!

و اثر به اسارت گرفتن و آزاد کردن غافلگیرانه نظامیان انگلیسی بر روابط با آمریکا؟

نسیم آرامش بر خاورمیانه می وزد؟ - آیا حکومت امریکا آماده گفتگوی مستقیم با رژیم می شود؟

انقلاب اسلامی: در قسمت اول این فصل ارزیابی الکساندر آدلر را در باره وضعیت خاورمیانه، از جمله در باره چرایی ضعیف شدن تندروها در ایران می یابید..

در قسمت دوم اطلاعاتی را می یابید گویای روابط حکومتهای بوش و

مافیاهای نظامی - مالی با یکدیگر و جهت یابی سیاست امریکا در ایران:

آلساندر آدلر: نسیم آرامش بر خاورمیانه می وزد از جمله به یمن نقش جدید عربستان سعودی !؟

آدلر (فیگارو ۷ آوریل) بر خاورمیانه نسیم آرامش می وزد :

« اگر مانو هم که معروف بود به بد دیدن وضعیت، اگر امروز بود و وضعیت خاورمیانه را، امروز، می دید، تصدیق می کرد: وضعیت عالی است. بدیهی است که با توجه به جو کنونی که بر امریکا حاکم است و رسانه ها آماده اند که حکم مرگ برای سیاست حکومت بوش صادر کنند، حتی اگر از زبان مانو وضعیت عالی توصیف می شد، تعجب آور بود.

با وجود این، دو ماه پیش بود، که ۳ کانون بزرگ آتش در حال بهم پیوستن و فرا گرفتن خاورمیانه بودند:

• در فلسطین، نزاع داخلی میان فتح و حماس می توانست مهار ناشدنی بگردد و جهنمی را ببار آورد. هرگاه چنین می شد، با وجود وجود تحریم بین المللی فلسطین، سود آن عاید افراطی های رژیم ایران می شد که تلاش بسیار بکار می برند برای اینکه نفوذ خویش را در برخی از گرایشهای سنی انگریست تحکیم بخشند.

• در لبنان، جنبش حزب الله و متحدش میشل عون و طرفدارنش برای ساقط کردن حکومت لبنان وضعیتی را بوجود آورده بود که هر لحظه ممکن بود به رویارویی خونین و بازگشت قوای سوریه منجر شود و ایران فرصت یابد وضعیت تحت الحمایه ای را در نقاط تحت کنترل مخالفان حکومت لبنان برقرار کند.

ما به خطر حمله مجدد اسرائیل به لبنان، دست کم حمله هوایی به لبنان و حتی حمله نظامی اسرائیل به سوریه، دست کم هوایی، بسیار نزدیک بودیم.

• و بالاخره در ایران تفرقه های بی معنی احمدی نژاد و همدستانش، ستاد فرماندهی سپاه پاسداران داشت به انزوای کامل ایران می انجامید.

انزوایی که اسلامی - فاشیستهای حجتیه لاجوجانه در پی تحقق آنست. تنها هدف قراردادن ایران در چنین انزوایی خفه و خاموش کردن صداهای اعتراض و از میان بردن آزادبهای سیاسی اندکی است که هنوز در شهرهای بزرگ وجود دارند.

• و ظرف چند هفته، ما شاهد خوابیدن شعله های آتش در کانون فلسطین شدیم و هستیم. و این به یمن آتش نشانهایی که سعودی ها هستند.

بهرتر از این، کنفرانس سران کشورهای عرب که ۱۵ روز پیش از این، در جده تشکیل شد، به اراده صلح و صلحی انجامید که بهیچرو زبانی نیست: حماس روابط خود را با ایران قطع کرد و رئیس نظامی واقعی آن،

وبال گردن

خالد مشعل که در دمشق، تحت حمایت زندگی می کند نه تنها متعهد شد حکومت ائتلافی کنونی را برپا نگاه دارد، بلکه بسیار دورتر رفته است: از این پس، حماس ضرورت یک « متارکه » بلند مدت با اسرائیل را می پذیرد.

• سوریه با پیوستن به دیپلماسی ملک عبدالله و سعود الفیصل وزیر خارجه او، از ایران فاصله بزرگ گرفته است. کشورهای خلیج فارس راحت و زود می توانند نفتی را که ایران به سوریه می دهد، به این کشور بدهند.

با اطمینانی که رژیم سعودی به رژیم سوریه در باره سرنوشتش داده است، بشار الاسد دست از فشار بر لبنان برداشته است. و به حزب دموکرات امریکا که مخالف سیاست حکومت بوش در منطقه است، از طریق نانسی پلوزی، رئیس مجلس نمایندگان امریکا، اطمینان های جدی در باره بستن مرزهای خود با عراق را می دهد.

• حل سریع معضل اسارت ملوانان و تفتقداران انگلیسی و پیروزی خریدمندی، با وجود مقاصدی که ربایندگان نظامیان انگلیسی در سرداشتند و بدون تردید بنشان بر ایجاد بحرانی بزرگ با غرب بود، علامتی عالی است: یک جبهه متحد از ملایان برای منزوی کردن احمدی نژاد که حالا دیگر از حمایت رهبر رژیم نیز برخوردار نیست، بوجود آمده است.

خامنه ای در کار بوجود آوردن یک رهبری دستجمعی میانه روتری است که در آن، رفسنجانی رشته امور روابط بین المللی را در دست می گیرد، در عین حال شخصیهائی مثل ولایتی و لاریجانی مأمور گفتگوها بر سر مسئله آنتی، شرکت دارند. در این رهبری، قالیباف، شهردار تهران از حمایتهای بسیار در سپاه پاسداران برخوردار است نقش خواهد داشت..

• چه باید کرد که این روزهای آرامش به صلح پایدار بیانجامد؟ اگر پراگماتیک میانه روی باشیم، می گوئیم: می باید یک سیاست محتاط در پیش گرفته شود تا دوران نقاهت منطقه به سر رسد. یعنی فتواد سینیئورا بدون مشکل حکومت کند و میانه روهای ایران گفتگوها بر سر مسئله آنتی را با غرب از سر گیرند و اسرائیلی ها و فلسطینی ها، بعد از برداشتن موانع که ایجاد شده اند و تخلیه مناطق اشغال شده، بیاموزند تا حدودی عادی با یکدیگر زندگی کنند. مانع این سیاست یکی زمان و دیگری فرصت است. از این رو، توپ در زمین سعودیها است:

• اگر ملک عبدالله بداند که می باید بطرف سادات دست دوستی دراز کند و به اسرائیلی که در بحبوحه غلبان است، روی خوش نشان دهد و اگر به میانه روهای ایران یک گفتگوی همه جانبه و صادقانه ای را پیشنهاد کند که، در آن، دو قدرت مسلمان متصفانه نفوذ در عراق و سوریه را میان خود تسهیم کنند و بدین سان، پایان غیر خشونت آمیز حاکمیت بعث را تضمین کنند، می توان امیدهای بسیار داشت. زیرا بهار زیبای آرامش نسبی، می تواند تابستان سوزانی را از پی نیاورد که از هم اکنون قابل مشاهده است.

انقلاب اسلامی: اما این نسیم آرامش که می وزد، از رهگذر ایجاد اتحاد بر ضد ایران و نه حاصل باز پس دادن حقوق

ملی فلسطینیان و لبنانیان و دیگر مردم منطقه. اگر قرار بر این باشد که آرامش از راه خودداری از مطالبه حقوق برقرار شود، طوفان و بسا طوفانهای سخت به دنبال می آورد. چنانکه آرامش بعد از توافق اسلو، طوفانی به دنبال آورد که هنوز فرو نخوابیده است. کلید قفل در دست مردم ایران است اگر همت کنند و برخیزند و با استقرار مردم سالاری، آرامشی واقعی ره آورد استقلال و آزادی و رشد را بچوبند و به منطقه و مردم جهان بمثابه الگو پیشنهاد کنند.

*دیگ چنی برای جلب حمایت عربستان از حمله به ایران به ریاض رفته بود:

« نیوزویک (۹ آوریل ۲۰۰۷) خبر داده است که مقامات حکومت بوش از خود می پرسند: آیا سیاست جدید عربستان در منطقه در نهایت حمایت از امریکا می شود و یا به زبان این سیاست تمام می شود؟ آخر پادشاه عربستان، در کنفرانس سران عرب، در جده، « اشغال خارجی غیر مشروع عراق » را محکوم کرد. « برادران خون یکدیگر را می ریزند ... و عراق تهدید به جنگ داخلی می شود.»

در تعطیلات آخر هفته، دیگ چنی به ریاض رفت و چند ساعتی را با ملک عبدالله گذراند. در باره این دیدار بطور رسمی کلمه گفته نشده است. اما بنا بر قول منابع عربستانی که آگاه توصیف می شوند، دیگ چنی برای آن به عربستان رفته بود تا حمایت عربستان را از حمله نظامی به ایران به دست آورد. این منابع می گویند: اگر دیگ چنی فکر می کند پادشاه از حمله نظامی به ایران حمایت می کند، اشتباه کرده است. سیاست ملک عبدالله بر اینست که با ایران گفتگوهای روشن داشته باشد خواه واشنگتن را خوش بیاید و چه خوش نیاید.

بوش را نزدیکانش رها می کنند - نیاز حکومت او به رژیم ایران در سیاست داخلی - حمایت حکومت او از گروههای زورپرست های « ایرانی » - دست به دامن بعثی ها شدن و مخالفت سیستانی و...:

* در ماندگی در عراق، بوش و حکومت او را به استفاده از رژیم ایران در سیاست داخلی و نیز ایجاد پوشش برای گفتگو با ایران، نیازمند ساخت؟

« گارت پورتر (آنتی وار ۶ آوریل) می نویسد:

در ماه های ژانویه و فوریه، وقتی حکومت بوش کار زار تبلیغاتی گسترده ای بر ضد ایران بر پا کرد (متهم کردن ایران به تحویل بمب ها به شیعه ها، دستگیری ۵ ایرانی و...) و ناوگان دومی را روانه خلیج فارس کرد، بنظر می رسید سیاست حکومت او در خاورمیانه، وارد مرحله جدید و پرخاشگرانه تری می شود.

با وجود این، چند هفته بعد، آشکار شد که هدف اول آن کارزار، استفاده از ایران در سیاست داخلی بوده است: کاستن از شدت احساس عمومی، احساس ناتوانی حکومت بوش از مهار عراق و خاورمیانه و، در همان حال، ایجاد پوشش سیاسی برای گفتگوی مستقیم با ایران.

حکومت بوش می باید این گفتگو را با ایران انجام دهد زیرا نیاز به همکاری ایران در جلوگیری از جنگ شیعه و سنی در عراق دارد. شعله های این جنگ زمان به زمان تیز تر می شوند.

در دو هفته گذشته، حکومت بوش علاقه خود را به گفتگو با ایران ابراز کرده است. دستگیری ۱۵ ملوان و تفتقدار انگلیسی سکنه ای در کار وارد کرد. بخلاف سابق، این بار امریکا بر آن نشد حادثه را دست آویز تشدید تنش ها کند.

در ۲۷ مارس، وزیر دفاع، روبرت گیت در باره سیاست خاورمیانه ای امریکا صحبت کرد. او اشاره ای به فرجام کار نکرد اما میل قوی خود را به گفتگو با ایران ابراز کرد. او گفتگوهای منطقه ای بر سر عراق را آغاز خوبی برای همکاریهای بهتر توصیف کرد و افزود: امریکا آمادگی گفتگو در سطح مقامهای بالا را دارد.

با بردن ناوگان به خلیج فارس و قطعنامه های شورای امنیت و تنگ کردن حلقه محاصره اقتصادی ایران، امریکا خود را در موضع قدرت می بیند و بر این نظر است که می تواند گفتگوهای موفقیت آمیزی را با رژیم ایران انجام دهد.

مشکل می توان تصور کرد سیاست گذاران حکومت بوش باور کرده باشند این کارها، رهبران ایران را بر آن می دارند حکومت بوش را در موضع قدرت ببینند.

هنوز روشن نیست که آیا کاخ سفید آمادگی ورود در گفتگوهای دیپلماتیک جدی با ایران را دارد یا خیر. حکومت بوش می پندارد حضور دو ناوگان در خلیج فارس و... رژیم ایران را بر آن می دارد به راه آید. با وجود این، سیاست تشدید فشار از سوئی و ابراز آمادگی برای گفتگو از سوی دیگر، سیاست نیکسون را در مورد ویتنام جنوبی به یاد می آورد و در واقع تکرار همان سیاست است. در واقع، بنا بر گزارشهای وارن پ. استروبل و جوناتان لاندی، هر دو روزنامه نگار، در ماههای اخیر، پیش از کارزار بر ضد ایران در ماه ژانویه، بوش چند نوبت با کیسینجر (وزیر خارجه نیکسون و رهبری کننده سیاست آن حکومت در ویتنام) دیدار کرده است. بوش امید وار است همان سیاست در مورد ایران موفقیت آمیز شود.

در صفحه ۸



* همکاریان نزدیک بوش نیز او را رها کرده اند:

◀ نماینده فیکارو (۴ آوریل) از واشنگتن گزارش کرده است: حامیان جمهوریخواه بوش او را بخاطر نحوه هدایت جنگ در عراق، مورد سرزنش قرار داده اند . وقتی لینچ نی ، همسر دیگ چنی ، معاون رئیس جمهوری ، دانست که ویکتور گلد ، همکار سابق او در مجله واشنگتن ، دارد کتابی سخت انتقاد آمیز در باره بوش و حکومت او انتشار می دهد ، به او تلفن کرد بپرسد : آیا این یک دروغ اول آوریل نیست ؟ و چون پاسخ شنید خیر ، واقعیت دارد ، به خشکی پاسخ داد : از شنیدنش متأسفم .

ویکتور گلد ۷۸ ساله و روزنامه نگار طرفدار حزب جمهوری خواه است . عمری را در تبلیغ بسود این حزب گذرانده است. او تنها جمهوریخواه طرفدار مشی ریگان نیست که از سیاست بوش احساس غبن می کند . اما او یکی از نادر کسانی است که بوش را به اسم کوچکش صدا می کند . زیرا دوست پدر بوش بوده و بوش را از دوران کودکی می شناسد .

نطق افتتاحیه ریاست جمهوری بوش در سال ۲۰۰۱ را نیز او نوشته است . اما امروز، نویسنده رسمی کاخ سفید، تغییر نظر داده است و می نویسد : « حتی در مقایسه با کارتر ، بوش ، ضعیف ترین و بریده ترین رئیس جمهورها از واقعیتها است .

علتهای عمده جنگ عراق و زیر پا گذاشتن آزادیها و برهم زدن توازن سه قوا مجریه و مقننه و قضائیه و آلت فعل محافظه کاران جدید شدن او است . گلد می نویسد : « من به این نتیجه رسیده ام که خطری بنیادهای ما را تهدید می کند ، شیوه زندگی ما را تهدید می کند و این خطر از ناحیه کسانی است که گمان می بردم در جبهه ما هستند . من او را بسیار دوست می داشتم . »

ماتیو داود Dowd کسی که بمدت ۶ سال از محارم بوش بوده است نیز، به این نتیجه رسیده است . او که استراتژ انتخاباتی در حزب دموکرات بود، در ۱۹۹۹ ، عاشق فرماندار تکزاس شد . حزب خود را تغییر داد و کمر به خدمت بوش بست و برای پیروزی او در انتخابات سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ از هیچ کوششی فروگذار نکرد . او به نیویورک تایمز گفته است : « من او را بسیار دوست داشتم. از این رو اینهمه احساس بور شدن می کنم . من فکر می کنم بطور کامل منزوی شده است. او که موفق شد چون کری فریره ای بقیولاند که با جهت باد ، می چرخد، امروز می نویسد : « جون کری » حق داشت .

سختگوی کاخ سفید می گوید : یک مشی شخصی است ناشی از طلاق ، مرگ کودکی که پیش هنگام بدنیا آمد و گسیل شدن قریب الوقوع پسر به عراق . اما ، پیش خود، خون خوثشان را می خورد و می گویند : وقتی یک رئیس جمهوری را نزدیکانش رها می کنند، یعنی کارش تمام است.

انقلاب اسلامی : او اول قربانی تقدم مطلق بخشیدن به زور و توجیه آن با « مأموریت الهی » نیست . پیش از او، خمینی جام زهر را سرکشید و به دست او ، صدام بر دام رفت . آیا زورپرستانی چون خامنه ای و رفسنجانی و... درس می گیرند ؟

* امریکا از گروههای زورپرست (گروه رجوی ، گروه ریگی) حمایت می کند . گروه رجوی منبع اطلاعات برای امریکا !:

◀ CNN (۷ آوریل) خبر داده است که برغم فشار حکومت عراق برای آنکه افراد گروه رجوی خاک را ترک گویند، حکومت بوش از آنها حمایت می کند . امریکا گروه مجاهدین خلق را منبع اطلاعات از ایران می داند .

گروه همچنین چند دهه است که در تهران کار جاسوسی می کند و غرب را از فعالیتهای اتمی ایران آگاه کرده است .

وزارت خارجه مجاهدین خلق را یک گروه تروریستی می شمارد . بانکهای امریکا می باید دارائیهای این گروه را توقیف کنند . و هر امریکائی که به این گروه کمک کند، مرتکب جرم شده است .

افراد ارتش امریکا بطور مرتب، افراد این گروه را که برای رفع نیازمندیها میان کامپ اشرف و بغداد رفت و آمد می کنند، اسکورت می کنند. بنا بر مدارک امریکائی اسکورت کردن بنا بر کنوانسیون ژنو انجام می گیرد . سفیر سابق امریکا در بغداد، خلیل زاد می گوید : امریکا همچنان این سازمان را یک سازمان تروریستی می داند . و وزارت خارجه نیز می گوید : کنوانسیون ژنو شامل سازمان می شود اما بهجبرو مانع از تعقیب قضائی افرادی از این سازمان که فعالیتهای تروریستی داشته اند ، نمی شود .

وقتی قوای امریکا، در سال ۲۰۰۳ عراق را اشغال کردند، کلاه سبزهها وارد کمپ اشرف شدند و در آن، ۲۰۰۰ تانک خوب نگهداری شده و توپخانه و توپهای ضد هوایی و خود روهای نظامی، یافتند .

تمامی ۳۸۰۰ ساکنان این کمپ مورد بازجویی امریکائیه قرار گرفته است . کسی توقیف نشد و با امضای قرارداد متارکه، کمپ به محاصره قوای امریکا درآمد . پلیس نظامی هرکس که وارد کمپ شود و یا از آن خارج گردد، کنترل می کند .

مجاهدین خلق انکار می کنند یک گروه تروریست باشد . اما هم دولت ایران و هم دولت عراق این گروه را تروریست می دانند و حکومت عراق خواستار اخراج افراد این گروه از عراق هستند .

شیروان الوائلی ، وزیر امنیت ملی عراق می گوید : « ما به این سازمان ۶ ماه فرصت داده ایم خاک عراق را ترک گویند . به صلیب سرخ نیز اطلاع داده ایم . دوستان امریکائی تصمیم ما را محترم خواهند شمرد و افراد این گروه در عراق نخواهند ماند .

در حال حاضر امریکا از این سازمان حمایت می کند . خلیل زاد می گوید: از جهت مخالف نیز فشار وارد می شود . کسانی نیز هستند که می گویند باید به این سازمان اجازه داد افراد خود را در عراق نگاه دارد .

◀ ABCNews (۳ آوریل) گزارش کرده است : یک گروه بلوچ که مسئول قتلهای بسیاری است ، بطور سری از سوی امریکائیه تشویق و

وبال گردن

راهنمایی می شوند . نام گروه جند الله است و اعضایش از افراد طوایف بلوچ هستند و در بلوچستان ایران عملیات انجام می دهند . پایگاهشان در بلوچستان پاکستان است . بلوچستان پاکستان : بلوچستان پاکستان خاک ایران بود . انگلیسها تصرف کردند و به زور قرارداد اجاره ۹۹ ساله بستند و قرار شد در پایان این مدت به ایران بازگردانند . مدت « اجاره » نیز سرآمد و هنوز تحویل ایران نشده و حالا پایگاه یک گروه جنایت پیشه تحت حمایت امریکا نیز گشت !

مقامات امریکا می گویند : بنا بر قراری که امریکا با گروه گذاشته است ، امریکا به این گروه پول نمی دهد . زیرا دادن پول نیاز به دستور ریاست جمهوری و موافقت کنگره دارد .

پول را « ایرانیان تبعیدی » که با دولتهای اروپائی و دولتهای کشورهای ساحلی خلیج فارس ارتباط دارند، از طریق رهبر جند الله ، عبدالملک ریگی، در اختیار این گروه گذاشته می شود .

جند الله ویدئوئی تهیه کرده است که سربازان ایرانی و افراد گارد مرزی را که دستگیر شده و به پاکستان برده شده اند، را نشان می دهد . ریگی می گوید برخی از ایرانیان اسیر را به دست خود به قتل رسانده است .

منابع حکومت پاکستان می گویند : جنگ سری بر ضد ایران با وسیله گردن جند الله ، موضوع گفتگوی دیگ چنی با پرویز مشرف ، رئیس جمهوری پاکستان، در ماه فوریه بوده است .

یک مقام ارشد حکومت بوش می گوید : گروههایی مثل جند الله از لحاظ تعقیب و مراقبت چهره های القاعده و بسود امریکا است با اینگونه گروهها قرار و مدار بگذارد .

برخی از مقامات پیشین سیا می گویند : رویه ای که امریکا بکار می برد همانند رویه حکومت ریگان در استفاده از کتتراها بر ضد دولت نیکاراگو است . اینک از گروههایی که عربستان خرجشان را می دهد در بی ثبات کردن ایران استفاده می کند .

* یک عضو سابق اف بی آی در ایران گم شده است !:

◀ در ۲ آوریل، رویتر گزارش کرده است که امریکا از ایران خواسته است در باره عضو سابق اف بی آی که چند هفته پیش از این ، به ایران رفته و دیگر خبری از او نیست، اطلاع دهد .

سختگوی وزارت خارجه امریکا، شو نمک کورماک می گوید: خانواده او و صاحب کارهای او (او اینک در یک مؤسسه خصوصی شغل دارد) می گویند او گم شده است . امریکا مقامی را فرستاده است تا از طریق سفارت سوئیس در باره او جستجو کند .

خانواده و صاحب کارهای او می کوشند محلی را که در آنست، تشخیص دهند . سختگوی وزارت خارجه به دلایل خصوصی حاضر نشد هیچگونه توضیحی در باره هویت این شخص بدهد .

اف بی آی تصدیق می کند که این شخص ، بیشتر از یک دهه در خدمت اف بی آی بوده است . اما بخاطر هیچ

مأموریت رسمی به ایران نرفته است . و شغل کنونی با ایران ربط مستقیم نداشته است .

این شخص طرف معامله با اف بی آی نبوده است . البته موضوع کار او در اف بی آی ، جنایت سازمان یافته بوده است .

سختگوی وزارت خارجه نیز می گوید : او در خدمت حکومت امریکا نبوده و شغل خصوصی داشته است و از سوی این حکومت به مأموریت به ایران نرفته است .

اتم و مجازاتها ؟ - ایران سود سالانه خود در ارودیف را بطور مرتب دریافت می کند - « مژده شگفتی آور » چه بود ؟:

* خبر خوش احمدی نژاد به مردم ایران : ما وارد مرحله تولید صنعتی اورانیوم غنی شده شدیم !:

◀ در ۲۰ فروردین ۱۳۸۶، محمود احمدی نژاد ، در محل تأسیسات اتمی نظنز، اعلان کرد: «ایران از امروز در زمره کشورهای تولید کننده سوخت هسته ای قرار گرفته است.»

وسائل تبلیغاتی حکومت، از جمله خبرگزاری فارس ، اطلاع داده بودند که او خبر از استقرار ۳۰۰۰ سانتریفیوژ در نظنز را خواهد داد. اما احمدی نژاد هیچ اشاره ای به تعداد سانتریفیوژها نکرد.

این که این « خبر خوش » که هیچ روشنی در آن نیست ، ساعتی پس از آن داده شد که علی لاریجانی ، « مذاکره کننده ارشد هسته ای ایران » ، در مشهد، در پیامی نرم و آشتی جویانه به جهان غرب گفته بود : «امروز که چرخه سوخت هسته ای ما کامل شده است آماده تفاهم با کشورهای غربی هستیم.» لاریجانی البته در همین اظهارات خود تلویحاً توافق پیرامون تعلیق غنی سازی را مردود دانست و تصریح کرد موضوع این تفاهم «عدم انحراف» ما از تعهدات بین المللی خواهد بود و حاضریم تگرانی های غرب را در این زمینه رفع کنیم.

◀ خبر ورود ایران به جمع کشورهای تولید کننده سوخت اتمی در مقیاس صنعتی در حالی اعلام شد که محمد سعیدی معاون امور بین الملل سازمان انرژی اتمی، در همان روز و در همان محل و در حاشیه همان مراسم، در جمع خبرنگاران، گفته است: ما در مرحله پایلوت دو زنجیره «۱۶۴» تأیید سانتریفیوژ هستیم و وقتی از مرحله پایلوت عبور کرده ایم وارد فاز صنعتی می شویم .

یعنی احمدی نژاد دروغ می گوید. سعیدی حاضر نشد به پرسشهای خبرنگاران در مورد تعداد سانتریفیوژهای راه اندازی شده پاسخ دهد. او تنها به گفتن این جمله بسنده کرد که «تعداد سانتریفیوژها در حال

حاضر مشخص است، ولی ما نمی خواهیم اعلام کنیم.» • اما علی لاریجانی ، در حاشیه مراسم گفته است : «تزییق گاز به ۳۰۰۰ دستگاه سانتریفیوژ انجام شده است.»

* روسیه ادعای احمدی نژاد را در باره ورود به مرحله تولید صنعتی اورانیوم غنی شده، رد می کند و اینگونه اظهارات را تنها موجب وخامت بارتر شدن وضعیت توصیف می کند :

در ۱۰ آوریل، روزنامه Dagens Nyheter خبر داد که روسیه می گوید : ایران غنی سازی در مقیاس صنعتی نمی کند.

وزارت خارجه روسیه می گوید ما هیچگونه شناسایی در مورد اینکه ایران توانسته است به لحاظ تکنیکی پیشرفت غیر منتظره ای بکند نداریم در ضمن اینکه اعلان خطر می کند بخاطر بیش از حد بر طبل این شور کوبیدن.

وزیر امور خارجه Sergej Lavrov گفت هنوز زود است که نتیجه ای از این حرفها گرفت. ما وضعیت را از پس واقعیتها برسی می کنیم نه از پس بیانیهای که فقط وضع را بیشتر وخامت بارتر می کند.

* مجازاتهای مقرر در باره ایران ممکن است فاجعه اتمی بیار آورد:

فاینشال تایمز (۴ آوریل) اطلاع می دهد که بنا بر یک گزارش انگلیسی ، مجازاتهایی با هدف از میان بردن تأسیسات اتمی ایران خطر آن را در بردارد که تشعشعات رادیو آکتیو منطقه خلیج فارس را آلوده کند .

جون لارج، از مؤسسه مشاوران اتمی انگلستان (Large and Associates) می نویسد : وقتی نیروگاه اتمی بوشهر مشغول کار بشود ، هرگاه نقصی پدید آید که موجب رها شدن رادیو آکتیو بگردد، تشعشعات کشتی رانی و کشورهای خلیج فارس را تهدید خواهند کرد .

قطعه نامه شورای امنیت صدور تکنولوژی اتمی و تجهیزات اتمی و دانش و اطلاعات اتمی که با غنی سازی اورانیوم و تولید آب سنگین ربط پیدا کند ، را ممنوع می کند .

مشکل این جاست که صدور فنون و لوازمی که در مجموع فرهنگ ایمن نگاه داشتن نیروگاه را تشکیل می دهند، برای جلوگیری از چنین خطری ضرور است .

نیروگاه بوشهر که روسها آن را می سازند، از شمول مجازاتهای مقرر ، بیرون است . و مسئول ایمنی آن و تأمین سوختش روسیه است . با وجود این ، جون لارج بر این نظر است که محروم کردن ایران از تکنولوژی اتمی و منزوی کردنش از جامعه بین المللی اتمی ، ایمنی همین نیروگاه و نیروگاههای دیگری را به خطر می اندازد که ایران بخواهد بسازد .

گزارش مؤسسه تردید ندارد که اجرای برنامه اتمی ایران به تحصیل قابلیت های اتمی نظامی و غیر نظامی می انجامد . نیروگاه اتمی بوشهر، به تنهایی ، تحمل هزینه سنگین غنی سازی اورانیوم را توجیه نمی کند . در صفحه ۹



جون لارج بر این نظر است که برغم ادعائی که می کند، ایران در غنی سازی اورانیوم با مشکل روبرو است. از این رو، برآنست که با تولید آب سنگین، در تأسیسات اراک، پلوتونیوم تولید کند.

گزارش بر اینست که ایران با مشکلات فنی و لوجستیک بزرگ روبرو است و توانائی تبدیل شدن به یک قدرت اتمی در منطقه را ندارد. با وجود این، طرح تولید پلوتونیوم در اراک می تواند ایران را وارد ماجرای تولید بمب اتمی با پلوتونیوم بشیوه پیشه وری، مثل کره شمالی، بگرداند.

در پاسخ به این پرسش که آیا حمله به تأسیسات اتمی ایران خطر انتشار رادیو آکتیو را دارد یا خیر؟ جون لارج پاسخ می دهد: تأسیسات اتمی اراک تا زمانی که پلوتونیوم تولید نکرده است، یا هیچ انتشار نمی دهد و یا مقدار آن بسیار ناچیز است. بمباران تأسیسات اتمی نظیر موجب انتشار رادیوآکتیو می شود اما دامنه انتشار آن محدود است به تأسیسات و مردم محل.

در عوض، نیروگاه اتمی بوشهر، در صورت حمله نظامی و یا بروز حادثه ای که بدان نقض جدی وارد کند، موجب انتشار تشعشعات اتمی در قلمروئی وسیع می شود.

*ایران سالانه سود خود را بابت شرکت در ارودفید دریافت می کند اما سوخت اتمی دریافت نمی کند!؟

◀ ساندی هرالد (۸ آوریل) پس از آنکه معلوم شد ایران بمیزان ۱۰ درصد در سرمایه ارودفید، بزرگ ترین مؤسسه غنی سازی اورانیوم شریک است، کشورهای غرب متهم به ریاکاری شدند.

در تمامی مدتی که انگلستان و فرانسه و امریکا به ایران فشار می آوردند دست از غنی سازی اورانیوم بردارند، ایران میلیونها اورو سود سهام خود را در شرکت ارودفید، دریافت می کرد.

بخاطر حضورش در اورودیف، ایران در جریان تازه ترین تکنولوژی غنی سازی اورانیوم نیز هست. ایران می گوید تنها می خواهد خود اورانیوم تولید کند تا کارائی خویش را بهتر و بیشتر کند. اما کشورهای غرب نگران تولید بمب اتمی از سوی ایران هستند.

بنا بر گزارشی که کارشناس اتمی فرانسه انتشار داده است، در سال ۲۰۰۶، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، نمایندگان ایران در سوفیدیف Sofidif را تغییر داده است. این شرکت فرانسوی ایرانی است که در اکثریت سهام را در ارودفید دارد.

در جلسه سوفیدیف که در ژوئن ۲۰۰۶ تشکیل شد، پیشنهاد شرکت این بود: در مطالعه و در به عمل درآوردن حاصل مطالعه و در عملیات کارخانه های غنی سازی اورانیوم که از فن انتشار گاز استفاده می کند، شرکت کنیم.

مایکل شنايدر، مشاور اتمی که اقامتگاهش پاریس است، می گوید: اطلاع از شرکت ایران در ارودفید، بسان ضربه ای دریافت کردم. دست اندر کاری مداوم ایران در بزرگ ترین مؤسسه غنی سازی اورانیوم، ریاکاری را بطور کامل مجسم می کند

که علم کردن قرارداد منع گسترش سلاح اتمی است.

انقلاب اسلامی: به دفعات در باره شرکت ایران در ارودفید، نوشته و پرسیده ایم: شما که می خواهید کنسرسیوم غنی سازی با صاحب اختیاری روسیه یا یک کشور اروپائی بسازید، چرا اورانیوم غنی شده سهم ایران را از ارودفید نمی ستانید؟ چه سودی در محرمانه نگاه داشتن شرکت ایران در ارودفید دارید؟ چرا با وجود این شرکت، بجای مطالبه حق ایران - که بنا بر مجموعه پیشنهادهای ۶ کشور حاضرند نیروگاه بسازند و سوخت اتمی تحویل بدهند - هزینه ای چنین سنگین به پای مردم ایران می گذارید و ایران را در معرض محاصره اقتصادی و خطر حمله نظامی قرار می دهید؟ ریاکاری شما مستبدان تیره عقل بسی بیشتر نیست؟

امریکا اقتصاد ایران را خفه می کند - اقتصاد ایران در حال تلاشی است - نقدینگی و تورم از مهار خارج می شوند و...

فیگارو (۳ آوریل) : فشارهای امریکا دارند اقتصاد ایران را خفه می کنند:

جامعه بین المللی با افزودن بر فشار خود بر ایران، نشان داد که فشار اقتصادی مداوم نتایج خود را ببار می آورد. در همان حال که ایران به اجرای برنامه اتمی خود ادامه می دهد که احتمال دارد تا ۵ سال آینده به تولید بمب اتمی بیانجامد، قدرتهای جهان مکانیسم «با دو راه» را بکار انداخته اند. این روش عبارت است از اتخاذ و اجرای تدابیر تضییق کننده که بطور تصادفی فشار را زیاد می کند و در عین حال، اجراشان متوقف کردنی و خود ملغی کردنی هستند. یعنی هرگاه ایران غنی سازی اورانیوم را متوقف کند، اجرای مجازاتها و تدابیر تضییق کننده نیز متوقف می شود.

آیا چنین روشی اقبال موفق شدن را دارد یا خیر؟ این پرسش برای رؤسای دولتها قابل طرح نیز نیست. زیرا آنها عزم خود را جزم کرده اند این روش را موفق بگردانند و محلی برای عرض وجود شک داران نمی بینند. اروپا و امریکا موافقتی که مجازاتها دارند اثرات خود را ببار می آورند. چند ماهی است که ایران می کوشد «وحدت» شکننده جامعه بین المللی را بشکند. تصویب قطعنامه های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷، به اتفاق آراء

وبال گردن

شکست تقلاهای ایران را مسلم کرد و دیپلماتها را مطمئن کرد که ایران در قید انزوای بین المللی است. بنظر آنها، این انزوا بیشتر از قطعنامه هائی عمل می کند که اجرا کردنشان پیچیده است و زمان می برد. این انزوا بسیاری از بانکها و شرکتهای اروپائی که با این کشور در رابطه اند، بر آن داشته است که قطع رابطه کنند. هدف تضعیف حکومت احمدی نژاد بسود میانه روها است.

بنا بر قول مقامات دولتها اتحاد ۶ دولت چنان است که یک برگ کاغذ سیگار را نیز نمی توان از میان آنها عبور داد. خودداری روسیه از تحویل سوخت اتمی به نیروگاه بوشهر، را ۵ کشور دیگر «یک ژست سیاسی مهم» تلقی کردند. امریکا نیز عزم جزم اروپا را ستایش می کند.

برغم جبهه مشترکی که ۵ عضو دائمی شورای امنیت و آلمان بوجود آورده اند، روشهای هریک با دیگری فرق می کنند: امریکائیها می خواهند مجازاتها تشدید شوند و چینی ها روسها، بخصوص روسها میخواهند تخفیف شوند و اروپا میان این دو، خواستار اتخاذ روشی هستند که معدل این دو روش است.

هرچند تهدید به حمله نظامی، با توجه به بلائی که در عراق بر سر امریکا آمده است، اثر بایسته را ندارد، اما امریکا این شمشیر داموکلس را بالای سر ایران نگاه داشته است. در عوض، امریکا حلقه محاصره اقتصادی ایران را تنگ تر می کنند. استاد این کار، نیکولا برنس، معاون وزیر است. او بتازگی گفته است: امریکا می تواند سلاح نفت را بر ضد ایران بکار برد. ایران صاحب دومین ذخایر نفت و گاز دنیا است اما ۴۰ درصد از مصرف بنزین خود را وارد می کند. بالا رفتن قیمت بنزین که اعلام شده است، نارضائی از حکومت احمدی نژاد را بیشتر می کند.

اگر عرص بر نظام بانگی ایران که مشمول مجازاتها است، تنگ شود، برای دریافت بهای نفت نیز گرفتار مشکل خواهد شد. کاخ سفید برای این که اقتصاد ایران را دچار خفقان کند، با حمایت کنگره (با اکثریت دموکرات)، دست بکار فعالیتهای دیپلماتیک بسیار شدید و گسترده است: مقامات امریکائی در اروپا و آسیا، مقامات مالی و پولی را مصرانه به قطع روابط خود با ایران می خوانند. حکومتها نیز تشویق می شوند ضمانتهائی را لغو کنند که به صادر کنندگان کالاها به ایران، بابت دریافت بهای کالاها، می دهند. شرکتهائی امریکائی و شعبشان در خارج از ایران تحت نظارت سخت قرار گرفته اند. برخی از آنها، مثل ژنرال الکتریک و هالیپورتن، زیر فشار حکومت امریکا، اعلام کرده اند قراردادهای در دست اجرا را تجدید نخواهند کرد.

این مراقبت جدی در بر می گیرد سرمایه گذارها، بخصوص در نفت و گاز را. هرگاه رژیم بر جا بماند، به سر باز زدن از قبول و اجرای قطعنامه های شورای امنیت ادامه خواهد داد. ۶۰ روز دیگر، نوبت به تصویب قطعنامه جدیدی می رسد. ۶ کشور فهرستی از مجازاتها را تهیه کرده اند و می گویند مصمم هستند تا گرفتن نتیجه، بر مجازاتها بیفزایند. هریک از این

کشورها بر این گمان است که بحران طولانی می شود. در مورد ایران می باید اقدام کرد زیرا امید نیست.

روزنامه سوندی Dagens Nyheter (۷ آوریل) :

اقتصاد ایران در حال متلاشی شدن است:

با رشد اقتصادی ۵ درصدی و درآمد سرشار از نفت نمی باید این کشور مشکل بزرگی داشته باشد. اما در حقیقت شور رو به از پا درآمدن اقتصادی است.

البته این ربطی به تحریم ندارد بلکه خود آنرا به اینروز انداخته ایم. اقتصاد دانان و مجلس بر این نظر هستند. یک دور ماشین سواری در تهران به انسان حالی می کند که چیزی غیر سالم پایه ای در اقتصاد ایران وجود دارد.

رگهای تهران در حال فروپاشی از ازدحام ماشین است و یک سکنه کامل بزودی در راه است. دلیلش خیلی ساده است مردم ایران درحقیقت بنزین مجانی از کیسه دولت می زنند. بنزین لیتری ۰.۶۰ کرون (حدود ۶ سنت) که این فقط هزینه حمل و نقل بنزین است و باقی آن را سوسید است.

در کشور ما بسیار هستند که نسبت به این عکس العمل نشان داده اند، اینرا سعید لبلاز که شرکت مشاور اقتصادی خصوصی دارد می گوید. او ادامه می دهد آخرین کار ثابت من در دولت به مدت ۴۸ ساعت بیشتر دوام نیاورد که از طرف رئیس جمهور احمدی نژاد اخراج شدم.

با وجود اینکه ایران چهارمین تولید کننده نفت در جهان و دومین تولید کننده نفت در ایران است ما در روز ۳۰ میلیون بشکه نفت به قیمت ۱۵ میلیون دلار در روز که می شود ۶ میلیارد دلار در سال بنزین وارد می کنیم که می توانستیم اینرا خود پالایش کنیم.

سوال می کنیم که بهتر این نیست که پالایشگاه بنزید می گوید در حقیقت احتیاج به بنزین آنچنان بالا نیست. ایران ۴۰ میلیون لیتر بنزین در روز تولید می کند و ساختن پالایشگاه جدید بیهوده است. چه که با ساختن پالایشگاه قیمتها از این هم که هست پائین تر می آید.

تنها یک راه است و آنهم برداشتن سوسید. بدین ترتیب مصرف پائین می آید و ما احتیاج به وارد کردن نخواهیم داشت.

اما دولت بر این باور است که این کار خطرناک است چه که مردم چنان عادت به این سوسید کرده اند که اعتراضاتی که در رابطه با گوجه فرنگی شد پیشش بی رنگ می شود.

برای اینکه من بهتر بفهمم یک موز و یک پرتقال از ظرف میوه بر میدارد. می گوید نگاه کنید قیمت این پرتقال که در داخل تولید می شود دو برابر موزی است که باید ۲۰۰۰۰ کیلومتر حمل شود و این فقط بر اثر سیاست سوسیدی است. اینان که تصمیم به چنین سیاستی گرفته اند هم آنها هستند

که می خواهند ما انرژی اتمی .. داشته باشیم. اینرا با حالت طنز می گوید. چند سال پیش واردات ایران ۳۰ میلیارد بود و امروز به ۵۰ میلیارد رسیده است که تقریبا معادل صادرات نفتی ما است که حدوداً ۶۰ میلیارد دلار است. این اقتصاد بطور جدی از پا در می آید اگر نفت از بشکه ای ۶۰ دلار به ۴۵ دلار سقوط کند.

احمدی نژاد از اقتصاد هیچی نمی داند او به سپاه و دوستانش پول قرض می دهد با بهره ای که یک سوم تورم است. چنان مخارج دولت اوج گرفته است که به زودی دولت حتی قادر به دادن حقوق کارمندان هم نیست این در صورتی است که نقدینه ۴۰ درصد بیشتر شده است که این خود به تورم دامن می زند.

حتی مجلس محافظه کار هم به او اعتراض کرده است. برای مثال ۱۵۰ تن از نمایندگان به مخارج رو به افزایش اعتراض کرده و خواهان وابستگی کمتر به نفت شده اند.

با وجود این هفته گذشته بودجه ای را به مجلس برد و تصویب شد که شامل افزایش هزینه ها به میزان ۲۰ درصد بود. احمدی نژاد به بذل و بخشش، بوقت سفر به این و آن شهر ادامه می دهد.

با وجود این هنوز او از طرفداری خامنه ای برخوردار است. اما به سه لحاظ اضعیف شده است. اقتصاد، انرژی اتمی و شکست او در شورای نگهبان.

فرار سرمایه از ایران و نیامدن سرمایه به ایران، فرار استعدادهای و تحریم اقتصادی ایران دارند اقتصاد ایران را از پا در می آورند.

* دولت سایه حاکم بر اقتصاد همان مافیاهای نظامی مالی هستند:

◀ در ۱۵ فروردین، بیژن شهبازخانی، « نماینده » مجلس مافیایا به آفتاب گفته است: به نظر می رسد در بسیاری از موارد وزرای کابینه مجری تصمیمات «دولت سایه» هستند.

دولت سایه متشکل از نزدیکان، برخی از دوستان و مشاوران رئیس جمهور چنان با دیکته تصمیمات خود بر عملکرد وزرای اقتصادی دولت تأثیر می گذارند که نمی توان همه مشکلات

را متوجه مدیریت این وزرا دانست. شهبازخانی به وضعیت رشد نقدینگی و واردات بی رویه اشاره کرد و گفت: براساس آمارهای رسمی میزان واردات کشور به بیش از ۴۳ میلیارد دلار رسیده است در حالی که شعار دولت حمایت از تولیدات داخلی و ایجاد اشتغال بود.

رشد نقدینگی در این مدت و اثرات غیرقابل انکار آن بر افزایش تورم در کنار برخی سیاستهای بانکی از جمله اعلام بخشودگی جرایم و رشد ۳۰۰ درصدی موقوفهها بانکی که به بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان رسیده است، نظام بانکی را برای حمایت از تولید به شدت تضعیف می کند.

رشد نقدینگی و اول شدن در تورم:

◀ وی در عین حال از بالابودن رشد نقدینگی در سال ۸۵ انتقاد و اظهار کرد؛ نقدینگی در دولت نهم به اندازه ۱۰ درصد



تمام دولت های گذشته افزایش داشته و اثر مستقیمی بر زندگی مردم و تورم جامعه گذاشته است. به نحوی که در ابتدای سال ۸۴ میزان نقدینگی ۶۵ هزار میلیارد تومان بود و اکنون دو برابر رشد کرده است.

در ۱۳ فروردین، آفتاب گزارش بانک مرکزی را نقل کرده است: اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی بانک مرکزی اعلام کرد

حجم نقدینگی کشور از ۹۲٫۱ هزار میلیارد تومان در ابتدای سال ۸۵ به ۱۱۳ هزار و ۷۳۹ میلیارد تومان در پایان آذرماه رسیده است. این آمار بدان معنی است که حجم نقدینگی کشور در پایان آذرماه سال ۸۵ نسبت به ابتدای سال بیش از ۲۱ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است! این گزارش همچنین نشان می دهد که رشد نقدینگی کشور در ۱۲ ماهه منتهی به آذرماه سال ۸۵ به ۳۶٫۷ درصد رسیده است و حجم نقدینگی در پایان آذرماه نسبت به ابتدای سال ۸۵ نیز رشد ۲۴٫۵ درصدی داشته است.

و ایران، در منطقه، از لحاظ نرخ تورم، اول شد!

* توتال و شل تحت فشار برای انصراف از سرمایه گذاری در ایران:

در ۱۸ فروردین، سید کاظم وزیری همامانه، وزیر نفت، گفته است: چنانچه شرکت توتال فرانسه برای تعدیل قیمت پیشنهادی به منظور سرمایه گذاری در توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی مهلت بخواهد، فرصت جدیدی به آن داده می شود. با اعلام این مطلب گفت: به منظور نهایی کردن اف.آی.دی (تصمیم گیری نهایی برای سرمایه گذاری) فاز ۱۱ پارس جنوبی با شرکت توتال، قیمت پیشنهادی این شرکت مناسب نبود و این قیمت باید تعدیل شود. ادامه داد: چنانچه شرکت توتال به تعدیل قیمت علاقه مند باشد، برای انعقاد قرارداد فاز ۱۱ طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی با این شرکت، مهلت ارائه اف.آی.دی قابل تمدید است.

این در حالی است که مدیرعامل شرکت فرانسوی توتال اعلام کرد: با وجود اینکه افزایش سرسام آور هزینه ها و تگرانی های ژئوپولیتیکی موجب تاخیر در اجرای پروژه های این شرکت در پارس جنوبی خواهد شد، اما توتال به سرمایه گذاری های خود در ایران متعهد است. کریستوف دی مارگری مدیرعامل توتال از افزایش هزینه های اجرای پروژه این شرکت در پارس جنوبی خبر داد.

مدیرعامل شرکت توتال بخاطر سرمایه گذاری در ایران، از سوی قوه قضائیه امریکا احضار شده است.

در ۱۸ فروردین، مدیرعامل شرکت انگلیسی- هلندی رویال داج شل نیز اعلام کرد: این شرکت در حال فراهم ساختن مقدمات اجرای پروژه ۴/۳ میلیارد دلاری مشترک با رپسول اسپانیا برای توسعه فازهای ۱۳ و ۱۴ پارس جنوبی است.

* اثر تحریم بانک سپه: ۵ تا ۱۰ درصد اضافه هزینه:

در ۱۷ فروردین ۸۶، ایلنا گزارش کرده است: انتشار خبر تصمیم بانک

مرکزی ایتالیا برای تحت کنترل درآوردن اموال شعبه بانک سپه متعلق به وزارت دفاع ایران در رم عکس العمل های متفاوتی از سوی مقامات ایران در پی داشت؛ اما بسیاری معتقدند چنانچه این تصمیم عملی شود، بر چرخه اقتصادی ایران تاثیر بسیار منفی خواهد گذاشت.

گزارش ها حاکی است، در حال حاضر بسیاری از بانک های ایتالیایی هیچ گونه تضمین بانکی از مؤسسات مالی ایران را نمی پذیرند و این امر موجب شده بسیاری از شرکت های ایرانی که با طرف های ایتالیایی کار می کنند، برای تبادلات تجاری خود از بانک های یک کشور سوم استفاده کنند. این امر نه تنها بسیار وقت گیر است، هزینه های بسیار گزافی نیز به شرکت های ایرانی تحمیل می کند که این هزینه ها ۵ تا ۱۰ درصد بیشتر از متوسط بهای جهانی هزینه های تبادلات تجاری است.

همچنین، این امر موجب شده بسیاری از شرکت های ایرانی که با شرکت های اروپایی بالاحص ایتالیایی کار می کنند، برای تسهیل فعالیت های خود در کشورهای همسایه همچون امارات و بالاحص شیخ نشین دویی، شرکت تاسیس کنند و در کادر پرسنلی خود ضرورتاً نام یک فرد عرب را اضافه کنند.

طبق گزارش درج شده در ADNKORONS (AKI) INTERNATIONAL، بانک سپه که شبه ایتالیایی آن در سال ۱۹۲۵ تاسیس شده، هم اکنون با یک هزار و ۷۰۰ شعبه در داخل ایران و حدود ۱۲ شعبه در خارج از کشور یکی از پر قدرت ترین مؤسسات مالی قدرتمند در جمهوری اسلامی است. از آنجا که این بانک یکی از اصلی ترین مهره ها در تبادلات تجاری بین المللی ایران است، نام آن در صدر لیست ارگان های است که کشورهای اروپایی تصمیم بر تحریم آن گرفته اند. انقلاب اسلامی: نوشته گلزار در باره وضعیت اقتصادی کشور، خواننده را باز هم بیشتر از وضعیت اقتصاد کشور آگاه می کند:

گلزار

سال تورم انفجاری با بودجه ۸۶

هر چه از عمر استبداد در ایران می گذرد وابستگی آن به نفت بیشتر می شود، دیوانسالاریش بزرگتر و حجم واردات آن بیشتر میگردد و تولید در داخل را وابسته به خارجی گردانده است. تصویر این از خود بیگانگی اقتصاد را در بودجه کشور می توان مشاهده نمود.

در چند سال گذشته بودجه ایران حجیم تر شده است. دولت، شرکتهای واسطه ای جدیدی تاسیس می کند که کار و هدف این شرکتها برای مردم مشخص نیست. اکثر آنها کار واسطه گری می کنند. و در آمد حاصل از واردات دولتی را به جیب آقا زاده ها

وبال گردن

می ریزند. این روند در دوران اصلاحات شتاب گرفت.

بودجه ۸۶ نسبت به بودجه سال ۸۱ پنج برابر شده است. در روزهای پایانی سال ۸۵ نمایندگان برای تصویب این بودجه سردرگم شده بودند. با این حال بودجه با اکثریت ۱۳۶ رای موافق و ۶۷ رای مخالف و ۱۳ رای ممتنع به تصویب رسید.

بودجه ۸۶ پیام آور نابسامانیهای فراوانی است. بودجه امسال در راستای برنامه چهار ساله چهارم نمی باشد. طبق این برنامه حرف از کوچک شدن دولت است. در دو سال گذشته که دولت احمدی نژاد بودجه پیشنهاد کرده، نشانی از کوچک شدن دولت نداشت. برعکس دولت بزرگتر نیز شده است. مطالعاتی که از سوی مرکز پژوهش های مجلس صورت گرفته نشانگر این امر است که

در سال ۱۳۸۰ سهم بودجه شرکت های دولتی از بودجه کل کشور ۶۹/۹ درصد بوده و در سال ۱۳۸۱ در جهت خصوصی سازی این مقدار کمتر شده به ۶۷/۲ درصد رسیده و در سال ۱۳۸۲، ۵۹ درصد و در سال ۱۳۸۳ به ۵۴/۳ درصد رسید. البته در این سالها بودجه های فراوانی برای بنیادهای مختلف تخصیص دادند که در آمار برنامه نویسی جدا گانه به حساب آمده اند. اما دوباره از سال ۱۳۸۴ که قانون برنامه اجرا شد متأسفانه به ۶۶/۱ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۷۱/۶ درصد رسید. و در سال ۱۳۸۶ سهم بودجه شرکت های دولتی به ۷۳/۲ درصد رسیده است.

آقای احمدی نژاد بر خلاف برنامه پنج ساله چهارم و اهداف خصوصی سازی که این رژیم سالیان دراز است سنگ آن را به سینه می زند، رشد ۲۲ درصدی بودجه شرکتهای دولتی را به مجلس پیشنهاد کرد و افزایش تصدی گری دولت را که در برنامه خود در نظر گرفته بود و از سال ۸۵ به آن وسعت داده بود را با تصویب "نمایندگان" مجلس بدان صورت عملی داد.

البته در کنار این رشد بیمار گونه دولت به بودجه بخش تحقیقات و پژوهش کم توجهی نموده و عدم تناسب حقوق و دستمزدها با نرخ تورم آشکارا به چشم می خورد.

واردات که از زمان شاه مشکل اقتصاد ایران را تشکیل می داد، در حال حاضر هر سال به ابعادش اضافه می شود. بطوری که حجم واردات را در سال جدید بیشتر از ۵۲ میلیارد دلار تخمین می زند. این حجم واردات و این مقدار وابسته بودن به کالاهای خارجی تورم زیادی را حاصل خواهد نمود. بطوری که امسال شاهد تورم انفجاری خواهیم بود. ناگفته نماند که که واردات را با پول نفت می خواهند تامین نمایند.

آقای احمدی نژاد به هنگام ارائه لایحه بودجه به مجلس قیمت پایه نفت بودجه ۸۶ را ۳۳/۷ دلار اعلام کرد که نسبت به قیمت ۴۰ دلاری لایحه بودجه سال ۸۵ کاهش قابل توجهی نشان می داد.

وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی از چهار مسیر صورت می گیرد: قیمت پایه نفت، برداشت از حساب ذخیره ارزی، مالیات شرکت ملی نفت، و سود سهام این شرکت.

قیمت پایه نفت در بودجه با احتساب مالیات بر عملکرد شرکت نفت به ۴۰/۹ دلار و با احتساب سهم دولت از سود شرکت ملی نفت به ۴۵ دلار می رسد. اگر سود سهام این شرکت و برداشت از حساب ذخیره ارزی را نیز در محاسبات خود مد نظر قرار دهیم، قیمت واقعی نفت که در بودجه احمدی نژاد آمده بالای ۵۰ دلار می باشد. دولت علاوه بر سقف مصوب بودجه، درخواست ۳ هزار میلیارد تومان بودجه اضافی نیز کرده است. که نشانگر کسر بودجه تصویب شده می باشد. البته کسر بودجه به این میزان پایان نمی یابد. برنامه بودجه ۸۶ تنها کفاف ۹ ماه را می کند. البته در صورتی که بتوانند مالیاتهای محاسبه شده را از مردم بگیرند و سهام شرکتهایی که تصور می کنند را بتوانند بفروشند، باز بودجه ۳ ماه کمبود خواهد داشت.

به دلیل عدم تأمین هزینه های واقعی و پرسنلی، پیش بینی می شود در نیمه راه سال ۸۶ مواجه با کسری و لویج و طرح های متمم و اصلاحیه بودجه شوند. که راهی بجز برداشت از حساب ذخیره ارزی نمی ماند.

کسری بودجه سال ۸۵ بالغ بر بیش از ۷ هزار میلیارد تومان بود که دلیل اصلیش بالا رفتن سطح دیوانسالاری و مخارج حاصل از آن بوده است. کسری بودجه در سال ۸۴ رقمی حدود ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بود. این کسری ها برطرف نشده اند بلکه بصورت بدهی ها و یا برداشت از حساب ذخیره ارزی و یا پیش فروشها تامین شده و یا هنوز به صورت بدهی به بانک مرکزی باقی مانده است.

درآمدهای دولت در سال ۸۶ بیش از ۶۶۰ هزار میلیارد ریال و هزینه های آن بیش از ۷۷۳ هزار میلیارد ریال خواهد بود که با این کسری بودجه، شاهد تورم افسار گسیخته ای خواهیم بود.

به دلیل عدم تأمین هزینه های واقعی و پرسنلی پیش بینی می شود در نیمه راه سال ۸۶ مواجه با کسری و لویج و طرح های متمم و اصلاحیه بودجه شویم.

از طرف دیگر کاهش قیمت نفت اولین آفت و عنصر اختلال زا در جهت تنظیم بودجه خواهد بود.

شاید بنا بر این اطلاع است که آقای احمدی نژاد هر روز ایران و جهان را در بحرانی جدید قرار می دهد تا اینکه قیمت نفت بالا برود. این نوع بحران سازیها در کوتاه مدت هم به نفع دولت احمدی نژاد خواهد بود و هم پول به جیب سرمایه داران غربی می ریزد. البته راه حل معضل اقتصاد ایران گردنهای بحران نیست، زیرا دنیای سرمایه و قدرت شاید مصالح خود را در تحریم ایران و یا وارد کردن ایران به جنگی دیگر ببیند. در این زمان حرفهای احمدی نژاد روغن است بر آتش.

نباید از یاد ببریم که حتی خوش بینانه ترین برآوردها نیز از کاهش بهای نفت به ۳۰ تا ۴۰ دلار طی سال پیش رو حکایت دارد. بنابراین از آنجا که محاسبات مربوط به هزینه و درآمد دولت بر مبنای بودجه سال ۸۵ تنها با نفت ۶۰ دلاری پاسخگو خواهد بود، از این رو کاهش معنادار بهای نفت می تواند ضربه بزرگی به اقتصاد ایران وارد کند که دامنه تورمش از

تأثیرات بمب اتم برای مردم محروم کشور بیشتر خواهد بود.

قابل ذکر اینکه در لایحه بودجه سال ۸۵ با نقاط قابل تاملی روبرو بودیم. دولت طی سال جاری برداشت بی سابقه و غیرمتعارفی از درآمدهای نفتی داشت و سال گذشته در لایحه بودجه ۸۵ تقریباً ۳ برابر سهمیه قید شده در قانون برنامه چهارم توسعه و دفعتاً ۴۰ میلیارد دلار تقاضای برداشت از درآمدهای نفتی را کرد.

در سال گذشته با وجود اعتراض اکثر اقتصاددانان مجلس، این تقاضای دولت تحت عنوان "عامل با دولت" در نهایت به واسطه اصرار و لابی های صورت گرفته دولت در مجلس تصویب شد و باعث گردید با برداشت های متوالی در طول سال از حساب ذخیره ارزی به دلایل و انحاء مختلف وابستگی بودجه به دلارهای نفتی به بالاترین سطح خود در طول تاریخ انقلاب برسد.

با وضعیتی که در بودجه ۸۶ ملاحظه می کنیم میزان برداشت از ذخیره ارزی بیشتر از حجم این حساب می باشد. که کمبود آن را با پیش فروش نفت و یا با قرضه باید جبران کنند. تأثیر اصلی این نوع سیاست بصورت فشار اقتصادی غیر قابل تحمل و از طرف دیگر غیر قابل جبران تنها بر دوش مردم کشور خواهد بود. و این رژیم دارد آینده مردم را نیز می فروشد.

بدین ترتیب سطح اتکا بودجه عمومی به نفت تا ۸۰ درصد در بودجه ۸۶ بالغ شده است. در زمینه نقدینگی نیز با رشد بی رویه روبرو بوده ایم. در سال ۸۴ حدود ۶۸ هزار میلیارد تومان نقدینگی داشته ایم اما در یک و نیم سال اخیر این نقدینگی قریب به ۲ برابر شده است. نقدینگی در کوتاه مدت واردات را فقط می تواند تقویت کند اما موجب رکود اقتصادی می گردد زیرا باعث وقفه در رشد اقتصادی می شود. در بودجه ۸۶ از بین ۲۰۰۰ شرکت دولتی تنها به ۷۰۰ مورد آن اشاره شده است.

سوال اینست که چرا عملکرد سایر شرکت های دولتی به طور مشخص در بودجه سال آینده مورد ارزیابی قرار نگرفته است؟

حذف بودجه و بخشی از اختیارات ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به عنوان نکات منفی در لایحه بودجه ۸۶ می باشد. بر مبنای برنامه چهارم نرخ افزایش حقوق و دستمزد کارکنان دولت باید متناسب با نرخ تورم باشد اما متأسفانه در سال آینده این افزایش تنها ۸/۵ درصد می باشد. بودجه حقوق و مزایای کارکنان دولت که در سال ۸۵، ۲۱/۳ هزار میلیارد تومان بود، در قانون بودجه سال ۸۶ به ۱۸/۴ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. در این چارچوب، دولت حتی توان ثابت نگاه داشتن حقوق کارمندان خصوصاً ۱ میلیون معلم معترض را ندارد و کسری بودجه دستگاه ها امری است که حتماً اتفاق می افتد. در مورد بودجه آموزش و پرورش بیان این نکته ضروری است که بودجه مصوب استان های آموزش و پرورش (که ۹۵ درصد آن صرف هزینه های پرسنل می شود) در سال ۸۵، ۶/۲ هزار میلیارد تومان بود. اما در سال ۸۶ به ۵/۹ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. این در حالی است که آموزش و پرورش در سال ۸۵ با ۱۷۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه مواجه گردید و در واقع عملکرد هزینه های جاری استان های آموزش و پرورش در این سال ۷/۹ هزار میلیارد تومان بود. به این ترتیب در سال آینده نه تنها افزایش حقوق در چارچوب این بودجه متصور نیست، بلکه آموزش و پرورش با کسری چند هزار میلیارد تومانی مواجه می شود. به معلمان قول داده بودند با تصویب در صفحه ۱۱



لایحه مدیریت خدمات کشوری وضع حقوق آنها بهتر خواهد شد. این لایحه چند هفته قبل از تصویب بودجه مورد تصویب مجلس هفتم قرار گرفت ولی در بودجه ۸۶ مورد نظر قرار نگرفت! بر اساس گزارش سازمان بین المللی کار به ازای هر ده هزار دلار واردات یک فرصت شغلی در کشور از دست می رود در سال گذشته ۴۰ میلیارد دلار واردات داشتیم و برای سال ۸۶ حدود ۵۲ میلیارد دلار واردات محاسبه شده است. بدین حساب تنها در سال ۸۵ حدود ۴ میلیون نفر و در سال ۸۶ حدود ۵/۲ میلیون فرصت شغلی را رژیم مافیایی از دست می دهد و امکان توسعه و اشتغال را برای اقتصاد غرب و صادر کنندگان به ایران فراهم می سازد.

در زمینه پژوهش، تجربه جهانی نشان داده است که اعتبارات پژوهشی کشورهای توسعه یافته در مرز حداقل ۳ درصد و کشورهای در حال توسعه در مرز ۲/۵ درصد از تولید ناخالص ملی آنها قرار گرفته است و برای توسعه علوم و فناوری در ایران نیز راهی جز افزایش اعتبارات و برنامه ای متناسب رشد انسانها بر اساس پرخورداری آنها از حقوق و استعدادهایشان نمی باشد. در بودجه امسال سهم پژوهش کمتر از ۱ درصد محسوب شده است. و با این حال معلوم نیست در طول سال آن را خرج مصارف دیگری نکنند.

روند کلی بودجه ۸۶ به شرحی که آمد متضاد با توسعه و رشد نیروهای جوان کشور می باشد. این بودجه ضد عدم تمرکز و بالعکس موافق حجیم شدن دولت و دیوانسالاری آن است. وابستگی به نفت بیشتر از سالهای گذشته می باشد. و استقلال اقتصادی فدای قدرت طلبی و فرصت طلبی مافیای حاکم شده است. آینده و توسعه کشاورزی بسیار کم رنگاست و بدان و کم توجه شده است. به رشد استعدادهای و فضا سازی برای نسل جوان توجه ای نگردیده است. وابستگی به نفت و وابستگی به اقتصاد مسلط در جای جای بودجه چهره نشان می دهد. بدین ترتیب بودجه کاملا خارجی و کاملا وابسته به نفت می باشد. بدین سان وابستگی مردم به دولت بیشتر از قبل گردیده و از این بابت دولت قدرت مدارتر گردیده است. در زمینه وابستگی به خارج نیز چون وابستگی به نفت حرف اول را می زند، قدرتهای خارجی با مردم ایران آن کار را می کنند که منافع آنها را تامین می کند. در این میان عدالت، رشد، آینده نسل جوان، امنیت، امنیت اقتصادی، پشتیبانی از رشد اقتصادی و سرمایه گزاران ایرانی، مبارزه با فقر، رشد فضای آزادی و... همه و همه بخاطر قدرت پرستی عده ای دارد به گور می رود. تا هنوز زمانی برای ساخت کشور متصور است باید دست این مافیاهای را از کشور کوتاه کرد. آینده ایران با دست کسانی ساخته می شود که به اصول استقلال و آزادی و رشد اعتقاد داشته باشند.

انقلاب اسلامی: مجموعه خبرهای زیر که از ایران دریافت کرده ایم، بر خبرها و اطلاعات فصلهای پیش پرتو می افکنند

گزارش خبری از ایران شامل مجموعه ای از خبرهای گویای وضعیت:

* ورود به مرحله غنی سازی صنعتی اورانیوم، واقعیت و مجاز:

« نمایش » ورود غنی سازی به مرحله صنعتی « انجام شد. از این ورود، هیچ چیز را مردم ندیدند و ندانستند. حتی بکار افتادن ۳۰۰۰ سانتریفوز هم نامعلوم است. معاون سازمان انرژی اتمی می گوید ما وارد مرحله صنعتی نشده ایم. پس باید منتظر تخم طلایی هسته ای بمانیم و قطعنامه از پس قطعنامه بر ضد کشورمان صادر شود! از زمان بر سر کار آمدن احمدی نژاد و گروه جنگ طلب، ایران همواره ادعای صنعتی کردن این پروژه را کرده است. اما با تمام خرجی که کرده اند و کمکها از روس و چین و کره شمالی و پاکستان دریافت کرده و خریدها که از اروپا بعمل آورده اند، تنها توانسته است - بر فرض صحت ادعا - به اندازه یک بیستم اسباب فعالیت اتمی در حد صنعت را به وجود آورده اند.

برای صنعتی کردن تهیه سوخت هسته ای ضرورتا باید بیش از ۵۰ هزار سانتریفوز وارد عمل شوند. احمدی نژاد پارسال گفت: تا آخر سال بیش از ۶۰ هزار سانتریفوز را فعال می کند. اما امسال، صحبت از اینست که تنها ۳۰۰۰ سانتریفوز آماده شده است. البته در حاشیه مراسم گفته شده است و صحت آن نیز معلوم نیست.

دیروز، ۲۰ فروردین ۸۶، زنگ هسته ای در مدارس به صدا درآمد. توسط برخی از بسیجی ها در مقابل مساجد شیرینی هسته ای پخش شد. مردم می خندیدند و می گفتند خوب شد انگلیسی ها را آزاد کردیم و گرنه این جشن برگزار نمی شد. صدا و سیما نیز با بوق و کرنا صحبت از هسته ای شدن ایران می کرد و می خواست به مردم بگوید که ما اینبار واقعا وارد باشگاه هسته ای شده ایم.

* شلیک پدافند هوایی در بوشهر؟

« شلیک پدافند های هوایی پایگاه بوشهر در روز شنبه قدری مسئله ساز بوده است برخی می گویند که اجسامی ناشناس در اطراف بوشهر دیده شده اند و برخی دیگر می گویند که هواپیماهای جاسوسی بوده اند و برخی از سپاهیان می گویند قصد آزمایش پدافند داشته اند.

وبال گردن

* مراسم رسمی و خفت بار بدرقه نظامیان انگلیس:

« شنیده شد که معاون رییس جمهور و رییس بنیاد شهید ایران به خاطر اینکه از او دعوت نشده بود در مراسم آزادی گروگانهای انگلیسی حضور یابد درخواست کرده است که استعفايش پذیرفته شود. گویا قرار بوده است در این مراسم خفت آور، هر کسی به نوعی خود را نشان دهد. دفقان هم حضور داشته باشد و به انگلیسی ها برگ آزادی اعطا کند اما به خبر ندادند در مراسم شرکت کند.

مراسم بدرقه رسمی برای ملوانان و تنفکداران دریایی انگلیس، یعنی این که احمدی نژاد و حکومت او نا به جا به دستگیر کنندگان نشان داده است. زیرا بی گناه بوده اند و دستگیری آنها غیر قانونی بوده است. جاسوس خواندند نشان خطا بوده و از حکومت انگلستان خواستن که عذر بخواهد، خطای بزرگ تری بوده است. زیرا خطا را ایران مرتکب شده است. در مقام جبران این همه خطا، رئیس جمهوری و وزیران او از نظامیان انگلیسی بدرقه رسمی می کنند. چه خفتی! در این مراسم، مجری صدا و سیما ظاهر شد و در مورد عفو اسلامی و بخش رییس جمهوری صحبت کرد و گفت: خبری خوشحال کننده به جهانیان می دهد: گروگانهای انگلیسی آزاد شدند. در این مراسم احمدی نژاد مدال شجاعت به فرمانده سپاه پاسداران که آنها را دستگیر کرده بود داد و از اوبه خاطر شجاعت در دستگیری متجاوزین تشکر کرد. پس از آن، در بدرقه رسمی نظامیان انگلیسی شرکت کرد: به انگلیسی های دستگیر شده جوایزی اهدا کرد. جوایز اهدا شده از سوی سپاه پاسداران جالب تر بودند.

معاون دیگر رییس جمهور، محمد علی رامین که از بزرگان انصار حزب الله و از اعضای برجسته مافیای جنگ طلب می باشد با ظاهری فرنگی مآب شرکت داشت. بعد از شکست در انتخابات شوراها و مجلس خبرگان که یکی از عوامل تبلیغات تلویزیونی همین شخص بود، ناگهان صاحب نظر شد و گفت: با وجود بودن مساجد، دیگر نیازی به بودن احزاب نیست. با توجه به وجود مکانهایی مقدس ماند مساجد هیچ نیازی به احزاب وجود ندارد و درب مسجد همواره برای مردم باز است و مردم می توانند مسائل خود را در آنجا مطرح کنند نه در احزاب و...

* زندانهائی که در مهار قوه قضائیه نیستند:

« رییس بی کفایت و دروغگو و مکار قوه قضائیه که ترس از هم پاشیدگی نظام به او هم رسیده است در روزهای اخیر به نام حق و حقوق شهروندی وجود و استقلال زندان دیگر را تأیید کرد که عبارتند از

• زندان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران: سپاه پاسداران به تازگی برای کنترل بیشتر در کنار واواک، کار بر روی سیاسیون و دانشجویان را بر عهده گرفته است و خود شخصا و بدون نیاز به مجوزهای قضایی اقدام به بازداشت

و بازجویی از متهمان می کند. سپاه با داشتن بیش از ۵ زندان علنی در تهران و حدود ۲۰ زندان مخفی و خانه های تیمی، بیشترین بازداشتگاهها را در اختیار دارد. برای اینکه بتواند به نظر دلخواه خود « در این شرایط حساس » عمل کند رییس ترسوی قوه قضائیه را مجبور به دادن مجوز داشتن زندان و عدم دخالت سازمان زندانها در اداره آن کرده است.

• زندان حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی:

از زمانی که سردار ذوالقدر و پور محمدی وزارت کشور را در اختیار گرفته اند، خود سر اقدام به دستگیری های گسترده ای در میان مردم کرده اند. برای اینکه هیچ نظارتی بر بازداشتگاههای آنان نباشد در کنار سپاه پاسداران و واواک اقدام به گرفتن مجوز داشتن زندان خصوصی کرده اند. ناگفته نماند که برخی از زندانهای کشور به بخش خصوصی واگذار شده است مانند عادل آباد شیراز.

• زندان واواک:

از زندانهای دیگری که سازمان زندانها و قوه قضائیه نباید بر آنها نظارت داشته باشد، زندانهای مخصوص واواک است. واواک دهها زندان و صدها خانه تیمی در اختیار دارد. از زمان به سر کار آمدن دروغگویی مانند محسنی اژه ای، فشار برای استقلال این زندانها از مدیریت امور زندانها تشدید شد و بلاخره به دستور خامنه ای و موافقت رییس قوه قضائیه به واواک نیز زندان مستقل داده شد.

• زندان حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح:

در مقام انکار حقوق شهروندی، سازمانهای سرکوب صاحب زندانهای رها از هرگونه کنترل شده اند. مطالبه این حقوق و بن بست که رژیم در آنست، نیاز رژیم را به اینگونه زندانها زیاد کرده است. زیرا می خواهد بازجویی در آنها به گونه ای باشد که هیچ خبری از آن، به بیرون درز نکند. به تازگی ها برخی از دستگیر شدگان از اینکه در کجا زندان بوده اند نیز اظهار بی اطلاعی کرده اند. زیرا دستگیری های جدید به گونه ای صورت می گیرد که فرد بازداشت شده نمی تواند بفهمد توسط چه گروهی دستگیر شده و به کجا انتقال یافته است!

با توجه به اینکه سپاه و واواک و نیروی انتظامی خود با استقلال اقدام به سازمان دهی نیروهای قضایی خود کرده اند بازجویی ها و دادن احکام نیز از حیطة قوه قضائیه خارج شده و به طور مستقل در دست خود سازمانهای سرکوب گر قرار گرفته است.

* هشدار مؤتلفه در باره ریزش شدید حمایت مردم از رژیم:

« در روزهای اخیر، با توجه به نوع عملکرد خامنه ای و رییس جمهوری و بی قدر شدن بیرون از اندازه آنها در نظر مردم، هیات مؤتلفه از بازوان رهبری و امام و برادر رییس جمهور به شدت اعلام خطر کرده اند. مؤتلفه در یک تحلیل گفته است به زودی با ریزش گسترده مردم روبرو خواهیم شد. در جلسه ای که از خودشانها تشکیل شده بود، گفته اند با توجه به

نوع برخورد ما با ملت، مشاهده می شود مردم اعتقادی به اسلام ولایت فقیه و نظام ندارند. به زودی ما مانند حکومت های دیگر با ریزش شدید نیرو روبرو می شویم و دیگر نمی توانیم روی حمایت های مردمی حساب کنیم.

در میان خود مسئولین مؤتلفه اختلافاتی به وجود آمده اند. زیرا از زمانی که با هنر، در پی به قدرت رسیدن احمدی نژاد خود و خانواده اش را به قدرت رساند، در رهبری این هیات اختلافاتی شدید به وجود آمد. این اختلافات تا بدانجا است که شکاف در رهبری هیات را در میان هواداران مؤتلفه نیز بسط داده است. متعزین می گویند: فعالیت های هزینه زایی که برای جذب نیروهای جوان انجام داده اند، بر باد رفته است. زیرا در سالی که گذشت، بسیاری از جوانها نه تنها از هیات بریده اند که از دین و اعتقادات به خاطر عملکرد ضعیف و مزورانه مسئولین ما نیز بریده اند.

این اجتماع تحت تدابیر امنیتی شدید برگزار شد. شرکت کنندگان در حالی که تلاش داشتند شناخته نشوند با یکدیگر وارد یک مجادله شدید شدند و یکدیگر را متهم به بی دینی کردند.

به قولی کاش تعطیلی های کشور هر از چند ماه یکبار صورت گیرد تا سران رژیم به حساب و کتابی یکدیگر رسیدگی کنند.

* رژیم دست و پای خود را در سوریه نیز جمع می کند:

« از وزارت خارجه ایران شنیده می شود که قرار است ایران دست و پای خود را در سوریه نیز جمع کند. علت سیاستهای اخیر امریکا و عربستان و دیگر کشورهای پولدار عرب و فشار آنها به سوریه برای فاصله گرفتن از رژیم ایران است. اخیرا، ایران برای اینکه بتواند در سوریه پایگاهی داشته باشد و نیروهای نظامی خود را تحت عنوانهای مختلف به آنجا بفرستد تصمیمیم به عقد قراردادی در مورد ساخت نیروگاه با سوریه به مبلغ بیش از ۲۲۰ میلیون دلار کرده است. با توجه به اینکه یکی از پایگاههای سپاه، وزارت نیرو است، با دور شدن سوریه از رژیم، برای حفظ راه ارتباطی با حزب الله لبنان و ماندن در سوریه، باید چاره دیگر جست که چندان آسان نیست.

* وحدت ملی دست آویز جدید سرکوب:

« به تازگی وزیر واواک که قهرمان گاز گرفتن و قندان پرتاب کردن است، در حرکتی نمادین به تبعیت از رهبر خود، اعلام کرده است باید به حساب کسانی که انسجام اسلامی و وحدت ملی را بر هم می زنند رسید و ما به تازگی برخی را دستگیر کرده ایم که جاسوس و وابسته به خارج نبوده اند اما در فکر بر هم زدن اتحاد ملی و انسجام اسلامی بوده اند. بدین ترتیب، اتحاد ملی دست آویزی شد برای سرکوب و تشدید خلاف و اختلاف در جامعه.



* سال سگ را خامنه ای سال پیامبر اعظم « نامید !»

◀ در واواک ، برخی از اینکه سال سگ را خامنه ای سال حضرت محمد (ص) خواند ، ناراحت و تکراند. زیرا هرگاه مردم متوجه شوند ، خواهند پرسید : مگر خامنه ای نمی دانست سال ۸۵ ، سال سگ بوده است چرا آن سال را سال پیامبر اعظم نامگذاری کرد؟ پس رفتار های توهین آمیز (پرسشنامه ای که آموزش و پرورش تهیه کرده بود) از خود خامنه ای سرچشمه می گیرد. برخی از افراد واواک که از نزدیکان خامنه ای هستند ، مسئول این نامگذاری بوده اند.

* حذف مدیران و فلج وزارت خانه ها :

◀ با توجه به حذف گسترده مدیران که کشور را بازپچه مدیران نادان و بی کفایت کرده است، دیگر گرایشهای موجود در رژیم به شدت اظهار تکرانی کرده اند . قرار است شورای تشخیص مصلحت، برای حفظ نظام که تغییر بی رویه مدیران آن را به خطر انداخته است ، تدبیری بسنجد . این هم از دستاوردهای نشست های نوروزی است . حضرات متوجه شده اند همه نیروها را احمدی نژاد تصفیه کرده است .

* سرکوب زنان :

◀ سردار رادان گشت های ارشادی از اردیبهشت ماه برای جلوگیری از بدحجابی وارد عمل می کند. او نمی گوید این گشت ها قبلا در مبارزه با مواد مخدر و مبارزه با اوباش بوده اند. بنا بر قول او ، ۳۰ گشت ارشاد و ۱۵ گشت غیر محسوس و ۱۵ گشت جمعی که همان فلوکس ها هستند فعال می شوند.

سردار رادان می گوید: بیش از ۸۰ درصد از زنانی که با آنها صحبت شده است در مورد حجاب گفته اند :اگر شرایط تغییر یابد، آنها هم حجاب خود را تغییر خواهند داد . از قرار، منظور رادان این است که رژیم باید به افکار مردم احترام بگذارد. زیرا او معتقد است بسیاری از این بدحجابی ها به خاطر لجاجت است .

* الله کرم وابسته نظامی شد ! :

◀ حسین الله کرم سردار سرکوب گر و متجاوز به نوامیس مردم و از سرکوبگر دانشگاه تهران و از سران چماق داران به عنوان وابسته نظامی ایران در بالکان به مدت ۴ سال به آن منطقه خواهد رفت وی که در انگشت خود انگشت رهبری را دارد بعد از پایان جنگ با رانت های سپاهی و سرکوب مردم دکترای استراتژیک خود را از سپاه دریافت داشت و به عنوان پاداش، خامنه ای انگشتی به وی هدیه کرد.

انقلاب اسلامی : بخشی از اطلاعات مربوط به سرکوبها و تجاوزها به حقوق انسان را در فصل ششم آورده ایم . در حال حاضر، معلمان و دانشجویان و روزنامه نگاران و زنان همچنان قربانیان تجاوز به حقوق انسان هستند :

معلمان و دانشجویان و روزنامه نگاران و زنان، قربانیان تجاوز به حقوق انسان :

◀ در ۱۳ فروردین ۸۶، احمدی مقدم با اشاره به اعدام دو تن از کارکنان نیروی انتظامی خراسان رضوی به دلیل فساد مالی، این را از نشانه های جدیت در برخورد با این معضل در پلیس عنوان کرد و افزود: سازمان ما همیشه در معرض ویروس و میکروب است، به همین دلیل اگر ناچار شویم، جراحی کرده و به شدت با اینگونه موارد برخورد می کنیم.

◀ در ۱۳ فروردین ۸۶، هاشم شاهین نیا زندانی سیاسی مجاهد، در اعتراض به عدم رعایت اصل تفکیک جرایم و انتقال غیرموجه خود به بند آشور (اندرزگاه ۷) دست به اعتصاب غذا زده است.

◀ در ۱۴ فروردین ۸۶، ناهید کشاورز و محبوبه حسین زاده دو تن از اعضای کمیته یک میلیون امضاء که روز گذشته به خاطر جمع آوری امضا بازداشت شده بودند، دقیقی قبل به بند ۲۰۹ زندان اوین انتقال داده شدند.

◀ در ۱۴ فروردین ۸۶ -جلسه رسیدگی به اتهامات چهار نشریه «تهران امروز»، «اندیشه ورزش»، «آبادی» و «تاک» صبح روز یکشنبه، ۲۶ فروردین ماه جاری در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی صارمی و با حضور اعضای هیات منصفه مطبوعات برگزار می شود.

◀ در ۱۴ فروردین ۸۶ ، مصطفی دانشجو که وکالت تعدادی از درویش گنابادی قم را برعهده دارد، به شعبه ۱۱ دادبازی دادسرای کرج احضار شد.

◀ در ۱۵ فروردین ۸۶ ، سید حسین رحیمی یکی از فعالین دانشجویی دانشگاه یزد و مدیر مسئول نشریه دانشجویی «بیان آزاد» از سوی کمیته انضباطی این دانشگاه به «یک ترم تعلیق از تحصیل بدون احتساب سنوات» محکوم شد.

◀ در ۱۵ فروردین ۸۶ ، هوشمند سفیدی، مدیر مسوول روزنامه آرمان با شکایت مدعی العموم و شاکی خصوصی به دادسرای کارکنان دولت اظهار شد.

◀ در ۱۶ فروردین ۸۶ ، سید محمد صالح آل مولانا رئیس مرکز بهداشت تبریز گفت: تخمین زده می شود بیش از ۱۰۰ هزار نفر ایرانی به ویروس ایدز مبتلا هستند.

وی تأکید کرد: طبق آمار موجود هم اکنون بیش از ۱۴ هزار نفر از شهروندان ما ایدز دارند و باید بیشتر مراقب بود.

◀ در ۱۶ فروردین ۸۶، طی روزهای اخیر اداره پست کرمانشاه ۲۵ نفر از کارگران خود را با بیش از هفت سال سابقه کار، اخراج نمود . بدنیا این اقدام، صبح روز گذشته ۱۵ فروردین ۸۶ کارگران اخراجی این اداره در مقابل خانه کارگر استان کرمانشاه تجمع نموده نسبت به اخراج خود اعتراض کردند .

◀ در ۱۶ فروردین ۸۶ ، خانم زهرا علیقلی ۶۲ ساله که بیش از ۱۰ ماه در بند ۳ زندان اوین بازداشت میباشند . این بند محل نگهداری زندانیان عادی و خطرناک میباشد. یکی از شیوه های که توسط حسن

وبال گردن

زارع دهنوی معروف به قاضی حداد و محمود سالارکبا از مسئولین قوه قضائیه علیه زندانیان سیاسی بکار گرفته میشود قرار دادن زندانیان سیاسی در کنار زندانیان عادی و خطرناک ؛ تشویق و تحریک آنها برای ایجاد درگیری فیزیکی و مورد اهانت قرار دادن زندانیان سیاسی است.خانم زهرا علیقلی به دستور مستقیم حسن زارع دهنوی معروف به قاضی حداد به بند ۳ منتقل و تا به حال چندین بار مورد ضرب و شتم قرار گرفته و حمله کنندگان نه تنها مورد بازخواست قرار نگرفتند بلکه به آنها مرخصی تشویقی نیز دادند. او در حال حاضر دچار ناراحتیهای جسمی مختلفی است و از درمان وی خودداری میکنند.

لازم به یادآوری است که خانم زهرا علیقلی همراه با همسرشان آقای جواد علیقلی و آقایان عباس عسگریزاده و حمید برهان در تهران دستگیر شدند و به مدت ۲۳ روز در زندانهای واواک زندانی بودند و با قرار دادن وثیقه های سنگین بطور موقت آزاد شدند . پس از مدت کوتاهی بدون تشکیل دادگاه و مشخص شدن اتهام، به آنها تلفنی اطلاع داده شد که توسط حسن زارع دهنوی (قاضی حداد) هر کدام از آنها به ۳ سال زندان محکوم شده اند.

◀ در ۱۷ فروردین ۸۶، دیروز ۵ شنبه ۱۶ فروردین گروهی ناشناس و تندرو به کتابفروشی ها در سنجند حمله کردند و به جمع آوری کتابهای "تاریخ شفاهی و ادبی و اجتماعی" درباره کردها پرداختند.

◀ در ۱۷ فروردین ۸۶ ، ساقی لقای، پرستو دوکوهکی و سارا لقای سه تن از فعالان جنبش زنان که در ۱۳ اسفند سال گذشته به همراه ۳۰ نفر دیگر به دلیل حضور در مقابل دادگاه انقلاب همزمان با برگزاری محاکمه ۵ فعال جنبش بازداشت شده بودند، دیروز به دادسرای انقلاب احضار شدند.

◀ در ۱۸ فروردین ۸۶، سیدرحیم حسینی، دانشجوی ترم آخر رشته ی علوم تربیتی دانشگاه یزد به یک ترم تعلیق از تحصیل محکوم شد.

◀ در ۱۸ فروردین ۸۶، سه دانشجوی دختر دانشگاههای تهران و الزهرا که ۱۳ اسفندماه اسما همراه ۳۰ فعال زن دیگر به اتهام تبانی برای اخلاخ در امنیت ملی و برهم زدن نظم عمومی از طریق تجمع غیرقانونی مقابل دادگاه انقلاب تهران بازداشت شده بودند روز چهارشنبه ۱۴ فروردین ماه از سوی دایره ویژه امنیت دادسرای انقلاب ، تلفنی احضار شدند.

◀ در ۱۹ فروردین ۸۶، دستکم ۴۵ تن از معلمان و فعالان صنفی استان همدان شب گذشته توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شدند.

دیروز بعد ازظهر فعالان صنفی معلمان همدان در دفتر کانون صنفی فرهنگیان این استان جلسه داشتند که در ساعت ۸ شب نیروهای امنیتی و انتظامی با محاصره ساختمان بیش از ۳۰ نفر از معلمان و فعالان صنفی حاضر را بازداشت و با اتوبوس به نقطه نامعلومی منتقل ساختند. همچنین متعاقب این برخورد، نیروهای امنیتی با مراجعه به منازل تعداد دیگری از فعالان صنفی آنها را بازداشت کرده اند که بدین ترتیب تعداد کل افراد بازداشت شده به بیش از ۴۵ نفر می رسد که در میان آنان تمامی اعضای هیئت مدیره کانون صنفی همدان حضور دارند.

◀ در ۱۹ فروردین ۸۶، بنا بر گزارشات رسیده آقای ابوالفضل عابدینی روزنامه نگار اهوازی توسط مامورین واواک احضار و بازداشت

شده است . آقای عابدینی که در دی ماه ۱۳۸۴ توسط اطلاعات سپاه پاسداران به اتهام اقدام علیه امنیت ملی ، نشر اکاذیب ، تشویش اذهان عمومی ، اهانت به سفیر انگلستان ، اهانت به مسئولین نظام ، تشکیل و راه اندازی اتحادیه ملی و میهنی در ایران ، ارسال اخبار کذب به خارج از کشور ، طراحی وب سایت های مخالف ، حاکمیت به مدت پنج ماه در سلول های انفرادی زندان های اهواز و کرج با چشم بند تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار داشته است .

◀ در ۱۹ فروردین ۸۶، بابک زمانیان مسئول روابط عمومی انجمن پلی تکنیک از ممنوع ورود شدن خود به دانشگاه خبر داد.

◀ در ۱۹ فروردین ۸۶، شعبه دوم دادگاه انقلاب اهواز، منصور جدی زاده متهم به اقدام علیه امنیت ملی را به دو سال حبس که به مدت سه سال به حالت تعلیق درمی آید، محکوم کرد.

◀ در ۲۰ فروردین ۸۶ ، محمود صالحی، از بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر در شهرستان سقز که پیش از این با تبدیل قرار بازداشت به قرار دیگری آزاد شده بود، دوباره بازداشت شد.

◀ در ۲۰ فروردین ۸۶ ، به دنبال بازداشت بیش از ۴۰ معلم در همدان از سوی نهادهای امنیتی در عصر روز شنبه ۱۸ فروردین ماه، فرهنگیان این شهر دیروز و امروز با حضور در اداره آموزش پرورش شهر همدان نسبت به بازداشت همکاران خود اعتراض کردند. صبح یکشنبه خانواده های بازداشت شدگان فرهنگی به همراه تعدادی از معلمان با مراجعه به رییس آموزش پرورش این شهر درخواست آزادی افراد بازداشت شده را کرده اند . در جریان این تجمع در اداره آموزش و پرورش یکی دیگر از فرهنگیان به نام زارعی نیز بازداشت شده است.

همچنین تعدادی از معلمان همدانی از صبح امروز در اعتراض به این بازداشتها از حضور در کلاسهای درس امتناع کردند و مدارس این شهر در نوبت صبح در حالت نیمه تعطیل بوده است.

◀ در ۲۰ فروردین ۸۶ ، اطلاع حاصل شد که در ۱۹ فروردین، نجمه نوربخش، محسن ابراهیمی، وهاب ندیمی و زهرا صفری دانشجویان دانشگاه ملایر، نامه ای دریافت کردند که به موجب آن باید حداکثر تا ۲۲ فروردین ماه به کمیته انضباطی دانشگاه مراجعه کنند . هیچ توضیحی درباره علت این احضار در نامه نیامده است اما نجمه نوربخش، یکی از این چهار تن، احتمال می دهد که این احضار به علت تحسن اسفند سال گذشته دانشجویان مقابل دفتر امور اداری دانشگاه باشد.

◀ در ۲۰ فروردین ۸۶ ، هیأت منصفه مطبوعات پس از برگزاری دادگاه، "محمدرضا خانی"، مدیرمسوول روزنامه توقیف شده مشارکت را مجرم شناخت و وی را مستحق برخورداری از تخفیف در مجازات ندانست.

◀ در ۲۱ فروردین ۸۶، یک فعال دانشجویی دانشگاه بیرجند گفت: « یوسف محمدی و مسلم ابراهیمی دو دانشجوی دانشگاه بیرجند به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شدند» .

◀ در ۲۱ فروردین ۸۶، دانشجوی دانشگاه مازندران روز گذشته (دوشنبه) به کمیته انضباطی احضار شدند: آرش پاکزاد، حدیث ظاهر، نیما باطنی، میلاد معین، حامد محمدی، صادق حکیم زاده و سارا خادمی که چندی پیش در تجمع دانشجویی شرکت کرده و به حکم بدوی دانشجویان دانشگاه فنی

اعتراض داشتند به کمیته انضباطی احضار شدند.»

◀ در ۲۲ فروردین ، به گزارش « فعالان حقوق بشر در ایران »، زندانیان بند ۲۰۹ زندان اوین تحت فشارهای طاقت فرسای مأموران واواک، دچار بیماری های روحی شده اند.

دکتر کیوان انصاری ، دکتر سعید ماسوری ، کیوان رفیعی ، ابوالفضل جهاندار ، سعید درخشندی ، محمد ابراهیمی که ماه های متمادی در بند ۲۰۹ زندان اوین و تحت فشار های روز افزون وزارت اطلاعات قرار دارند بارها نسبت به وضعیت خود در شرایط بلا تکلیفی اعتراض کرده اند. اما مسئولین زندان با بی تفاوتی و در برخی موارد با استفاده از داروهای آرام بخش و یا ضرب و شتم زندانی این اعتراضات را فرومی نشانند.

حتی در مواردی، برخی از زندانیان به دلیل فشارهای عصبی با خودزنی و یا فریادهای بلند ، سعی در تخلیه خود پری می آیند.

آقای سعید درخشندی در هفته دوم تعطیلات نوروزی که نسبت به نگهداری خود در این بند اعتراض کرده بود با هجوم وحشیانه مامورین وزارت اطلاعات مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است . وی در اثر ضربات وارده دچار کمر درد شدید و دست چپش بی حس شده است. ◀ در ۲۲ فروردین ، یاران بروجردی ، روحانی زندانی این اطلاعیه را انتشار داده اند :

آیت الله سید محمد حسین کاظمینی بروجردی به همراه چهار تن از یارانش به نامه های علیرضا منتظر صاحب ، مجید الستی ، علی ده هیجده و حبیب قوتی ، کماکان بدون برخورداری از حق داشتن وکیل و سایر حقوق صرح در قانون اساسی رژیم ایران ، تحت انواع شکنجه های روحی و جسمی قرار دارند . آیت الله کاظمینی بروجردی تا این لحظه از حق ملاقات و استفاده از تلفن محروم بوده فلذا به این دلیل اعلام می نمایم که سلامت وی در هاله ای از ابهام است .

رژیم غیر دموکراتیک ایران ، چند ماهیست به اشکال گوناگون سعی در تخریب چهره معنوی و مردمی آیت الله کاظمینی بروجردی داشته و به بخش اعترافاتی ساختگی و منتسب به ایشان اقدام نموده است . در این راستا به گزارش همزمان یکی از نیروهای اطلاعاتی مرتبط با پرونده ایشان و یکی از مسئولین بلندپایه دادگاه ویژه روحانیت که نتوانستند نامشان فاش شود ، وزارت اطلاعات بدستور آقای خامنه ای و با هماهنگی دادگاه ویژه روحانیت در اواخر سال گذشته خورشیدی ، اقدام به تهیه و ضبط فیلم مناظره آیت الله کاظمینی بروجردی با دو تن از مراجع عظام و وابسته به نظام در زندان اوین نموده تا بلکه با پخش این مناظره به زعم خود بیسوادی آیت الله کاظمینی بروجردی را فاش نمایند . اما بدلیل شکست آقایان فاضل تکرانی و ناصر مکارم شیرازی در مناظره با آیت الله کاظمینی بروجردی درباره اهم مسائل مورد اختلاف ، وزارت اطلاعات هیچگاه فیلم این مناظره را پخش نکرده و به مامورین خود شدیداً توصیه کرده تا از فاش شدن اصل این خبر جلوگیری نمایند . لازم به ذکر است دو نفر یاد شده از جمله هشت مرجعی هستند که چندی قبل دستور تخریب مقبره مرجع عالیقدر تشیع آیت الله العظمی سید محمدعلی کاظمینی بروجردی واقع در مسجد نور میدان خراسان تهران را صادر کرده بودند .

پس از اعلام آزادی همسر و فرزند بازداشت شده آیت الله کاظمینی بروجردی ، به نامه های اکرم سادات ولی پور و سید مهدی کاظمینی بروجردی از زندان اوین ، سرنوشت این خانواده در هاله ای از ابهام بوده و از سرنوشت آنان اطلاع دقیقی در دست نیست .



در زیر بخشی از مصاحبه آقای موسوی خوئینی ها را در این رابطه می آوریم.

منبع: سایت طریق جاوید

«... موضع گیری ها و اقدامات دولت موقت در برخورد با این مشکلات و معضلات چگونه بود؟»

موسوی خوئینی ها: علی رغم همه حمایت های حضرت امام (ره) و مردم از دولت، افرادی دولت موقت در رأس امور بودند که با اوضاع انقلابی آن زمان همراه نبودند.

... شرایط آن زمان هموار و معمولی نبود و انقلاب در هر لحظه با ناهمگونی ها و مشکلاتی که نشان داده شد روبرو بود. ... دولت موقت با توجه به همین مسائل، توان لازم جهت روبرویی با این آشوب ها و بلواها را نداشت و با توجه به بعضی از دیدگاه های، قاطعیت لازم جهت برخورد با عناصر ضد انقلاب را هم نداشت. البته توجه داشته باشید این تحلیل را از نگاه انقلابیون و بخشی از نیروهایی که به تسخیر لانه جاسوسی دست زدند می گویم؛ چرا که خود افرادی مثل مرحوم بازرگان یا همفکرانش این تعابیر را قبول نداشتند و نداشتند. اما به تعبیر من آنها قاطعیت لازم در برخورد با نیروهای ضد انقلاب را نداشتند. به عنوان مثال دولت موقت و شخص آقای بازرگان تشخیص می دادند که یکی از روسای ساواک در زمان شاه باز هم بیاید و سازمان اطلاعاتی در نظام جمهوری اسلامی را بازسازی و راه اندازی کند. توجیه آنان این بود که این افراد در زمان شاه فقط فرمانبردار بودند و بر محور آن رژیم فعالیت می کردند، حالا که آن محور عوض شده است طبق خواسته ما عمل می کنند. بنابراین می توان کسی را که مأمور امنیت رژیم سابق بوده است، مجدداً در سازمان اطلاعاتی جمهوری اسلامی به کار گرفت. در صورتی که اگر به سابقه برخی از عناصر سابق ساواک مثل مقدم که رئیس سازمان امنیت بود توجه می شد، می فهمیدند که تا آخر عمر رژیم سابق علیه انقلاب و در حفاظت از نظام شاه فعالیت می کردند همچون قره باغی نیز آمده است. طبعاً این نگاه سبب می شد دولت موقت دست به اقدامات

تکران کننده ای بزند، هر چند که نیروهای انقلابی نگذاشتند و جلوی این اقدامات را گرفتند. دولت موقت در مورد وزارتخانه ها نیز همین نگاه را داشت. در مجموع به نظر بنده رفتار دولت موقت در میدان دادن به عناصری که در رژیم شاه افراد موثری بودند مناسب و منطقی نبود، بخصوص آنکه بسیاری از آنها در دوران انقلاب هیچ نوع همراهی نداشتند و خود به خود هیچ وابستگی ای به انقلاب اسلامی حس نکردند. ...»

بنا بر آنچه موسوی خوئینی ها می گوید، یکی از دلایل حذف دولت بازرگان انقلابی نبودن و به شغل دادن به افراد رژیم شاه می داند و یک ساواکی را نمونه می آورد. او فراموش کرده است که نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از بازرگان از فردوست برای ساختن و اواک استفاده کرد.

آیا موسوی خوئینی ها در جریان بازسازی و اواک توسط فردوست نبوده است یا خود را به نادانی میزند؟ موسوی خوئینی ها شاید یادش رفته باشد که با تسخیر «لانه جاسوسی» زمانی که می خواستند پولهای از دست رفته ایران را که به ظاهر قرار شده بود بازگرداند و یا از طریق

گروگانگیری، خیانتی که خمینی آن را «انقلاب دوم» خواند - ۴

شده اند موسوی خوئینی ها به خاطر مخفی کاری هایش شرمسار شود.

۲- زمینه سازی برای حذف نیروهای ملی با متهم کردن آنها به جاسوسی امریکا از راه جعل و تزویر بهنگام ترجمه سندها. ه افشاکاری های این دانشجویان فریب خورده اشاره از میان کلیه اسنادی که در سفارت وجود داشت، تنها به افشاکاری اسنادی دست زدند که بیشتر در باره چهره های ملی بودند. قصد داشتند با افشای ملی گراها، آنها را در اذهان مردم جاسوس معرفی کنند ولی از افشای بسیاری از مدارک دیگر خود داری کردند یا اینکه از آنها گرفته شد و اجازه افشا به آنها داده نشد. دورتر خاطر نشان می شود.

در اینجا بخشی از مصاحبه نویسنده کتاب شود اشباح را با زواره ای - که از رؤسای زندان در ابتدای انقلاب و از اعضای قوه قضاییه و زمانی نیز رییس ثبت و احوال کشور بود. در زمان او، بسیاری از مسئولین دارای شناسنامه های جعلی شدند و در اواخر عمر به عضویت حقوقدانان شورای نگهبان در آمد و در نهایت برای اینکه زیاده از حد حرف نزند به طور مشکوک سکنه کرد و مرد - را می آوریم.

وی در آن زمان، در گروههای قضایی و زندانها مشغول به کار بود. نویسنده کتاب شود اشباح از او می پرسد (نویسنده کتاب شود اشباح این مصاحبه را در سال ۷۹ با زواره ای انجام داد. اطلاعات بسیار مهمی در این مصاحبه وجود دارد که نشان می دهد عوامل پشت پرده گروگانگیری چه کسانی بوده اند.

• سؤال - در اسناد منتشره لانه جاسوسی که همه منتشر نشد این سؤال جدی است که چرا در مورد عوامل نفوذی سفارت مثلاً در دادستانی چیزی منتشر نشد؟

البته مقصودم در سالهای آخر فعالیت قبل از اشغال سفارت است. آیا معقول به نظر می آید که گزارشی، سیا یا سفارت در مورد اعداهایی توسط دادستانی آنها اصلی ترین عناصر ساواک و سیا در تهران یا شهرستانها تهیه نکرده باشند یا از طریق عوامل نفوذی یا منابع اطلاعاتیشان سعی در هدایت جریان یا نجات عناصر خود نکرده باشند؟

چرا اسناد سیا در مورد برخی کشورهای دیگر منطقه چاپ شد ولی شبکه جاسوسی غرب در ایران به استثنای برخی عوامل واضح و روشن انتشار پیدا نکرد؟

مصاحبه گر سه سؤال اساسی از زواره ای می کند که نشان می دهد اطلاعات او از برخی اسناد و نفوذی های سفارت در دادستانی زیاد است و این اطلاعات را در حین مصاحبه مطرح می کند تا پاسخی بشنود. جالب اینجاست که در سؤال دوم از هدایت جریان سخن بمیان می آورد. این امر نشان می دهد او در این مورد هم اطلاعات خاصی داشته است.

* به هر حال، پاسخ زواره ای هم به این سئوالها گویای مطالب بسیاری است که در زیر می آوریم:

«... من یادم هست مجموعه ای از دانشجویان که روی کشف آن اسناد کار می کردند، به من مراجعه کردند و گفتند در مرحله ای که به این بخشهای حساس رسیده بودند، کار از دستشان گرفته شده بود.»

من حتی یکبار به ریشهری هم در جلسه ای در دانشگاه امام صادق فعلی گفتم و آنها را برای پیگیری معرفی کردم اما عملاً قدمی برداشته نشد و طبیعی بود که امریکایی ها همه توانشان را به کار گرفته بودند که عناصر مورد علاقه شان توسط دادستانی انقلاب اعدام نشوند.

• سرنوشت بقیه اسناد چه شد؟
* پاسخ زواره ای گویا است. برای اینکه بهتر متوجه قضایا شویم ان را از محل های خاص در جمله جدا کرده ایم. زواره ای می گوید:

دانشجویان وقتی به اسناد حساس رسیدند کار از دست آنها گرفته شد. اما زواره ای نمی گوید: اسناد توسط چه کسانی از دانشجویان گرفته شدند. قسمت بعدی پاسخ او نشان می دهد که از گرفتن اسناد از دست دانشجویان، قطعاً کودتا شناس معروف، ریشهری نیز آگاه بوده است. اما چرا این اسناد را از آنها گرفتند، در ادامه پاسخ خود می گوید چرا؟

«... و طبیعی بود که امریکایی ها همه توانشان را به کار گرفته بودند که عناصر مورد علاقه شان در بحث های دادستانی انقلاب اعدام نشوند.

• سرنوشت بقیه اسناد چه شد؟
پاسخ زواره ای گویا است. افشای اسناد داشت به افراد «خودی» و افراد نفوذی می رسید. لذا، بنا بر برنامه، اسناد را از دست دانشجویان فریب خورده گرفتند. به «از ما بهتران» سپردند. البته زواره ای نامی از این افراد در مصاحبه نمی برد. اما نام آنها را می دانسته است و به ریشهری هم آن نامها را برده است.

شاید زواره ای نمی دانست این کودتا شناس و کودتا یاب معروف ریشه در کجا و کدام سازمان جاسوسی دارد. بررسی زندگی نامه ریشهری هم زمان زیادی می طلبد که در آینده انجام خواهد شد. این را از این بابت اشاره کردم که خوانندگان بدانند برخی از عوامل پشت پرده گروگانگیری، با او در ارتباط بودند. مانند حسین شریعتمداری و سعید امامی و حسن آیت و بهزاد نبوی و ...

۳- زمینه سازی برای جنگ ایران و عراق: دانشجویان خود بر این عقیده بوده اند که اشغال سفارت و گروگانگیری سه یا چهار روز بیشتر نباید بطول می انجامید. اما شواهد نشان می دهند که برخی بوده اند که برای این کار نقشه ها کشیده بوده اند و می خواسته اند در سفارت بمانند و بحران ها از پی هم ایجاد کنند. زیرا می دانستند که این کار بهترین کار برای ممانعت از نابودی است. به همین علت بود که خمینی پیام داد: جای خوبی را گرفته اید و محکم آنجا را نگاه دارید و مواظب باشید که بیرونتان نکنند.

در زمان تسخیر سفارت امریکا، برخی از دانشجویان می گفتند باید همزمان سفارت روسیه را هم گرفت. احمدی نژاد یکی از آنها بود و برخی دیگر از دانشجویان با تسخیر سفارت موافق بودند اما این کار را منوط به تایید امام می دانستند. همانگونه که گفته شد اعلام حمله به تمام منافع امریکا که یکی دو روز قبل تسخیر سفارت، خمینی از دانشجویان و طلاب خواسته بود، چراغ سبز حمله به سفارت بود

در این مورد مطالب زیادی وجود دارند. زیرا بسیاری از دانشجویان سیاهی لشکر نمی دانستند تا چه مدتی قرار است در آنجا بمانند. زمانی که آنها به سوی سفارت حرکت می کردند، به آنها گفته می شد: قرار بر این است که ۲ یا ۳ ساعت سفارت را برای نشان دادن اعتراض به عملکرد امریکا در اشغال نگاه دارند.

اما کسانی که از پشت و روی ماجرا اطلاع داشتند و با چراغ سبز خمینی در دو روز قبل به آنجا وارد شده بودند می دانستند که به چه منظوری به سفارت رفته اند.

زیرا، بر اساس نوشته ها و اسناد، آنان برای وارد شدن به سفارت و تسخیر آن برنامه ریزی و از قبل منطقه را شناسایی کرده بودند

۴- زمینه سازی برای کودتا بر ضد رئیس جمهوری مردمی ایران. در جریان تصرف سفارت امریکا، از آنجا که این دانشجویان و خط دهنده های آنان از افراد ضد ملی بوده اند، برای اینکه هرچه بیشتر به خط دکتر محمد مصدق آسیب برسانند: در روزهای بعد از کودتای خرداد ۶۰، که سانسور کامل برقرار و محیط رعب و وحشت ایجاد کرده بودند، دست بکاری زدند که تا دنیا و تاریخ هست مایه ننگ خمینی و دستیاران او است. توضیح این که عضو سیا، به معرفی خسرو قشقائی و به این عنوان که فرستاده عالی رتبه حکومت امریکا است و مأمور است پیام این حکومت را به خمینی برساند، با موافقت خمینی، نزد بنی صدر آمد. رفت و آمد را مکرر کرد و مدعی شد نماینده یک شرکت امریکائی است که می خواهد در ایران شعبه ایجاد کند. از بنی صدر می خواست سمت مشاور این شرکت را بپذیرد. بنی صدر پاسخ داد: پول و دین، نار، آتشی است که ایمان را می سوزاند. او رفت و گزارش داد که بنی صدر و دوستان او را نمی توان خرید. در سفارت امریکا، تنها یک سند از این نوع وجود داشت و مایه مباحثات مردمی است که بنی صدر را نخستین منتخب تاریخ خود کردند. حال اگر ترجمه «مترجم یا مترجمان خط امام» را با متن سند مقایسه کنیم، متوجه می شویم این مدعیان دین مداری، به اندازه یک عضو سیا شرف نداشته اند. طرفه این که عضو سیا در گزارش خود می آورد: او در حال حاضر نیازی به پول ندارد. اما زمانی که به خارج از کشور تبعید شد، ممکن است نیاز پیدا کند! اما بنا بر اصل موازنه عدمی که او راهنمای عقل خویش کرده است، قناعت را رویه کرد و نیازمند پول نشد. و او چه رابطه ای با حاکمان داشت در صفحه ۱۴



که می دانست بنی صدر راهی تبعیدگاه خواهد شد؟

کسانی که به آنان خط داده بودند می دانستند که باید برای حذف بنی صدر از هر فرصتی استفاده کرد. مخالفت بنی صدر با تصرف سفارت امریکا صریح بود. بعد از تصرف سفارت، در محل سفارت حاضر شد و خطاب به دانشجویان گفت: شما ایران را به گروگان امریکا در آوردید. او در سرمقاله ای، به تاریخ روز بعد از گروگانگیری، هدفهای گروگانگیری را بر شمرد. هدفهایی که تحقق یافتند. از آن پس، گروگانها دستمایه معامله پنهانی با ریگان و بوش با پا در میانی اسرائیل شدند. دانشجویان فریب خورده و پاسداران حامی و روحانیان که پشت پرده سر نخ ها در دست داشتند و سازمانهای اطلاعاتی امریکا و اسرائیل برای حذف رییس جمهوری که سخت مخالف این معامله پنهانی بود، از هر امکانی استفاده کردند. موسوی خوئینی ها یکی از افرادی بود که در جلسه بررسی عدم کفایت سیاسی رییس جمهور در مجلس گفت: در اسناد چیزی علیه او نیست. اما آقای بنی صدر از این بابت که با دانشجویان تسخیر کننده و با تصرف سفارت امریکا مخالف بود کفایت سیاسی ندارد.

اما موسوی خوئینی ها نه در آن زمان و نه در حال حاضر، نگفتند با طرح گروگانگیری که او و دانشجویان فریب خورده، انجام دادند و اینهمه زیان به کشور وارد کردند، او و امثال او می دانند کفایت سیاسی یعنی چه؟

در خور یاد آوری است که موسوی خوئینی ها از سران حزب جمهوری اسلامی ایران بود. این یادآوری از این بابت در خور توجه است که حسن آیت که از جمله توطئه گران وابسته به امریکا و از بلند پایگان حزب جمهوری اسلامی ایران بود. یکی از کسانی بود که در جریان توطئه کودتا بر ضد بنی صدر در جلسات خصوصی برنامه های خود را برای کودتا تشریح می کرده است. در کنار این دو می بینیم بهشتی از سویی و هاشمی و خامنه ای نیز از سوی دیگر به عنوان سه پایه کودتاگر بر ضد بنی صدر شرکت داشته اند. این جماعت در جریان گروگانگیری از عوامل اصلی بوده و سرنخ تحرکات دانشجویان را در دست داشته اند.

دانشجویان پیرو خط امام زمانی که وارد سفارت امریکا شدند از بنی صدر دلخور نبودند و تنها برخی از آنها با بهشتی و حزب رابطه خوبی نداشته اند ولی برخی از آنها هم با حزب و بهشتی رابطه هایی داشته اند.

در کودتای سال ۶۰ و تقسیم بندی گروههای شرکت کننده، ما رد پای بسیاری از این دانشجویان و رهبران علنی و مخفی آنان را می بینیم و می توان گفت که کودتا بر ضد بنی صدر قسمت سوم برنامه تصرف سفارت امریکا بوده است بعد از سرنگونی دولت بازرگان و ایجاد جنگ تحمیلی.

سید محمد هاشم پور یزدان پرست یکی از دانشجویان تسخیر کننده سفارت امریکا در مورد بنی صدر می گوید که دانشجویان بنا به مصلحت به

گروگانگیری، خیانتی که خمینی آن را «انقلاب دوم» خواند - ۴

هم این تجربه نبود، بر آنها بود از گوینده دلیل می خواستند. این امر که سالها بعد هنوز نقد را جرم می داند، دلیل روشن بر این که در نظر او و همانند هایش مقامی که محور قدرت می شود، غیر قابل انتقاد نیز می شود. به دلیل این طرز فکر بود که آلت شدند و سفارت را اشغال کردند و آلت شدند و گروگانگیری را ۴۴۴ روزه کردند و آلت شدند و دستگاه خمینی و رهبران حزب جمهوری با ریگان و بوش معامله پنهانی کردند. آلت شدند و این جماعت در خرداد ۶۰، کودتا کردند.

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

سؤال این است: این آقایان از کجا می دانستند بنی صدر رأی اول را می آورد که برخی از آنها به او رأی دادند. اگر می گویند بدون باور به او رأی داده اند، پس حتی در رأی دادن که عملی بیانگر استقلال شخص است، نقش آلت فعل خمینی را بازی کرده اند. جاذبه قدرت توان دیدن دور بر خویش را از آنها گرفته بود و نمی دیدند که در تصرف سفارت و گروگان گیری آلت شده اند. و حقیقت اینست که در آن زمان، بنی صدر به این دلیل مورد اعتماد مردم قرار گرفته بود که از نوع همان حرفها را که در مورد امام زده بود در مورد دیگران هم می گفت و این اعتماد مردم به بنی صدر به خاطر شفاف بودن و صادق بودن او با مردم بوده است و گرنه مردم که با کسی تعارف نداشتند همانگونه که با خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و بهشتی و... تعارف نداشتند و از همان روزهای اول بعد از انقلاب متوجه نامردمی بودن آنها شده بودند. از قول همین دانشجویان خواندیم که دفاع از امام مشکل شده بود...

بکنیم و آن گروگانها را به "برگ برنده" برضد رئیس جمهوری تبدیل کنیم. کسی (که) دوبار به وزارت خارجه امریکا نامه اعتذار نوشته است امروز دم از محاکمه آنها می زند و برابر خبر موثق امریکائی ها ۳ گروه را مأمور قتل گروگانها کرده اند اگر برای امریکائیا آزادی اینها اینقدر اهمیت دارد چرا گروههای تروریست را مأمور قتل آنها می کند. حیف نیست که ما کار اصلی را که استقلال واقعی کشور است رها کنیم و با استفاده از گروگانها در داخل بازی قدرت بکنیم؟ (۴)

و در همان نامه در مورد عدالت و شکنجه و زندانی کردن ها می گوید:

۵- امنیت و قضاء:

بخدا اینهمه خشونت در خور یک حکومت فاشیستی نیست چه رسد به یک حکومت اسلامی دیروز که از سفر بازگشتم ۳۰ محکوم باعدام یا اعدام شده اند و یا منتظر اعدام هستند. با این میزان خشونت جامعه همگرائی پیدا نمی کند و جو سنگین تر می شود. غالب محکومان بناحق محکوم می شوند (۶).

در خوزستان از راه اجرای یک طرح و با تشویق و دلگرمی دادن به نظامیان و ژاندارم و سپاه ایجاد همکاری میان آنها و ایجاد امید میان مردم بسیار محروم عرب، امروز یکماه و نیم است که دیگر اتفاقی نیفتاده اما قطع دارم که بزودی با عناصری که در سپاه دارند، بخدمت میرسند و حرفهایی برضد ارتش و ژاندارمری می گویند و دوباره همکاری اینها را از بین می برند و بی نظمی و عدم امنیت را دوباره رواج میدهند.

حرف زیاد است، امید من بعد از خدا باین بود که آقا اعتماد دارید و در امور اقلأ قبلاً صحت و سقم هر مطلب را از من می پرسید. من برای مقام داوطلب ریاست جمهوری نشدم وضع را سخت دیدم خود را بآتش انداختم بلکه وضعیت را نجات بدهم اینک هم در صفحه جداگانه استعفا خود را می نویسم خدمت شما باشد هر وقت دیدید مصلحت کشور است بفرمائید منتشر کنند. و تا وقتی اعتماد هست اجازه نفرمائید گروه بازان قدرت پرست مانع کارها بشوند. در شبانه روز ۴ ساعت استراحت ندارم لازم به ترور نیست با این کار کشنده و جنگ اعصاب ۶ ماه نمی کشد که از پا در می آیم. وضع بغایت سخت است هر اندازه امید ایجاد می کنم، فوراً تبدیل به یاس می کنند...

ابوالحسن بنی صدر

۱- نوارها، نوارهای معروف سخنان حسن آیت هستند. در این نوارها، او گفته بود: در طرح تعطیل دانشگاهها، بنی صدر توانست بر موج سوار شود. این بار، طرحی تهیه کرده ایم که پدر بنی صدر هم حریف نمی شود.

۲- ماجرای سازش برسر گروگانها تازه

لا بد مطالب نوار را بعرض رسانده اند. جای کمال تأسف است ما ملتی را در ازاء ۵۰ نفر گروگان امریکا



شروع شده بود. همانطور که در نامه آمده است، آن زمان، معلوم بود که ملاتاریا در کار استفاده از گروه‌گانه‌ها برای تصرف قدرت است. مقصود از «مطالب نوار»، نوار صحبت‌های آقای محمد حسین بهشتی خطاب به محارم خود بوده است. در این نوار گفته بود: از گروه‌گانه‌ها باید مثل یک آتو برضد بنی صدر و کارتر استفاده کرد.

این نوار، رئیس جمهوری و همکاران او را هشیار کرد تا از نزدیک مراقب سازش پنهانی برسر گروه‌گانه‌ها باشند. زیرا آتو کردن گروه‌گانه‌ها برضد کارتر، تنها یک راه داشت و آن سازش با رقیب کارتر برسر گروه‌گانه‌ها بود. و آتو کردنش برضد بنی صدر به کودتا میسر می‌شد. در عمل نیز، سازش پنهانی با گروه ریگان - بوش موجب شکست کارتر در انتخابات ریاست جمهوری شد و، در پی آن، کودتای خرداد ۶۰ واقع گشت.

در نامه اشاره به کسی است که دو بار نامه پوزش خواهی به وزارت خارجه امریکا نوشته است و امروز که ایران گیتی‌ها شناخته شده‌اند، مواضع آن روزشان درباب گروه‌گانه‌ها به ایرانیان پند می‌آموزد که با رویدادهای سیاسی که در ابهام انجام می‌گیرند (گروگانگیری یکی از مهمترین اینگونه رویدادها است) نباید موافقت کرد.

۵- اشاره است به سخنان آقای بهشتی. لازم به یادآوری است که از جمله نخستین برخوردها با رهبری حزب جمهوری اسلامی، بخاطر باج‌گیری حزب از بازاریان روی داد. حزب از بهای کالاها، درصد می‌گرفت و بدین سان بود که دخالت قدرت طلبان اسباب تورمی را فراهم آورد که عوامل غیر اقتصادی داشت و دارد (رانت خواری).

۶- یک مورد از ده‌ها مورد اعتراض به اعداها و سنگین کردن جو خشونت در جامعه. (کتاب نامه های آقای بنی صدر به آقای خمینی به اهتمام دکتر فیروزه بنی صدر).

این نامه و توضیحاتی که بنی صدر داده است به خوبی روشن می‌سازد که بهشتی و حسن آیت چگونگی در تدارک کودتا برضد رئیس جمهوری بودند. در میان نامه‌ها، نامه ایست خطاب به خمینی که، در آن، بنی صدر به او اطلاع می‌دهد درباریس معامله‌ای برسر گروه‌گانه‌ها انجام گرفته است. تحقیقات متعدد روشن کردند که طرح گروگانگیری را کیسینجر و راکفلر و اشرف پهلوی ریخته اند. طرح با ایران منتقل و به شکل یک طرح انقلابی از سوی دانشجویان انجام گرفته و سرانجام با ستاد تبلیغاتی ریگان و بوش معامله‌ای انجام گرفته است که به قول بهشتی، گروگانها مثل یک آتو برضد بنی صدر و کارتر بکار رفته است: در انتخابات امریکا کارتر شکست خورد و در ایران خمینی و رهبران حزب جمهوری اسلامی کودتا کردند.

گروگانگیری، خیانتی که خمینی آن را «انقلاب دوم» خواند - ۴

(Murtahran) «محمود میرطهران»

با چیزی شبیه به آن می‌باشد... (کتاب شنود اشباح - ص ۳۷۵)

نامه فوق از تل اوپو ارسال شده است و جالب اینجاست که تنها به دست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی رسیده است و در آن از موضوعات مهمی صحبت می‌کند:

آزادی گروگانها در یک عملیات.

- نابودی امام خمینی.

همکاری ارتش با برخی از سران ضد انقلاب.

نکته جالب اینست که در آن ایام، هر زمان که می‌خواستند مردم را تحریک کنند، می‌گفتند که جان امام در خطر است و یا می‌گفتند که قرار است امریکا به ایران حمله کند.

این بحران سازی از عجیب ترین طرح‌هایی بود که نظام از همان اوایل برای رسیدن به نتایج دلخواه خود از آن استفاده می‌کرد. سالهاست که با ایجاد دشمنی فرضی و احتمال حمله امریکا به ایران مردم را تحت فشار قرار داده است و هر زمان که احساس می‌کند جامعه در آرامش به سر می‌برد و این آرامش ممکن است که برای آنها ایجاد مشکل نماید با طرح برنامه‌هایی زمینه را برای یک جنگ زرگری به راه می‌اندازد تا بتوانند مردم را سرگرم نمایند. این در حالی است که خود در پشت پرده با همین امریکا به مذاکره و داد و ستد می‌نشینند همانگونه که برسر گروگانها نشستند معامله کردند. همانگونه که در جریان کودتا برضد رئیس جمهور منتخب مردم نشستند و معامله کردند. همانگونه که معامله پنهانشان افتتاح ایران گیت را ببار آورد. و...

حال از اسرائیل یک نفر نامه می‌نویسد.

اول - چرا کسی به این نامه توجه نکرد و در پی بررسی آن بر نیامد و به رئیس جمهور اطلاع نداد.

دوم - قبل از حمله، حزب توده از چندین روز قبل در جریان بوده است و به اطلاع مقامات رسانده است چرا به رئیس جمهوری منتقل نشد.

سوم - بر اساس نوشته‌های بحران در تهران در یک نشریه انگلیسی زبان که در تهران هم منتشر می‌شود نقشه و برنامه احتمالی حمله منتشر شده بود چرا کسی به آن توجه نکرد؟ در همان کتاب شنود اشباح مطلب جالب دیده می‌شود که روشن می‌کند با وجود آنکه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب توده و هاشمی رفسنجانی می‌دانستند اما هیچ واکنشی بروز ندادند. حتی نخواستند رئیس جمهوری را آگاه کنند.

از مصاحبه محقق با «مهدی منتظری» - ۱۳۷۹/۸/۲۷: «منتظری»: حمله نظامی که انجام شد که اصلاً کسی خبردار نشد. تا اینکه خود آمریکائیا اعلام کردند. خب پیگیری و ریشه‌یابی

و دنبال کردن قضایا و عناصر هم انجام نشد.

کتاب شنود اشباح - ص ۳۷۶)

به راستی چرا این موضوع دنبال نشد؟ زیرا تحقیق به این نتیجه می‌رسید که عده‌ای از طرح گسیل کماندو به ایران آگاه بوده‌اند اما رئیس جمهوری را از آن آگاه نکرده‌اند. در عوض، به جریان کودتا برضد بنی صدر شتاب بخشیدند. همان کار را کردند که امریکا و انگلیس و اسرائیل می‌خواست: استقرار پیدا نکردن مردم سالاری در ایران و حذف بنی صدر به عنوان نماد استقلال و آزادی.

سوال ما از مسئولین اطلاعاتی و امنیتی که در آن زمان بیشتر در دست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود این است: با وجودی که شما حتی از تل اوپو هم خبر داشتید که قرار است حمله شود و حتی حزب توده هم به شما خبر داده بود که قرار بر حمله است چگونه باز هم امریکا به ایران حمله کرد و شما متوجه نشدید؟ هاشمی رفسنجانی هم که همواره ادعای همه چیز دانی را داشت و دارد، با توجه به اطلاعاتی که از همه سو به او داده بودند، چرا هیچ اقدامی نکرد؟

جعل زیر گویای مقاصد خائنان است:

« در واشنگتن هم، آگاهانه از «همدستی در سطح بالا» صحبت می‌شود. بویژه روزنامه‌نگاران بسیار نزدیک به کاخ سفید از «بنی‌صدر» و وزیر امور خارجه صادق قطب‌زاده نام می‌برند.

(کتاب شنود اشباح ص ۳۸۰)

به راستی چه هماهنگی بین هاشمی رفسنجانی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران و دانشجویان پیرو خط دروغ وجود داشت و چرا جعل می‌کردند «در واشنگتن آگاهانه...؟ کدام نشریه امریکا و کدام روزنامه نگار نزدیک به کاخ سفید شنیده بود «همدستی در سطح بالا» وجود داشته است؟ چرا از یکی از این روزنامه‌نگاران و روزنامه‌امریکائی، با ذکر تاریخ، نام نبردید؟ زیرا با این جعل، حقیقت را خواسته‌اید پپوشانید. حقیقتی را خواسته‌اید پپوشانید که از پرده بیرون افتاد و موجب رسوائی معامله‌کنندگان با امریکائیا شد.

اعلامیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - ۱۳۵۹/۲/۱۳: در حدود ساعت ۱۰ بامداد پنجم اردیبهشت ماه، یعنی درست ۱۱ ساعت پس از شروع و شش ساعت بعد از خاتمه یافتن ماجرا، از آن مطلع می‌شوید و این زمانی است که کاخ سفید امریکا، تقریباً تمام آنچه را که اتفاق افتاده، در اختیار خبرنگاران گذاشته بود... در ساعت ۶ بعد از ظهر پنجم اردیبهشت، رادیوی صدای امریکا اعلام می‌کند که در

درون یکی از هلیکوپترهای باقیمانده، اسناد مهمی وجود دارد و تقریباً در همین ساعت و درست همزمان با خروج برادران [سپاهی] از درون آخرین هلیکوپتر، بمباران منطقه، توسط هواپیماهای خودی آغاز می‌گردد و برادران در حال دو و سینه خیز تا ۱۵۰ متری هلیکوپترها خود را دور می‌کنند. در آنجا راکتی در کنارشان منفجر و منجر به شهادت «محمد» و زخمی شدن برادر همراه وی می‌گردد... حتی پس از اطلاع از کنترل منطقه، توسط نیروهای خودی در ساعت ۱۱ همان شب و ده صبح فردا نیز مجدداً، محل فرودگاه بمباران می‌شود!... اسناد باقیمانده از هلیکوپترها نشان می‌دهد که نیروهای مهاجم، قصد پیاده شدن در چهارده نقطه تهران را داشته‌اند و مشخص می‌گردد که توطئه، صرفاً در جهت آزادی گروگانها و یا گروگانگیری نبوده و عملیات دیگری نیز به دنبال داشته است...

(کتاب شنود اشباح - ص ۳۹۴-۳۹۳)

اطلاعیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی چند نکته جالب دارد

می‌گوید که امریکا زمانی که حمله کرد و در یک کنفرانس خبری آن را افشا نمود کسی قبل از آن نمی‌دانست.

دروغ اول

امریکا می‌گوید در یکی از هلیکوپترها اسناد مهمی به جای مانده است. دروغ دوم. زیرا یک گروه کماندویی را با اسناد مهم همراه نمی‌کنند. امریکا چرا باید از وجود اسناد مهم در یکی از هلی کوپترها خبر می‌داد؟ چرا پیش از رفتن، کماندها آن اسناد را با خود نبردند؟ اگر غافل شدند، چرا از این امر که در ایران کسی از وقوع حمله آگاه نبود، استفاده نکرد و خود نفرستاد هلی کوپترها را بمباران کند؟ نبود. اعلامیه مجاهدین انقلاب اسلامی، سندی است که دروغ امثال هاشمی رفسنجانی را آشکار می‌کند. زیرا بنا بر همین اطلاعیه، زمانی که پاسداران از آخرین هلیکوپتر خارج شدند به دست سپاهیان افتاده بود. اما حقیقت اینست که اولاً تنها ملخ یک هلی کوپتر صدمه دید. ثانیاً حتی یک برگ کاغذ نیز نسوخت. ثالثاً دو هیأت تحقیق که یکی از آنها را خمینی معین کرده بود، تحقیق کردند و تصدیق کردند کاغذی نسوخته و از کار انداختن ملخ‌های هلی کوپترها (که تنها ملخ یکی از آنها صدمه دید) قصد سوئی درکار نبوده است.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در آن روزها همه کاره نظامی و اطلاعاتی و امنیتی و دانشجویی سفارت امریکا بودند نگفتند که این محل‌ها کجاها بوده‌اند و به راستی چرا بعدها آن محل‌ها مشخص نشدند و تحقیق بعمل نیامد تا معلوم شود چرا در نقشه این محلها علامت گذاری شده‌اند؟ از جمله آن محلها، یکی محل اقامت رئیس جمهوری بود.

انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز و مؤسس:

ابوالحسن بنی صدر

نشانی پستی و بانکی:

Enghelabe Eslami Zeitung
Postfach 11 11 18
D - 60046 Frankfurt
GERMANY

FRASPA - Germany
Konto No.: 12 30 26
BLZ.: 500 502 01

1.5 EURO

ارتباط از طریق کامپیوتر:

Enghelabe Eslami

Fondateur et responsable:
Abolhassan Banisadr
5, Rue General Pershing
F - 78000 Versailles, FRANCE
Fax.: +33 1 39 54 45 26

eMail.: EEZ5760GOF@AOL.COM

http://home.swipnet.se/Banisadr

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو لطفاً کنید و چک نفرستید، وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا به حساب بانک واریز فرمائید.

Nr. 669 16 - 30 avril 2007.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میگردد

رابطه مستقیم انسان

با واقعیتها

می باید آن « انسان مقتصد » الگو که اقتصاد سرمایه داری بر وفق آن ، ساخته شده است و موجودی غیر واقعی و غیر طبیعی است را با « انسان در وضعیت آزاد و برخوردار از » اقتصاد آزادی ، جانشین کنیم . این انسان را که استعدادهایش ، در وضعیت آزاد، فعالیت آزاد دارند ، انسان فطری یا انسان آزاد می خوانیم . اما اقتصاد، تنها تنظیم هائی نیستند که آزادی فعالیتهای استعدادهای انسان را میسر می کنند :

از آنجا که در طبیعت از هر چیز به اندازه وجود دارد و این انسانها هستند که آلت قدرت مداری می شوند و از راه مصرف انبوه و تخریب نیروهای محرکه، ندرت بوجود می آورند . لذا، جلوگیری از آمو شدن قدرت (سرمایه داری) و هدف فعالیتهای اقتصادی شدن توقع های قدرت و بوجود آمدن ندرت نیز موضوع « علم اقتصاد » می شود .

به سخن روشن، کار اقتصاد، حفظ محیط زیست به ترتیبی است که این محیط با زندگی سازگارتر و منابع موجود در آن در افزایش، و گرنه، به اندازه، بمانند .

بدین قرار، میزان عدالت می باید انسان ها را از اندازه اثرهای فعالیتهاشان در محیط زیست ، آگاه کند . لذا، بیشتر شدن امکانات طبیعت و عمران آن و سالم تر شدن محیط زیست ، حاصل بکار بردن مداوم میزان عدالت می شود .

بدین قرار، برنامه های رشدی که پایه این یا آن الگوی « اقتصاد قدرت » که غرب ساخته است ، ضد رشد را ببار آوردند و جهان امروز و محیط زیست را دچار وضعیتی کرده اند که مشاهده می کنیم .

- قوه رهبری که هر انسان دارد ، کارش مدیریت فعالیتهای انسان به ترتیبی است که در وضعیت آزادی ، فعالیتهای استعدادهای انسان خودجوش و در راست راه رشد، تنظیم می جویند و انجام می گیرند . اگر انسانها به خود زحمت تجربه را بدهند ، در می یابند که هرگاه استعدادی فعال و استعدادهای دیگر غیر فعال باشند، قوه رهبری او آزاد نیست . به سخن دیگر، رابطه با خارج (از انسان) مستقیم نیست . از راه قدرت بر قرار می شود و رابطه با قدرت ، فعالیتهای استعدادهای او را محکوم به امر قدرت (= زور) کرده است .

اگر تجربه دیگری را انجام بدهد ، به واقعیتی پی خواهد برد که، از آن ، غافل بوده است : هر زمان رابطه انسان

با محیط زندگی او ، رابطه ای جبری و محدود به محدودیتهای مقرر، می گردد، او رابطه مستقیم با واقعیتها را از دست می دهد و رهبری فعالیتهای حیاتی او به بیرون از او منتقل می شود. دقیق تر بخواهی ، قوه رهبری او مطیع

رهبریائی می شود که در خارج از او قرار دارند و بنام قدرت عمل می کنند :

به لحاظ سیاسی ، مطیع ولایت بنیاد دینی ، بنیاد حزبی و بنیاد دولت و... به لحاظ اقتصادی ، مطیع کارفرمائی ، به لحاظ اجتماعی، مطیع بنیادهای اجتماعی (خانواده ، فامیل ، سندیکا و...) ، به لحاظ علم و فن، بنده بنیادهای تعلیم و تربیت و مراکز تولید علم و فن و از لحاظ فرهنگی، برده بنیادهای فرهنگی جامعه می شود .

برای اینکه اثر زینانبار رابطه اطاعت میان انسان و بنیادهای اجتماعی را نیک در یابیم ، رابطه کودک با بنیاد خانواده را مطالعه می کنیم تا تفاوت میزان شدن عدالت و میزان شدن قدرت را در شدت محرومیت از حق محبت اندازه بگیریم :

- هرگاه فرض کنیم خانواده ای تشکیل شده باشد بر پایه عشق متقابل و رابطه زناشویی خالی از زور باشد، فرزندی که به دنیا می آید، محیط زندگی خویش را فراخای محبت و آزادی می یابد . چون قدرت محور نیست و اطاعت از قدرت، پدر و مادر، روش تعلیم و تربیت او نیست، کودک در استعدادهای خویش رشد می کند. پدر و مادر، حقوق ذاتیش را به او خاطر نشان می کنند . به او می آموزند چگونه زندگی را عمل به این حقوق کند . هر زمان کودک با پدیده ای رابطه قوا بر قرار کرد، برای مثال ، عروسکی را شکست، به او می آموزند، چرا و چگونه به نیروی خود جهت ویرانگر می دهد و آن را به زور بدل می کند. چرا و چگونه وقتی به نیروی خود جهت ویرانگر می بخشد، نتیجه کارش خراب کردن و محروم شدن می شود . کاری بیشتر می کنند : به او می آموزند وقتی زور بکار می برد، عقل او از یاد می برد چون و چرا کند . حقوق خود را نقض می کند و استعدادهای او رشد نمی کنند و...

کودکی که بدین سان بار می آید، مصرف را محور زندگی نمی کند، تولید را محور زندگی می کند . زور را ویرانگر می داند . نه خود زور بکار می برد و نه زیر بار زور می رود . زندگی را عمل به حقوق خویش می کند و می داند از رهگذر رشد است که به خود هویت می بخشد .

بنا بر این روش، بنیاد خانواده در خدمت انسان (پدر و مادر و کودک) است . میزان عدالت همین است و حاصل بکار بردنش انسان الگویی است که توصیف شد .

- حال خانواده ای را بجوئیم که، در آن، زور قائمه رابطه ها است و اطاعت کردن روش عمومی است . نه تنها کودک ، که پدر و مادر نیز تابع استبداد خانواده ای هستند که خود آن را با قائمه کردن زور ، ایجاد کرده اند . فرآورده این خانواده ، انسانی معتاد به اطاعت از قدرت است.

حال اگر بنیادهای دیگر جامعه نیز بر انسان مسلط باشند و از انسان اطاعت محض مطالبه کنند، جامعه با نظام اجتماعی بسته و ویرانگر نیروهای محرکه و بنا بر این سخت ظالمانه بوجود می آید . بسیاری از جامعه ها امروز از این نوع هستند .

بدیهی است استعداد ابتکار و ابداع و خلق بلحاظ زندانی بودن در محدوده ها، اغلب ، فرآورده های ویرانگر می سازد .

با انجام این تجربه، آدمی از این فریب بدر می آید که گویا نیازهای او را محیط اجتماعی و خود او بوجود می آورند . حال آنکه وقتی انسان آلت فعل چند خودکامه گشت که ، در بیرون از او، فعالیتهای او را بطور جبری به او القاء می کنند، او انسانی یک بعدی می شود .

بدین سان، یک ضابطه عمومی به دست می آید :

تنها وقتی رابطه ، رابطه با خدا (= آزادی) است، رابطه انسان با واقعیتها مستقیم و قوه رهبری او مستقل است . پس این رهنمود قرآن:

هرکس خود را هدایت می کند، زمانی به عمل درآوردنی است که انسان در رابطه با خدا ، مجموعه ای از استعدادها و حقوق می شود که فعالیتهای استعدادهای خود جوش هستند : وضعیت یا حالت آزاد .

بدین قرار، فعالیت اقتصادی سالم و آزاد، آن فعالیت است که به انسان امکان دهد در رهبری فعالیتهای خود، مستقل باشد . بنا بر میزان عدالت، استقلال کامل قوه رهبری ، همان وضعیت و حالتی است که وقتی آدمی در آنست، آزاد است.

وضعیت آزاد ، وضعیتی است که، در آن، خود را، در فعالیتهای ششگانه خویش ، در بی کران لاکراه می یابد . از این جا، فعالیت اقتصادی آزاد نه آنست که لیبرالی

سم مدعی است که فعالیت است که محیط زندگی انسان را محیط لاکراه می گرداند و به انسان امکان و فرصت می دهد آزادی خویش را حفظ کند و اقتصاد معیشت او، اقتصاد گشایش و آزاد کننده او بگردد . این میزان را میزان عدالت اجتماعی می خوانیم .

گروگانگیری، خیانتی

که خمینی آن را

انقلاب دوم « خواند - ۴

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی یکی از گروههای همه کاره در تصرف سفارت امریکا در ادامه همان ضمیمه اطلاعیه خود می گوید :

« ... بنا به اطلاعات رسیده در ماجرای توطئه نظامی آمریکا، حداکثر بین هزار تا دو هزار آمریکایی مهاجم شرکت داشته و مابقی از عمال سازمانهای جاسوسی غرب، موساد، شبکه های مخفی ساواک، عمال «بختیار» (ملی نماها) و... در داخل کشور بوده اند... در این زمینه از قبل گزارشتی از یک اسرائیلی! و از یکی از اعضای ساواک متحله بدست ما رسیده که در آن، مشکل می شد به صحت آنها ایمان آورد، ولی پس از وقوع توطئه نظامی آمریکا، صحت بسیاری از موارد آن تأیید گشته است. ما برای آگاهی هموطنان عزیز از توطئه های پشت پرده، عین نامه های مزبور را به ضمیمه این مجموعه ارائه می دهیم... (ص ۳۹۹) :

ضمیمه یک- نامه یکی از کارمندان ساواک متحله...: استقرار ناوگان آمریکا برای قوت قلب دادن به عمال زیرزمین رفته ساواکی ها، مزدوران و افسران خود فروخته و فراری ارتش سابق شاهنشاهی [سمنشاهی] و حتی عده ای که هنوز لو نرفته و در سازمانهایی فعلی مشغول فعالیت هستند، می باشد... (ص ۴۰۱)

اطلاعیه در باره شمار آمریکائیان دروغ می گوید : زیرا با ۲ هواپیمای سی - ۱۳۰ و ۸ هلی کوپتر نمی توان ۱۰۰۰ چه رسد به ۲۰۰۰ تن را برای انجام عملیات به ایران آورد . در اطلاعیه فوق سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با استفاده از اطلاعات یک ساواکی که احتمالاً یا با خود آنها همکاری بوده است و با اینکه نامه توسط خود آنان نوشته شده است همان مطالبی را می گوید که آنها نیاز دارند: توجیه گروگانگیری و همکاری ارتش با ضد انقلابها و امریکا و ...

برای آنکه روشن شود قدرت پرستان چگونه جعل و تزویر را جانشین واقعیت می کنند بی آنکه بدانند روزی دروغشان بقیه شان را می چسبد، بخشی از صحبت های بهزاد نبوی را می آوریم :

روزنامه «جمهوری اسلامی» ۱۳/۵/۱۳۶۰ - سخنان «بهزاد نبوی»

«بنی صدر» زمانی که فرمانده کل قوا شد، یک استراتژی خاصی را در جهت حاکمیت دادن ضد انقلاب در ارتش و کنار گذاشتن عناصر مؤمن به انقلاب پیاده کرد... «بنی صدر» پس از این ماجرا، بلافاصله تحلیلی از کودتای نوژه را مطرح کرد تا اذهان عمومی را منحرف سازد و کشف کنندگان کودتا را زیر سؤال قرار دهد و در این رابطه گفت کودتای نوژه توطئه امریکا بود

تا متخصصین را از ارتش کنار بگذارند. در حالی که ما می دانیم کودتا واقعی بود و در این رابطه هم عده ای دستگیر شدند. او می خواست نشان دهد کسانی که کودتا را کشف کرده اند، آمریکایی هستند... چرا «بنی صدر» به فرانسه پناهنده شده و چه کسانی را بر ارتش تحمیل کرده؟ «باقری» ها، «فریور» ها کسی که فاجعه ۵۶ میلیون دلار را بیار آورد...»

زمان بر خیانت و دروغگویی این شخص شهادت داد : اولاً باقری و فریور منصوبان بنی صدر نبودند . ثانیاً فریور و همچنین باقری خیانتی مشاهده نشد . اگر او را دستگیر کردند بخاطر آن بود که رابطه بهشتی را به امریکائیا لوداد . ثالثاً « فاجعه ۵۶ میلیون دلار » را حیدری بیار آورد و او در دادگاه گفت : نیمی از این مبلغ را به حساب بهشتی در سوئیس ریخته ام . و چون فضاحت این اختلاس آشکار شد، ملاتاریا با فرانسه معامله ای را انجام داد و ثروت بزرگی از ایران را به این دولت داد تا دادگاه را تعطیل و پرونده را بخواباند . بنی صدر در نامه ای به پیر موروا ، نخست وزیر وقت فرانسه نوشت: این خورد و برد بخاطر خواباندن یک پرونده اختلاس، در تاریخ دو کشور خواهد ماند .

ما به خوبی می دانیم که از ابتدای انقلاب، سازمان مجاهدین و بهشتی و برخی دیگر رهبران حزب جمهوری اسلامی و همچنین حزب توده و برخی از امریکائیان در صدد نابودی ارتش بودند و همواره اعلام می کردند که ارتش در حال کودتا است . تا جایی که با نصب یک کودتا یاب به نام ریشهری و یک گروه کودتا ساز به نام سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و یک گروه اعتراف گیر از کودتاچیان، به نامه های مسعود کشمیری (شهید معروف انفجاردفتر نخست وزیری) و تقی محمدی کسی که در دستگیری توسط لاجوردی به جرم انفجار دفتر نخست وزیری در زندان خودکشی کرد (او هم از دانشجویان پیرو خط امام بود و عکسی که در نشریات به عنوان عکس احمدی نژاد چاپ کردند عکس وی بود) همان کاری را کردند که دشمن می خواست . بهشتی طرح انحلال ارتش را به شورای انقلاب برد و... و با این بازی ها، کار را به جایی رساندند که وقتی بنی صدر به خمینی گفت : گزارشی اداره اطلاعات ارتش را در باره حمله عراق به ایران شنیدید ؟ خمینی در پاسخ گفت : هیچ کس به ایران حمله نمی کند . ارتشی ها این دروغها را می سازند زیرا می خواهند پای آخوند را از ارتش قطع کنند . آنقدر این سپاهیان وابسته به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی گفتند تا اینکه دژخیمان خمینی افتادند به جان ارتش و شیرازه آن را پاشاندند . با وجود این، وقتی جنگ شروع شد ، ارتش و فرمانده کل قوای آن زمان یعنی بنی صدر ، زیر ضربات دشمن به تجدید سازمان ارتش پرداختند و موفق شدند در برابر ارتش تا دندان مسلح عراق بایستند . و از ماه دوم جنگ ابتکار حمله را از آن خود کردند . این موفقیت بی مانند بود که سران ۸ کشور اسلامی نه حماسه که معجزه خواندند .